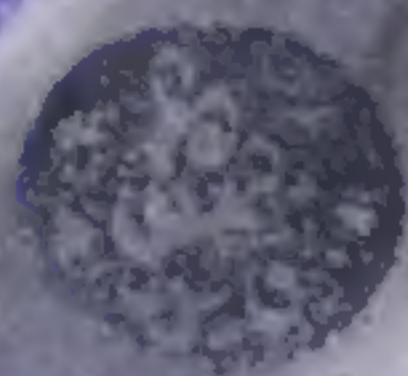


وامن عذرا للشاعر محمد جلي

6964



مكتبة
الشيخ
الشيخ
الشيخ
الشيخ

Stamps	U. H. G. U. H. G.
2	9625
Izmir	



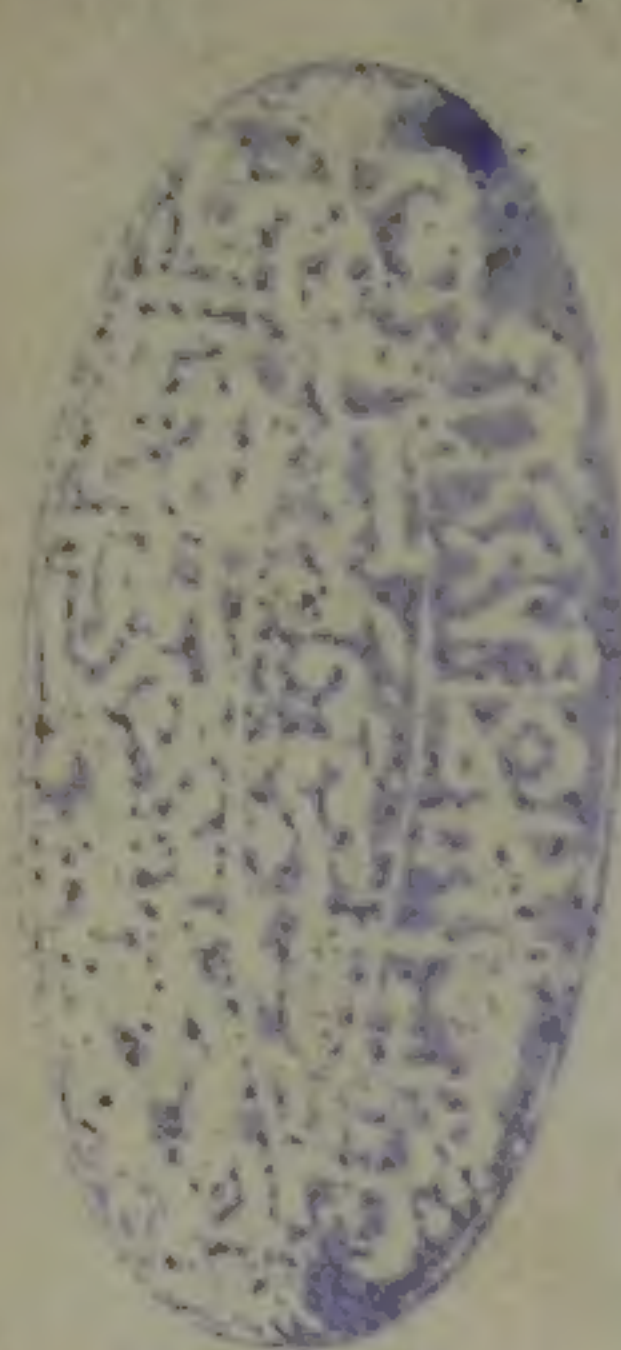
[illegible]

ایستاد حفظ شد از این مکتب
 ماسعاشق سید عالم کاشق در ارباب
 ندیم در پنج مدار از حصار حاقوط
 اگر چون کن پند و یارید و پند
 بگو به بیستون فرهادکم بود در امام
 بدشت هم بخون بیابان کرد در امام
 بهر جانب که نعلم و انکم در پهلویانست
 فرام نیست یکی کعبه بنی نرد امام
 کف بود که در پند و پند
 و حله از حله و مانده و دیدیم نماند
 خوش کلام بر کاسکده سید عالم
 و در کلام برده بایستد نعلی

فخر عالم فاما فاسیون
 عین کوپین و لکین راسیون
 خدا تعالی دن دلام و انجا
 ساگر کبریا و کیم باسی
 شیر کینا کینا و کینا
 کینا کینا کینا کینا
 ان کس حق نان و کینا
 که یوسف هم برودان در چوب
 بنزل خلیفه نماند و کینا
 خیر که عین البده او کینا
 از نیم عالم نماند و کینا
 زبیرا کینا و کینا

ایستاد حفظ شد از این مکتب
 ماسعاشق سید عالم کاشق در ارباب
 ندیم در پنج مدار از حصار حاقوط
 اگر چون کن پند و یارید و پند
 بگو به بیستون فرهادکم بود در امام
 بدشت هم بخون بیابان کرد در امام
 بهر جانب که نعلم و انکم در پهلویانست
 فرام نیست یکی کعبه بنی نرد امام
 کف بود که در پند و پند
 و حله از حله و مانده و دیدیم نماند
 خوش کلام بر کاسکده سید عالم
 و در کلام برده بایستد نعلی

ایستاد حفظ شد از این مکتب
 ماسعاشق سید عالم کاشق در ارباب
 ندیم در پنج مدار از حصار حاقوط
 اگر چون کن پند و یارید و پند
 بگو به بیستون فرهادکم بود در امام
 بدشت هم بخون بیابان کرد در امام
 بهر جانب که نعلم و انکم در پهلویانست
 فرام نیست یکی کعبه بنی نرد امام
 کف بود که در پند و پند
 و حله از حله و مانده و دیدیم نماند
 خوش کلام بر کاسکده سید عالم
 و در کلام برده بایستد نعلی



کن به پستان

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند جان آفرین

حکیم خدایان آفرین

خداوند خشنود است

که هر خطی را بر لوحش بنویسد

و هر کس را که در لوحش بنویسد

سرمه و شانه و کلاه و...

در کلاه او بر زمین نیاید

و در کلاه او بر زمین نیاید

و در کلاه او بر زمین نیاید

و در کلاه او بر زمین نیاید

هنگام و احوال و...

استغفر الله من کذب الهم
وز بسم الله در برادر کلید
مگر شیطانه که تقوی در
جای ایات قرآنی در اول
و هر طوایف شاهی بی مثال
طلعه و میا و صفا ال
هر دو توین و ریح و مکر وین
چون ایاز و جود و جود
نقطه سی حال و اتم الکتاب
بر و جود و اتم عالمه و اول
ایک عالم سرور اول نقطه
قطب و بر نقطه و شش اوزرک
اولین و نقطه سبده و جبر
قوة الیقین و هاتر و کهر
سینو که طه و غی اول و طریق
کم و سرور و بر نقطه حال

و در کلاه او بر زمین نیاید

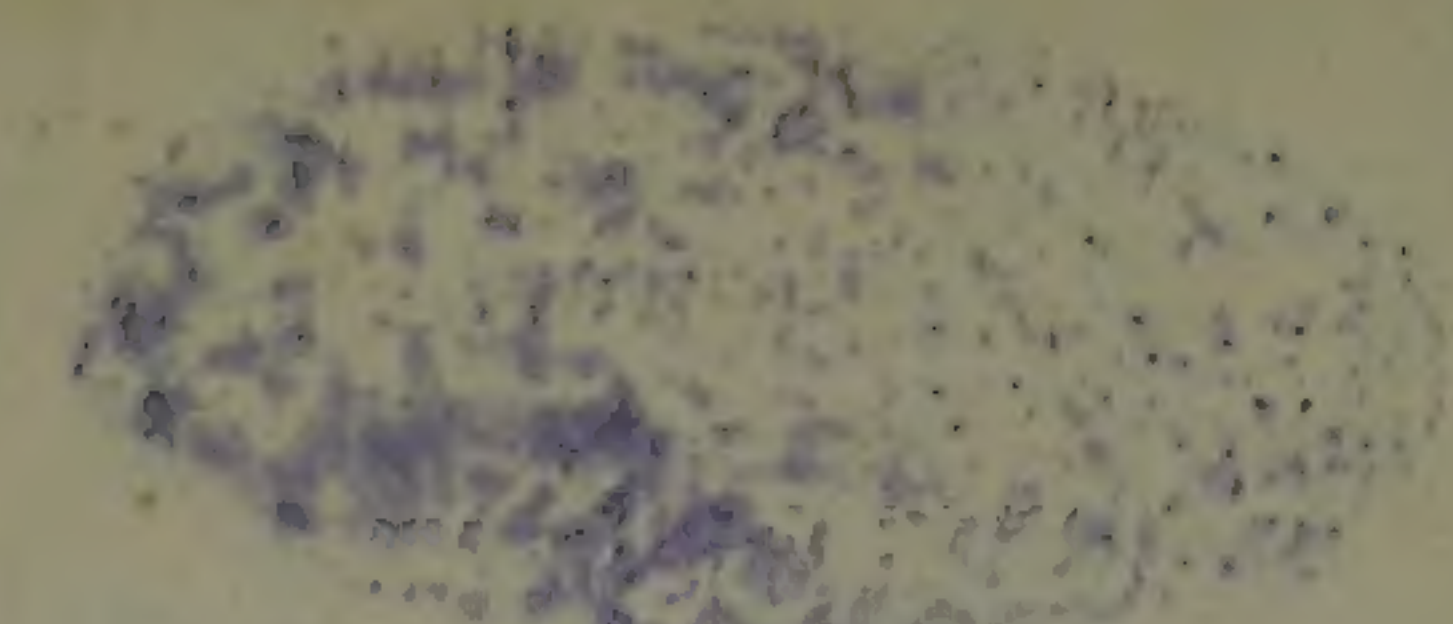
و در کلاه او بر زمین نیاید

که حال تمیز و سرور عقلین
موضع بایسته از بار سرور
میکنم سرور و در اندر
چند سنده و شمع جاده بر نور
هر کس نور و رجوب و جاده
از یقین و نه کرد و سرور و جود
بجز از کلمات و شمع و جود
آدمی و اندک و جود و تمام
هر الف بر سرور و جود و تمام
استقامت را می و در سرور و جود
اوست جاده از یقین و جود
ستری و حد و در یقین و جود
در از بر یقین و جود و جود
زیر و در سرور و جود و جود
شکر و شکر و جود و جود
کو و نور و جود و جود
بسته و فکر و جود و جود
شخصت عالم و جود و جود
هاسینو که کم و جود و جود

و در کلاه او بر زمین نیاید

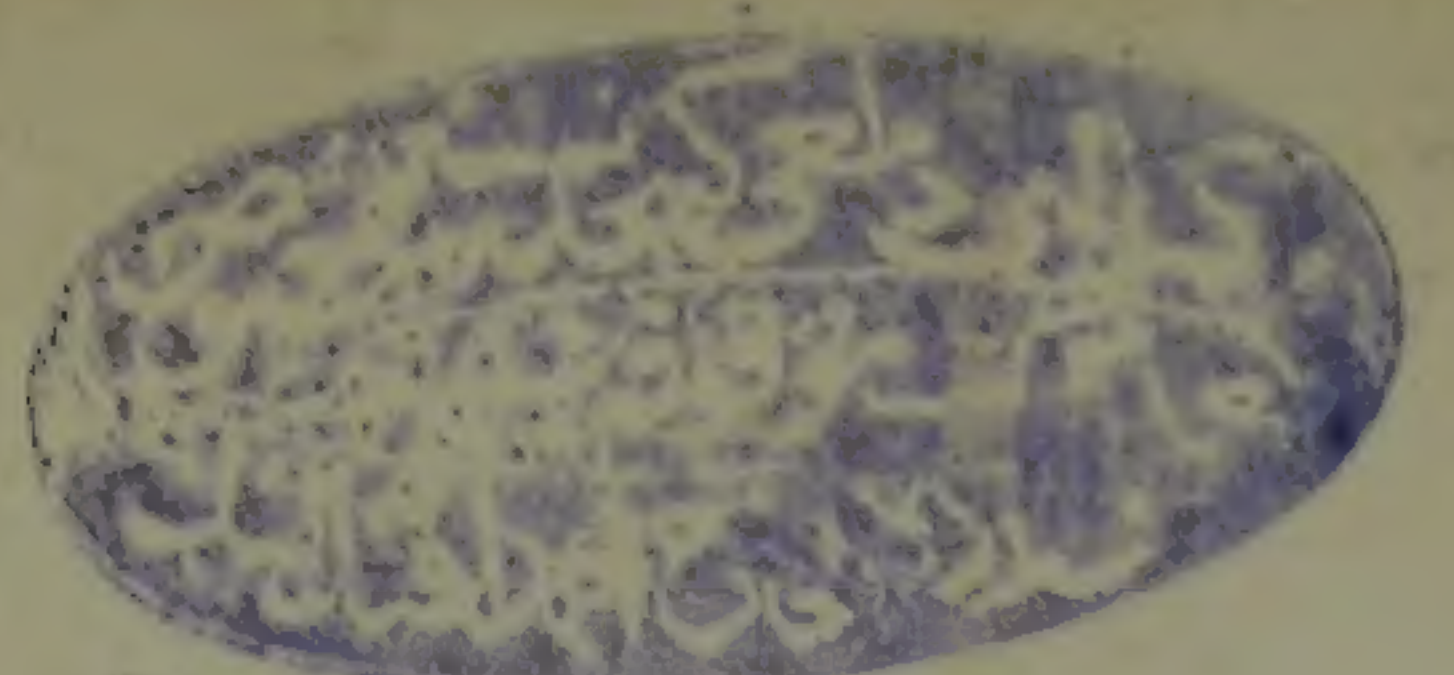
که کرد دست به ابر صورت کمر بر
نهد محل فیه راه در صلب بند
کلید در شاخ فیه راه رنگ
از ابر خاند قطره سوزن
صلب در نقطه و رنگ
از آن قطره بود لای لای کند
و زین صورت سر و بالا کند
بر و عظم که راه بخت نیست
سید او و نهان غنچه و شکر نیست
قد و رافع

مذہب و رافضی



صندک جوہ ویرما است کہ نور بجلد ملقینضام ریای نور
 کوه که در آن علی رود و در صورت انبیاء برور و در
 ریلیوب ممکن که افروز فرات کله بود و در سراسر کائنات
 هر که جوہ مبین ظاهر ایلد که هم ز آتی مظاهر ایلد که
 جو فکارت که صحنی بنو ثمال ماه و هر که طلقین کرکوشال
 ایلد که خوش بود و در حارطه غرض شش پنچ
 کوه ویر که افسر و تیغ و کمر کانی قلد که شایه و اریسم و زر
 یی که روه که ضایه صفت روه ایلد که رینه و فرات و صفات
 روله و عنوره ارض تقوی که کله که کرنا یا تکریم رکا
 کوثر و عفا یوزنده که راه خاص اید و قلد که نیک پاکه
 از شاه و خلیف ضیال اند که اکا جمله کوه طغیا اند که رکا
 بو عطا یا فیض فضل اید بوقیوم و ایتن سکتی و
 هر که کوه مستحق که اریسم بصیرت شری و ارشاد که
 ایلد فضل کله عفو و ولد رک کعبه و عذبه کاه و بوسم حرم
 لطف عام ایلوب بهرم آیین قاعه حاکمید هم نشین
 حزنه اسرار حق جانوم مطلع انوار ایه آت و کلم
 عقده نظم سجد آت بر رقا نقد شرم کف و الا و ارفا
 ذکر که هر دم انیس اید کوه فکر و کوه و کوه جلوس کوه
 سوله ناه که نقای کوه او از ایزر و غ جانده ساعت بر و از ایزر

اینک از آن صفات این عالم



یاد که کوز رینه که طیر لده اید و غده با هم میو سیران اید
 کرم جویم در هزار اندر هزار لطف اید و فیض قلم شریار
 نان رو پوش ایلد و قد لاهی نور که کوه ستر راهی
 جو و در بملک تاز و اراولم خج و ش فضلان و اراولم
 رقیاس اید و ب او بر ت لاهی غرقا کوه و لاهی
 جانم الدی خیرت بشوین مصطفی نورش قبا فیاض
 هر نفس تلقین فکر یار قبا و شکرم اید و قبا رقا

در نخت بی عم

کم و در و بیج او شاهی شرم کوه که یکد آن و کوه قد
 مطلع و بیاج و مصفی و جوم شمع و لیو لده سقف لطف و
 رمیا بهینه طفرای نظام رنبیا شمعده مهی رنظام
 شعلسی و در بر توین عفا کاه بر تونده و کاه 2 کاه
 شبنمی و کوه فیضین عفا کاه خج و شرم فضلین عفا کاه
 بولد و انفا سنده و رور افق فشار روله و لوله و لوله و لوله
 خج نور که لوله کوه کوه طلوع سیم قلد که سیر و کوه اند که روه
 ریلیوب بهرم کائنات و سالام رنده و رور و لوله کاه شفا
 کور و یار طالیو شرف و یلد زینر قبا کاه یار سفا و کوه یوزن
 نورین اید و ب خالق عالم عالم روله و عین و کرم و لوله و قلم

رشکار

حور قلده بزرگ اول نور بیست نماید و عشق تمام اول بیست
 دوم یازده به اول نده رقیق لیکه یار لده جلاله نده قلی
 کولده جوده اول نور تب العالین بولده رونق کلشنی خلد برین
 شکری شکر بکوه اجدده جوده مین جوش کله ی چشمه و فرو این
 هفتین صفا اول سر و راج جوده تولد صبر لکسترمه قیام
 اولده طوبیاتی استیسا سایی سدر شام قدر کیم با سبی
 بیست و نه روز اول نده جلودر نلده هر بر بکن بر عالم کهر
 اولده اهل قدس قند یال ال شعل سنده بولده رونق ملاه
 اولده هر موقصن جود و قوف ایرمه اولده ماهر ساعه ضوف
 اخراج بر ل اول نوزده قند ویرمه دار الملک شریف و قند
 بولجی ارقم لاقو آتصال ایلده حواله اول نور اتصال
 شویخ بر نور ایلده قول یوزن نلده کیم صوح بر توه خور یوزن
 یار اولوب هر اهل نفس و عقل شید و لدر ی کله ی نقل
 یل برین جوتی تال ایلده نوم نقاله ایدوب تجلی ایلده
 ایرمه لبر لهر اولده کاه و قاف قلده وارت بی این بر صفا
 لنده استماعیل کله ی سوقیل طله ی جانه نور و کوه کل و قیل
 جوده بنی عدنانده اورده و تپان جهر بین قلده ی زینت اقیان
 ایلوب انده اقیان لایه نزول روی هاشمده توه برق و کوه
 قلده عبد المطلب النعم ریر اده شمع طافتن بدر کینر

رفر اول اوله ذوغ بر قوغ قلده عبد الله جلاله طلوع
 لقیاس لنده اول نور امین مسکونه قلده ی جانی جایت
 طوغده لنده افر اول نور ال و نه اورب کوه سیم انده
 بر اوله طبراق اولوب اوله کاه طوغدن دم زین قلده ی جود
 قلده ی هر سیم کلر ایلده بر کلین صفا اولر ایلده
 بر یوزده اولده جلاله ی شمع غرتن قلده رونق خور لست
 پیر و شجره ساه کل صوفی روه یلده کله روده زو و شکر جاده
 طاق کسرتان قلوب قدر نلی شیر حاکه ایدوب کلر روه ویرمه
 کوه کیم جوده عالم فیض لنده نور لایوم نورنده اولده ی سایه
 ایلده روی جمال لایع کلان صلده اویده حاکه صبر سنلین
 صوره اولده ماهر قلم لعل لعل جاده خور بین لنده ی سیم طلسار
 و نه و ش مهاد لای کورده ی کوه چنر اوله یغیوه لنده ی کوه
 اولده یغیوه کوه یوزده نور ال دایه کیم مهاد لای کورده ی کوه
 یوز یوز جوده بطایه جوده یغیوه طولده انوار یلده سراسر قلم
 جوده ذلاله نده دم ایرمه رزم جوش کله کله جانه زو و
 شاه و ش جوده صلدی اضحی و زان لایه لایه اورده ی بنایه قلده
 اولده ی حلقه ی کوه قریق الزین صنو لایغیوه جاده سر کشته
 ایلده ی کلر کله بنده بیانه خلق اولده کوه کیم صدق عیانه
 جوده کلان بولده اطلوع کل اور ایدوب و صید کله ی صبر کل

حوضه طفیلید که کانونی همگانه
 لاوم بهوس کل رولده اوخا
 عطفا نشده رولده کیجی بکده باش
 یوز قرین غایب کس قلدی فاش
 و عوتنه بولده جنی شرف
 عظم و رفته لیلده زام و علف
 قلدی رولده طاعت لشکار
 استر ویز عالم بار و سوسار
 رید بکلی اصحاب و صوفی رات
 ریلده و شنده بیمن مصفا
 حوضه الیه رولده طهر کوه بحر
 که رولده سیزه بهر رولده بحر
 حوضه صوفی رولده اصحاب کار
 رولده هر بری مفری بر شمسار
 بحر انکشتی رشتی رشتی
 بنیات ایته بحر البشر
 شکله اکام عالم رولده حال
 صونما کلک جهاده بوحیاله
 بدقیقه لقه نه غم و زاریتینه
 بو عالم یاک قلدی رفته
 رولده و غنوه کوه بهر علوی ترا
 سایستیم بو غنوه زکر سوار
 حجت صدری زنا افضلی تیر
 موصوفی بختیم قلدی صوفی
 حاکم بایه اب روی کانیات
 صوفی سر حقیق و ریح صیات
 هر و با هر اضر حاکم و ریک
 عش و کرمی خوشه جلی کوهی
 مندی سر جل خلق و من عین
 اعتداله و بهر امام قبلین
 روز رزم رشتن نکرده و کینه
 بتر بر با صند بیکاه یار استر
 فاستقیم با غنیمت قدی مستقیم
 بار صفت بو خلقه عظیم
 بنیرین ساینسی زفا که هر
 مطلب سینه ایسی لولا که هر
 تم فاندزده بو بولده قدر تمام
 وصف قلبی رولده لسم کل لایام

نور مقدسه در کاه حوضه قصه تاب
 بن ابدی غنیمت و ریح و ریح
 حوضه هر لوط شریف و رله مدی
 جاده و دله هر دم رولده فدیه
 نوری ظاهر کوه کبی لایق و کل
 یار بایه جاد رکنی و یمنی و کل
 اول بنوت رولده هر سر و ریک
 مین و دیا ملک و کوه ضرور
 بحر اصحاب و نورت بکلی
 شت رولده و دیا بکلی
 آله غیر الاله و صوفی کوزین
 رفته رفته عالم لایق

خواجگ علی بن علی

بر شرف لب او قلب لایام
 اتماده قصره اتماده مقام
 عالمی طایفه قلوب غیر سرشت
 مهره مشکه از فانی و باغ کاش
 قلعه طایفه ای بی شیب و شتاب
 محقق عین الحیات رفات
 طایفه شیب سفلی خوش بوید
 غم و دله هر و رولده
 روی بونکه ای رفته قزای
 بوید آنکه ناله و دله کاش
 بو شاعر قلم ای رفته و
 فقیر منزله (ید و اول صیات
 قویته غم و شوق زل نوید
 سیر ایدر و غنیمت کار این کار
 لشکر اوریش نظر راجه رات
 انوکده بو غنیمت و شوق
 بقیه سونی صاف جانش رولده
 رولده سببه قلیوب افاده و
 کل بیکای لاله و شوق بیکای
 زکی رولده تایدیه بنو ریک
 اوریش بار کاهی حق یوز
 طویش شام و دله غنیمت
 اتش امینده یا قوب جور
 بوی و صلحه و رفته و باغ

ابرو نه نا که یکا حضرت جبرئیل
 ترکین اوله سرور اوجوت قلد
 طعنه جاذ قلدی اضطراب
 لطف قلدی لطف قدنی لام
 و عیونیه اندی حق اظهار شوق
 اوله اوله مصطفا جنته کها
 و قوس خورشید زین و بهام
 و قوس میداره بر قدس اوی براف
 لایق که دونه بکر بر شمس
 صوبت اوله اوله ویریه زین
 اوله دکر دوش کا اوله شوار
 اندی اوله شاکل او کین جلوه
 بکده بعبه و جع قدس با
 سجدی اقصا قلدی جلوه کاه
 مصطفی کدی اها به ایلدی
 اوله ایمام وینه قلدی افتد
 و قوس جبرائیل ایلدی اندی عروج
 کوه یوزنده قلدی نقصان تمام
 قلدی یوزده سنی تیرکه قلم

ابرو نه نا که یکا حضرت جبرئیل
 ترکین اوله سرور اوجوت قلد
 طعنه جاذ قلدی اضطراب
 لطف قلدی لطف قدنی لام
 و عیونیه اندی حق اظهار شوق
 اوله اوله مصطفا جنته کها
 و قوس خورشید زین و بهام
 و قوس میداره بر قدس اوی براف
 لایق که دونه بکر بر شمس
 صوبت اوله اوله ویریه زین
 اوله دکر دوش کا اوله شوار
 اندی اوله شاکل او کین جلوه
 بکده بعبه و جع قدس با
 سجدی اقصا قلدی جلوه کاه
 مصطفی کدی اها به ایلدی
 اوله ایمام وینه قلدی افتد
 و قوس جبرائیل ایلدی اندی عروج
 کوه یوزنده قلدی نقصان تمام
 قلدی یوزده سنی تیرکه قلم

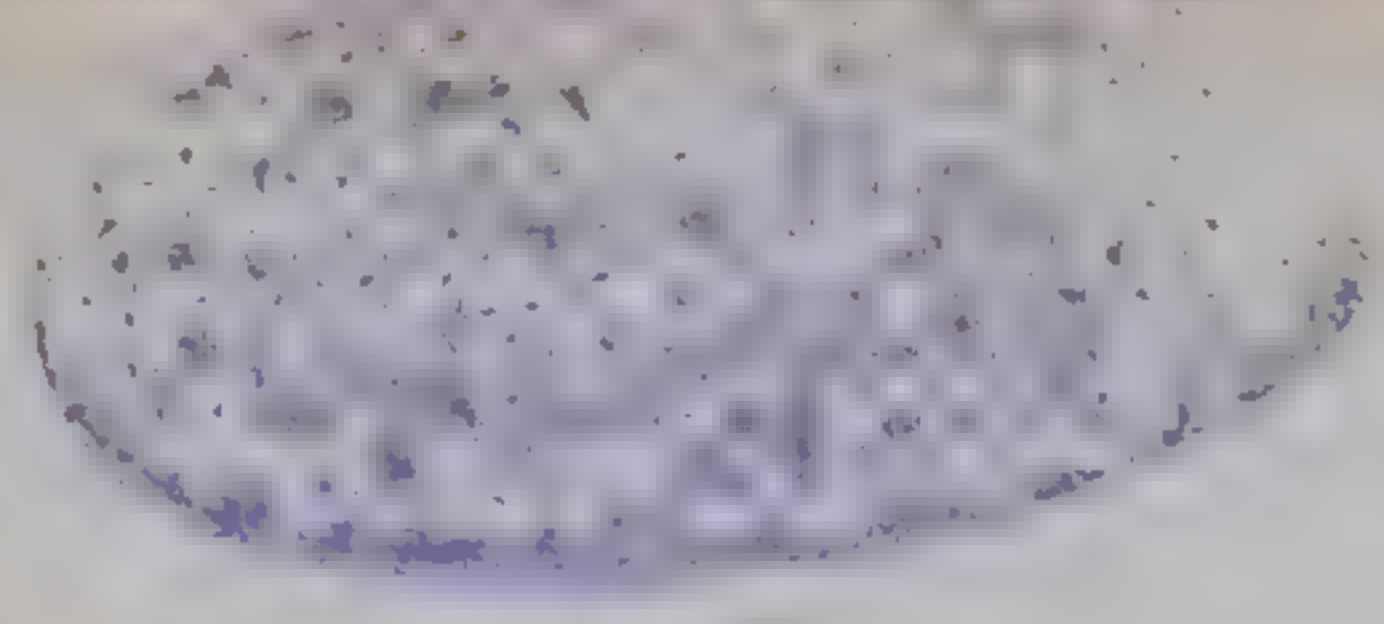
ابرو نه نا که یکا حضرت جبرئیل
 اوله اوله سرور اوجوت قلد
 طعنه جاذ قلدی اضطراب
 لطف قلدی لطف قدنی لام
 و عیونیه اندی حق اظهار شوق
 اوله اوله مصطفا جنته کها
 و قوس خورشید زین و بهام
 و قوس میداره بر قدس اوی براف
 لایق که دونه بکر بر شمس
 صوبت اوله اوله ویریه زین
 اوله دکر دوش کا اوله شوار
 اندی اوله شاکل او کین جلوه
 بکده بعبه و جع قدس با
 سجدی اقصا قلدی جلوه کاه
 مصطفی کدی اها به ایلدی
 اوله ایمام وینه قلدی افتد
 و قوس جبرائیل ایلدی اندی عروج
 کوه یوزنده قلدی نقصان تمام
 قلدی یوزده سنی تیرکه قلم

ابرو نه نا که یکا حضرت جبرئیل
 اوله اوله سرور اوجوت قلد
 طعنه جاذ قلدی اضطراب
 لطف قلدی لطف قدنی لام
 و عیونیه اندی حق اظهار شوق
 اوله اوله مصطفا جنته کها
 و قوس خورشید زین و بهام
 و قوس میداره بر قدس اوی براف
 لایق که دونه بکر بر شمس
 صوبت اوله اوله ویریه زین
 اوله دکر دوش کا اوله شوار
 اندی اوله شاکل او کین جلوه
 بکده بعبه و جع قدس با
 سجدی اقصا قلدی جلوه کاه
 مصطفی کدی اها به ایلدی
 اوله ایمام وینه قلدی افتد
 و قوس جبرائیل ایلدی اندی عروج
 کوه یوزنده قلدی نقصان تمام
 قلدی یوزده سنی تیرکه قلم

لا يهاهون ملكه و عزها كسك
 فضل مقدس سائت في زمك كسك
 يس و ده آید و رسو كانیات
 جافه لده سرده بر حجابان
 شش جهته از هم یونای کز از
 ك و در فرخار عنقه و فتر
 قطب و ملك فنا اندر فنا
 سكا و ملك بقا اندر بقا
 حاكه كج اند و قدر آتاف
 نور به پایا و دلكه كراة
 مس و صیر لانه عقول انیا
 بسته و نام لای فو له اصفیا
 كوز و ب ل ذ اوله الهی فیال
 مقده او ریمه ر ع نصیب ال
 انم بو غیده فاده غیر كس
 مصطفاه بر نفس شیده یس
 یس تجل اتده فارت صفا
 الهی و ده یونیه اله اوله زماة
 عقلا و جانه بولیب الهی
 یس ل ملكه كوتر لب قلده اص
 یونیم نور لولده سراسر فم یون
 لیلده نفس كالم حق كوش
 لاتن انید غیده جوه مقده یس
 بولده بر دم الهی طفتاه بیکر یس
 عین و عقلا و یس سراسر فم یون
 كورده لایب بر جماله ب نظر
 جانه لانه بر اثر احوال طور
 عقلا لانه بر خبر ستر زبور
 لكاف هر یوزمه انده یون كاه
 ویده بد راولب هاله كینك اماه
 ارمه بر دم الهی بنزله كاهنه
 ویده كوه كیه شرقی فوكاهنه
 جوه وجودی سراسر اوله یون
 نوزمه بولده لولایه نور
 لایق بولده اوله مستیز
 حاكه یس مصطفاه و ستر
 اوله كج اوله فیض اقدس كاه
 اوله بر بر قتل ستر ره نیا

قلوب بوطال و لایك
 این س لایك و روشن منار
 بر كوه لایك کی صاله او صیر طیر
 عالمی انصاف و حقه غم ویر
 كورده او لعل نقد عمر نظم
 فكرت اتنی ملك عقلم هر چه ویر
 بلیه لاوله قوا و بر لایك
 صحن جافه لولش و لایك
 نهارت اینش طاهر لایك فیال
 جافه ل فكرت انم یس
 لولها ملكه سخی صورت كاز
 سینه بر نقش و نهار لایك
 لولب یوم و یس او ویر
 حاصله ملكه اینش عمر صبا
 كیه كونه جافه و لایك
 سوز و س زین لایك زور
 نقطه زلفه لولب حاكه
 بره لولده سر و
 صینك ملكه سی خود حاكه
 نقطه حای سول و چشم و تر
 سرو قد نه كوكال صیر لایك
 چشم سار این تصایه حاكه
 دانه لایك سر كراهه و زار
 با و یس حاكه و بی قرار
 لایك یس جانه بولوزمه
 كایه ملكه زینت كاه كرهه
 لولب یس حاكه طوبایست
 قدر كاه سرو نه فله كاه
 مدح زلفه كاه لایك
 و صفایه بولك كاه
 كاه انم و ده یس نظمده
 كاه بولك لایك و ستر
 باه و كینك قلوب شرافه
 روضه یقده صبح و شام اورا و
 نین و شرفه بلیك كاه
 این س لایك فیال نصیر عین

هر بنی ثمره بر آت نام کمال
 لکنین نظم و رد و رانی یکس
 از ماه معنی غضب صورت مستعار
 از بلیب باغ سلفه بیخ و زرد
 بهیچ اصفه می لایق از حال کمال
 فن کندی غیر از این به حال
 سخن به هر کس موافقده ال
 حوید و رد و باد کس از اول سال
 حاقه طغنی شکای هر بر جا کمال
 یکی جان شکست ایام و یکس
 حال عالمه صدمه بر نفاق
 بیکه بر صاف و بود و نفاق
 بر کلک و خوش و کلک بیکه خال
 بلیک انسانا آید جاده زار
 یک از و در کج صابو سبیل باشو که
 بود سین کوز شیار بهیچ کمال
 از بلیب بکند عزاله کمال
 این سر فانی طاعت جبهه کمال
 کینه در کینه و از غنا و کوفت
 سیمه نقد سخن زرد و سکوت
 بن و میری بخار یساکر
 من تشم خواب مگر نفلز کمر
 صحت و لذت و در طریق خوابگاه
 نو که صورت و در طریق خوابگاه
 مصطفی این و در جوتار کمال
 سنت اصحابه سیرت کمال
 مقده اولوع استر کمال
 قوبو نفتی اول اسیر کمال
 از بنیا کرد و در کمال
 رصفیا لمار و در صفتی
 فقط و توحید و قلب الیقین
 فوف و بحریه و دیبا و دین



توتیا کمال را لاهی بی بها
 جلوه کاهی تفتیشا منتها
 به صفت و آرتین سیرت کمال
 نور حقه طینت با به سیر
 صحت صدق و صفا و از
 لکنین لکنین حلقه ساز
 این بو سوز را بلیوب فاذ کمال
 سوزده اند و فوف و کمال
 از بلیب بو غل ترک خوار و خور
 یا بلیب و از کمال صلیب سیر
 اولین خود و چاکر و باها نوش
 هم یکی قلد و در و غده و خوش
 هم یقین اولده بو صفتی کمال
 سوزده بعضی بو غل و بعضی سوز
 بقل و سوزده و در و کمال
 خا کمال را ایلد و طهر زبانه
 حو که اید و کوزده با کمال
 با شمه اورده و غرا با طهارت
 غزل اند که کفا و کوفده جاده کمال
 از کمال و در و کمال کمال
 ناکه اید و بر سو و کمال
 بر سرف طهر و کمال کمال
 بنم طهر افتاده و ز کمال
 هر چه بر اختر کمال کمال
 از بلیب و کمال و کمال
 نورده و کمال و کمال
 رفعت با بلیب کمال و کمال
 رسم بر کار و کمال و کمال
 زینت و عالم انوار کمال
 سیرت کمال و کمال و کمال
 تملیقه و کمال و کمال
 ایلی کاف و کمال و کمال
 نصرت و کمال و کمال
 مهر و کمال و کمال
 کور و کمال و کمال
 رقد سین و کمال و کمال
 بنم و کمال و کمال
 به صفت و کمال و کمال

رومده لایار سوار می هند حاکم
 خطه کال هر سلیمان پند را اول
 شیلاد اولی که از شوفا کتار
 یان بر سو که نقاشا چین
 عنبرین شعرنی کجور ایلیم
 نظم ایدوب دور و شاره ایلید
 زهری در تن ایدوب ایشال
 کوزه کبی پلشتا بجی زر کعب
 وان ناکال ایاغند اوج کر
 یعنی خایع بر لوم هر ارا اولم
 نظم یوز اینتی کوی هر سنج ایدم
 طویلت یغیا یی خدی فند
 شویل بر جایل جاده همده است
 بر سر اغاز ایلیم جانیال بن
 روم ایدم شوله رسد عیب اسرار
 سابقا بوفتد خوش نظر
 روم و شمش افر اوله خور کلبان
 لطایفه یکانی لالزار
 حاکسار و جشم کور یانی کل

چین و ماچین و مطا و سن حکم
 این الطاف رحمانی اول
 اول مشکینه فایده عنبرینار
 این را جانل یوز بیک افرین
 شانه شعریل تقصیر ایلیم
 کج کلکته اولم کوی خنار
 کوستم ابر و لوبه یوز فکال
 فوج ایلیم مله افر کعب
 بول حاکمه جانیال زیب و فر
 ناکه کوی دل اوج و غدار اولم
 کجی سلطانیه عرض کینج ایدم
 بن ایدم سر و یی بر بند ل
 بوی ایدوب جاده کالی سار اول
 رقص اوج قلعت نوالی تیره
 باقی مبرزه ایدم ایلور این
 نظم ایدوب یزاش باکم عنبر
 ترکمه لاده حاکمین قلمش بالکس
 نوقار فیده ایلیم یوز و لار
 خور و زار و یانی کس و شمش

ایشویوزده ایدریوز بیک سلوک
 التفات شود و رب اکا قدر
 کعب لکنده سعادت جاده سی
 جمد و کرم و نوم و این غن کال
 ایدیکال بو حالده (نوک ککاه)
 بوک صورت اولی پر و زلفمال
 ایدریس حکم شاه یی لم یتر
 ایدریس جین کجور خور کعبه وار
 چونکه اول منشور ایدم عالم مال
 کرم اولشیده کول کال غلایه یز
 جمد و غن عیدر جاده خدی
 بن سی عیدن منر عده از شاه
 بنده ایلیم لایم خدی و اول
 ایدم فوسک منعتی لایم رکا
مرد و پهلوان عایین شاه

حاکم یای شاه ایرش لک و نوک
 نور س اولی اوله جلال عمر غدر
 کعب لکنده سعادت جاده سی
 حاکسار و باد و بیاد مجید
 ایدریس جین کجور خور کعبه وار
 اول غن بی قوشمده یوز و سیال
 بر غلام شمسوار و باد خیز
 خانه و روشی ایلیم تا بد لار
 اکمه جانیال ایلیم تا بد لار
 حکم سلطانیه کول کال غلایه یز
 ایدم فوسک منعتی لایم رکا
 ایشال افرین شاه کعبه سی

پیم شاه منشی فرما و رواه
 برو یتغی روز مید لافان
 خنجو نیکی جوهری افاق سوز
 کوش و کوس ایلیم بر طین

ضرور لاده سلیمان زاده
 تیر بر تاج قضا ایلیم شهاب
 ساغرین کوی عالم فوز
 جوش کلمه کساری و تر زین

صله خیال و این اوازی جوس
طوت لرزم ایچ رنج سنا که
آتش اورد ب است برده تو فالک
اگر اولمش در استم ضرب حوب
جوه رکاب بصدی اولم کج ایاغ
قله انکلی قدم اولم و فکام
اک جوه ص و ر و ر استیاق نور
لکار نیکه رهبرید رهبر ائلی
بیر و ر ل نعام عامده فلک
ابر و کفی شید و ر یا بار و ر
کوه کبی قدر یال ایتشد ظهور
شاه ایر لره اگر نیست مکرر
سکاسده شها و که جانم طاف
قمار که او و نده کوشی بر تابد
سلطنت ملکن و ر یا و ر و ر
فتح اولید این جوه عز و عاکه
بز منکر ناصیه و ر قینا کری
پایا قمری و ر کیولره کری
در کله قدر نزع جوه و جوا
صیح اولم و م است قطعه ایال نفس
بلیت ز آرد و نور سراسر سخن حاکه
خان و ز بنور او نور سخن فلک
تاب مهر نده منور شروع خوب
او کار و سکا کسینه او و ر و ر
فیم و ر و سید از فرنج تمام
نول قزابه اولم لایا علی اکا
نور هماندر اکا یار و فلیل
طوینریوی طفا منده ملا
کوه و صوا جلا بر خور و وار و
سلطنت و فضا ایا و لره اولم
مهر و ر و نده س حکم و ر
صله منده بحر و تر اولم قافه
لطف صوبنده فلک سیر اید
بعد له قمری سجاد و سا حلی
مهر بی افزانه و ر سم نولا
رزم منکر سیر اید ریتو اوری
تیر و یول نزع بر کتر و بیر
مشرید بر غلام و استرا

بر یوشن ل و غلام مندر بایند و ماه
جیش و ر یا کیش و ر بجم شمار
ل و ر عاکه کبی صاف کو هر و
م کبی و ز بیکر قو و ر و ر جام کیر
رویه و ر باغینو که فضا لاله کلی
ینس ل و ر بر بر ا و بر قاسا
ایده و ر تاب ضمیری حاکه زر
کوه مالکده شود کلو سیر بر
بلبل ل سا لکده مد جین این کار
خدا منن هر کیم رهده حاکه و ر
تایوسی کف لایم طور ایفای
جو هر و حاکه و ر یدر کیمیا
صی فرایشی زین فرشتات
بو و ر قبا و ر و ر فرقه میا
کل منده هشت جنت بر و ر و ر
جو و ر بر قطع بکر و ر کر ل
لطف و ر کا هند و قول ففوق و ر
فون جو و ر و ر خاقه خوش جین
سیاه شمنده و ر و ر و ر و ر
بو کتر که رگش زین کاکه و
خیال انش طبع و ر و ر و ر افندار
قلیدر ایلین و ر اسکندر و
رستم ایلین هر و ر و ر و ر و ر
نحو عالم تاب روشن فضال
سری سجاد لاله اسری عیاه
زر کشتن کبی اولید حاکه و ر
و ر انی با شنده اولم کلک و
کلی کبی بر زر قور و ر غره بهار
کوه کبی حبیب فلکده اولم و ر
طایوسی بحر الحقم بدر الکلی
نول قلب عین عالم تو قیا
صیه کرم و ر یا لیتن کف تراب
همین ایمل که ایلین یا و ر سا
بطیننه نه فلک جین طبع
نحال قدری اوز و ر کوه ایش
قدری صوا سنن پاکه تورا و ر
خاتمن ملک و ر و ر و ر و ر
سلم تفینده کوه و ر و ر و ر

هم عدلند سلطان و نظام زن و در سجاده بنی کج انظام
 و خوش روشن و مو و قوت منیر ماه کبیر بخت طفل و عقاب سیر
 قضا اید و قضا عین مصیبت اینجور حاکم و در رکن رکن
 رنج را که کند او را طاعت سنا شرطایر بر و در مجلس سنا
 و قدر قدر و چه از انقاد بحر و جود و چه از انضراب
 یا الهی انبیا شاه کتوری ماه و تن ناله غم صوفی و بری
 و دلتن کنی کبیر با بنم ریز تا قیامت ملکین با بنم ریز
 و قدر و در فقیرین افاله کمال فتنه کرده دیارین با که تاله
 و هر بن صفر اید نو از بن ملک حاجتین هر اید نو از بن ملک
 و این نفر کمال بنصو رایع مدام و شین قهر کمال بنصو رایع مدام

مطلع و ستاره

کاه پرواه صد طوطی باده سید بلبل کبیر بر خوش و استاده
 حو به سبک بلکن سیر اند که یقین فاتا منها سلطان بین
 تا سلیمان صد کوشن رایک خاطر در یا صفت جوشن رایک
 سیاه بر سوز کج فضا انگیزد و کام جاده لکچن شه ریزد و
 رستم و کوشن بلبل این جاننده کاک کبیر بنده بکا طوت کوشن و
 سحر او را بلین صاحب و قوت بویله باز میشن مهر با بنم کسوف
 و دله ز کاک ز بهر تکه کاک و دور و و در کتر کتر و طلم و دور
 عود و بکش نایه بر الحاح اید می طرب بخت و دق و فتنه اید

و
 و
 و

حقیقت ایدر این شعر و این سوار

یکم سواد و دست و دست بنزد در بنر اید و صحنی من
 ملک صین و در و بر شهر بار عین و عین اید و کوه کوه
 بخت و لایق کت و کلاه در رید و اید و طموس شاه
 عدل و در اند شهر و اید و کند شیار شاه و قوت و بخت
 و تیز و بر برنده لیر و لیر شیر و لیر و باز و تیر و کوه
 بو غیری کجینه و بالینه کت و تیر و لیر و ضلین عد
 کرم هر مقصود و کاور و کت لیک و فرزند اید و کوه کت
 حو و صد و فیضه اوله و قطن کرم و کت و کت و شاهوار
 یار کار که اوله بر خوش خلف باغ و کوه حاصل و لوت و تلف
 حو و صد و فیضه اوله و قطن زن و فرزند و جاده بند
 حو و صد و فیضه اوله و قطن عاقبت و کت و کت و کت
 و کت و کت و کت و کت بول و کت و کت و کت
 حاضر و کت و کت و کت حاضر و کت و کت و کت
 شیت و عین و کت و کت شیت و عین و کت و کت
 طول و کت و کت و کت طول و کت و کت و کت
 و کت و کت و کت و کت و کت و کت و کت و کت
 و کت و کت و کت و کت و کت و کت و کت و کت
 و کت و کت و کت و کت و کت و کت و کت و کت
 و کت و کت و کت و کت و کت و کت و کت و کت

طبع و شاه

و کت

فکر ایدوب بورسی شاه نیک نام ملک اصحابین جمع ارتدک تمام
 رجه رازین قفسه سنی سیدک قلعه زار که غصه سنی سیدک
 دانش اربابین خوش و کشف راز تالار سینه در و غده بیزار
 دید برای شهر باره کا بهار هر زاده لوله دل و خنده یار
 تو به دل ایند و فرقه کرد بیکه فکر که هر فرزند یار و در
 ورمیو قدس که در سی رویه غمی و در و رکع صفاسی و لیه
 خود را جلده غیر نیکه و با ذور خاطر طافه بخوره افه سینه و یار
 بود در تدبیر که خافه جبین این ستراسر تفحص ملک اجین
 بوی که بیکر بولار و در خورام کاری بشا چینه زلفه کلاه
 رول شاف و قدس سرو و هفتک کاه رخنه شهید لعلنده چی
 قوه ابروسی هاله این کما این ستر و غن سی هر کونم قاف
 کاه کبی ناز که تن رنگین روه سبال لاله صیاری اسکن اول
 کونکس روه کرسی و فدرال رول لاله قاف سانی عرش و یار
 صن بازاره حیره صبح و تمام بوغز لده بالی اول و صفی تمام

شونم بر بیکر فراد و غلامه بولور و لاله یکف کاه سوزی شیرین و تگر لیه بال
 بکه هند و کوزه جاده و قش یا کریک اوق زلفی غنر غنر سکان تینی بلنه بشال
 و هنر صفا و جاده لیه لاله و دیش در آله ای یوزی کوه صیاری ستر کاه
 ساعد و ساق یوغه لاله باله قدس اوزده و کاه و سکانی قوریشی و لاله

رول بوی کبی هر بر غنی ریف طبع سالی کبی صافی افه فتنه دال
 بور و سفته لاله طاس قیاقویج سبک سحر این بقا و قیاس تنه دال
 کاه کبی خار و ضیالماش افه لایند غنوش و رجن ایماش افه خضال
 رخی باغنی صبا هر دم این غنوش و غنوش کوله بوز ستر سبال لاله لطفیال باله قاف
 جاده سال اوله صفا بدرا کبی ارتدک کوه کوه بوی ستر و کسک تان تال
 ایند با شیمی و من کاه الی و ملک کوریکاه نوزی عیالین و بر قاف جاده
 لیه و اینتر این صحتی عشاق و حوام لیه و بر و کیک باله بیکه ستر و لاله
 بال کاه قیاقاف لینی بال اید کاه نوش ایدر سوزینی جوش کاه لاله

طلبه این شهر که یوزی بولور و صفی کوزی

جوه لاله سالی مقصود و لاله اشکال خاشاک لولور لوله و لاله
 رید کاه مقصود و سلفا کاه بر مشرق و قدس لوله و لاله
 ریتسوه لوله و قدس شریف لاله بوسعات کوبیده اقراره
 وین صحرای بر و کاه همسال اولیه قلم لوله رسیده کهر ز اولیه
 و قاف لاله و خاله قاف اول اول ملک زینت و پند رفته اول اول
 پس یوسر لوده و حاه اولیه ملکیت تفیشنی ایدنه لاله

شاه کرم و بزم ایدوب بر حین ال طغنی و لاله این جام و در
 اب صافی کاه کبی و کوبیدی بلبله و طوطی بشارت کوبیدی

نیمه سوره

بزم ایدوب تخت و بیس حاقاقه بین جام اچوب نقش ایدوبه شکله بین
 دار ایدوبه خاکه بکر بر تا جو کشت قلمش در اوله کنورک
 کاره آرد و عاقلو عان شیر خواب و دور اندی ایدی شیر
 فنی تصویر لایح او سوار ایدوبه کتر رده عقده و کلر نیچر بوله
 صوما ارده در شکار کز نقش این بر نه سحر رولت جهانه قلمش یوما
 یازمه ماه ایدوبه قاش و کوز کتر بهای جهانه مقصود یوز
 ابر کلکی لوصه اوله قطع بار سر نه بر سیاه اوله صحنی و کنار
 حاکم در حلیله ایدوبه کشت طاش بر بازه او جو دی فرغی
 سیر قلمشید و ارماده ایدوبه شهر شهر ایدوبه تورانه ایدوبه
 شاهزادینه سرور و شبیه اوله ماه روجوق خواب کور ایدوبه اوله
 نقش قلمشید بر بیکار رین بر میار و که خوب نیکی احاطه رین
 انارجه ایدوبه تماشا و قشع غم شاه ایدوبه حاطرین و بهیم
 قلم اول ایدوبه غم شتر جام خواب کتر بهای مقصد رمد رمد
 اوله سببه که ندی شاه صید جهانه سی حاکم رهیم و کاهیم
 چون کور و که حاطرین حافی بلوه عرض قلعه خواب تصویرین اوله
 ایدوبه که اوله خواب و عرض جمال کید و تا که حاطرین خانه بلوه
 بلکه اوله ایدوبه یام شاه بول شاه جهانه مقصود رده
 سیر ایدوبه شاه انارجه قلعه ایدوبه به نظر ریدوبه
 بر نگار ستاره بین و یکم رک کور سه مافیه صفت قارطکا

صوفه نظاره صالده هر بر یاکارت ایدوبه بر کار و اوله شاهین پت
 کورده اوله صید کاره او صاف صوبه بونیم و اولش بر اکساک سرب
 بر کتر و یانه نقاشی خانه طافه ویدیه نقشه جلد ران و جاده
 ایدوبه صورت هر که یزه که و لیدر مار و مهرش نقش و رسم لایق
 هر بر به بر صورت جانانه یی یوقه نقش خانه و اراد فغانی
 پنجه صحنی صورت دیوار اولور ایدوبه صورت و ارکه صحنی ار اولور
 ایدوبه کشت نقش که سردار و دور بر کار نیم جان زار و دور
 سوبله صحنی و ارده اوله صورتی جانیه اشفه قلعه طلعتی
 نغمه ناله بونیک آسمان بین صوبله بوسه آسمان بین
 که رقی رینه و مقصود و اشفه جاده و اوله رده
 یوز ایدوبه رادوبه نقاشی بین بر قلب رکنین سیمه و میرا حین
 ویدیه شاه و دور ایدوبه بونیک صورت ار اوله و غنیه ماه و کار
 یانه خاکه چرخه هر کوه صبه حال رقص ناهیک ماه و مهر کوه ایدوبه
 حاطر و که بوسه بونیک ایدوبه زار تن در شاه اسکا جانار شار
 ایدوبه صورت که و لکه جاده کجند خانه تورانه و صحرین نقشه
 چرخه من ایدوبه ماه اوله ریکوه خوبون کتن شاه اوله ریکوه
 صحن اوله این لطف و ملوک کوه کید و که روی قبا ترکانه بولر
 شاه ایدوبه زلفینر چند و صحن صبا و سیدر التی و روی کتن
 قاشنده سر و سر ستر سار طعنه کلر خاله و رلا زار
 طلعتی

که بک تیر و تشن حاج کما
 میثم میام که بک شرابین و
 شیر و لاله و حوق صیده و او
 روله و غنای کبی ررح و لاله
 چونکه فتم اندک سوزین و در کار
 ایلده و عقر و زیرین یانین
 ایلنوه لطف ایلنوب روم قبول
 و صترین خوش ریح و خوار یلین
 با که کند ریح رعایت ایلیم
 یونکم استوار و ملای و مال
 و ار اینم که ضایع و ایلاله
 و ارش که اول شاهی ملک
 حود و امة بلده سلطانکی و زک
 و ید که بک زری و خور و خایند
 به الینه الیه بر استکین قلم
 فام و رضیکه اوس و سایه وار
 اولی و ستریکه و مینه و تله و خوش
 لفرضا
 روله و زوغ و مار تندیسم بر
 قیرغی لعل اشیا و اشک تر

از غنای کافور و در قطره و تبر
 کاه خور و مین بکرم رقوم
 آت میواندر زباننده یاغین
 هم و تم فضیل بر نو خط جواره
 شاه طوبی و بکرم سر سینه
 یاه ایدید و رفیق روله جایگاه
 لایق بود و فک کج ریار و فاش
 خاب کرد و راند و مایلین سر
 یز بقیه نامه و جوینم وزیر
 یز و روله نامه عنورین هو
 مرد و ماهی حکمت ریار قرین
 بیرونی فاعال بیره فایال قاور
 کیم و قیال قاور بر نفود
 شاه و تر و مده سین روله ملین
 جاده و مده ایلر یار بر یونده
 کو هرینن خور و لقا و ایلیم
 بلنه اندک بر نهایی خوش و نام
 و ارش ملک اصفه خیر الحلف
 بلکه و بدتر نفی و حق سود و
 روله و حاقانل روله قاه کیر
 کیم قور و لاله روله روله
 قدر تده و فتم و چو ف زین
 بر برین عالم با یال قیامور
 خوش طوف و ریحی بر عیسی مده
 کیم طلمه و زین روه باغ خوش
 روله و بدتر و قول اکا و زین
 و صترین خیر و لاز و راجع
 اول بکن یکینه قایم مقام
 بول اندک و لایک کور و شرف
 خانه و باینم که مقصود و

اولدولمدم که تاخیر اولیا
 بیزه زحمه سینه تنور اولیا
 ایله که اقبال حایه روش تمام
 خافه بیور باقی کلاه فی السلام
 افراشته نامه جو ستم وزیر
 اورده حاقه که هر دو لیدیز
 عالمک پیغمبره شاد ستره ریت
 عالمک پیغمبره شاد ستره ریت
 خفته سرار در جانود بی
 سون کلاه قالی اید هر شکل
 ایلمن روشن بونکاه ر تمام
 بو لغزوه مکسوه وصفین تمام

تدر اولدوغی چرخ پرواز
 تکه و له ساحه رو جاذبه طور از
 طولانی سر سیمه پیری وار
 کلاه باش اوزن که جانج پرواز
 جالنده کاکه در و در ر صحر
 بقالنده بو کور که له و ر صحر
 طش کافور ایچ پر است و غیر
 صبار قنار و بریک صبر بر
 یو بله تان زینت غنچه سید
 آجلب و در و سنبل باغ سید
 این و از از له نو نکه و اندر
 به غنچه کاینده صاحب بیاندر
 قلندر و شتران مط قور کار
 بهمان حال کلبه و شیدی راه
 بو نه کیم کشف ایدر لایه وار
 نهاده نامه اوپ مستین وار
 بنده حوضه بلقی اشق بو یورده خافه
 بوله رینکته و لاف و قوش بیا
 قوش در بر پنج و ده شناس
 در و بر یوک یوک بلکاه چاش
 سیم زلف جالنده بروه
 رنگه رنگه و بیام ر صده بروه
 جو بهی زر جابه و تاج و مکر
 یام کار هر دو نامور کخدر

اکتبیکه ر شتر فلک و شتر زینتار
 هر بر سه کشتی و بحر و قار
 اکتبیکه زر جو لور ستر و فیکه
 هر سیر لشف صرافه ماه و فیکه
 اکتبیکه آن سیم لبر زینت او یافه
 شایه و ش صایلم از در نی او یافه
 کوشنده کلاه و کیم ایل صاحب
 صفیا لطافه جو فو لولک کتبه
 جلد سن و فقر قلبه کند و یال
 کشتوری تور لاف بر کوف اید و یال
 یاسایب هر یاکه قول و لکساره
 حقدی ر شتقار لور لاف لکاهی
 صدف و زر لاف غنچه و شتر سیم یال
 شهره آتوب کله در سیم یال
 اکتبیکه سر لاف شتر سیم یال
 کیم اکاد در لشف ایل ساهم
 میر و کرمه لای و کاهیدی
 قد سنو که نقش هر و ماهیدی
 زر نظار لولش کر کاهیدی
 دل نیش طاکه روی نه سیم
 جو کیم ایلین و در سم اوله تمام
 ایلین و در سم اوله تمام
 نزل و شتر یطلمه ی بکراه
 طوله لطف و زینت و لشف
 فضل سنده میر و کوه بولده
 بان غنچه او کاه و لولک نیش

ابد و فیه شاه پورافه و استقباله
 اعیانه صین اف مایه جا
 کله بر و ای طوطی و سکر زیاده
 کیم بیایک و هرده و خوش میزبان
 وصف بزمی بیزه شتر سولیکه
 منتظر در شایه تقیال ایلک
 بنم اسیک اوله کاهیل حنقه
 قصه کفیل ایل ایل و ب حنقه
 سوغه و سن زین ایده نظم اوزین
 بیله یازش کیم شله نور لاف زین
 بو و سی عرض اید و ب طایوسینه
 سبیل قالی یوز سور ایل قایوسینه

ایلک روله نامه مابین کنش و خدمت کرده کلاه من ماه و ش
 قاصد و حاقان دعوت ایلدی کنش اوستنم ضیافت ایلدی
 دیده شاکل ناهن اید و بیل خدمتم رکاکینز که بنم قول
 کرم بختیز اوی رولشیدک نام فله بر اوله مملو ایغی انعام
 خدمت من عرت و اقبال ایل کنج و بد و فر و لاله باله
 شاهار خاتونالیند قوشده خوش تا که غم من این اوله ماه و ش
 بنم یوز سوچ غلام و ماه رو بیل اوله خورشید له کنده او
 بنم یوز و ایغی کینز که سرو قد غنچه لب کال فر سمیر لاله خدم
 ماحصله دنیا طلوس کینجیل بنم بیکر قینک جواهر سنجیل
 هر نه لایه لب طنبی تیزر که بیل حقی ملک حیدر که
 قلدر بنم بنم ل غم و راه نیت کم ایلک سیر لاله این ماه
 شهر جینا اید و یار بر جین حرا بیکل ایر و ب حاقان و در میار خبر
 دید فرای ضروری فلاحه روا به ضیافت انجم خدمت و شید را
 و لک شقی اید بر نور روه کوز که اید و مالدون اسرور
 شاه تودر لک ایشده و خیره اوله سعادت بر جین شاکل خیره
 رولدی هر نه و ایلک رولو مقده استقبال اوله ماهی تو
 صن قیامت قویه حلیفه ی جهان حب ایاغ او کینه کلیدی از و جاده
 اید و ریو حاله و تقیلمیل خدمت رول و غنچه توکای بیل
 اور و یوز سور و یانیند خدمت یار یولیند خدمت و تامل

قلده و بیار ل کوه هر تمام روله دیار ی باغ ضیافت و ش تمام
 نسیم و ارشنگه بندک ریوزده صاده و مملو سیره و مملو بندک
 حوه سیرای شاه لایه یار یقین مقده استقبال اید و ب حاقان من
 ایلدی شوله مملو سم و زرنخار باله یادی بر فقر و فاکسار
 حوه و یم شاه اوله جاده بهید با و یرده بشقیق مملو لاله کما
 رینن و ارنم فقری شاه اوله رطلس و دیباید سر جمل لوله
 ایلین رلقه ماهی بر جین کوه هر طبردر جاده و ر جین
 خلق قلده بد کر آه ر تمام عام کند و بزم خاص اید و ب سوچام
 حکم ار با بنی دعوت ایلدی روز شهب بی صیافت ایلدی
 دیده اصطرلابد کر حوه ستره خزان کویس و ب لایه و کوه ستره
 یس کر که کوه کین اصطرلابده جای جوف و بیسز هر بابده
 بولدر بر ساعتی و ضنم خال شکر کور لعه بر کسفر قیل و تامل
 جلد دید یار عالی اس ایل رای و هر ارا کدر هر لایه
 بولدر بر وقت کمالو ارا قاضی و ر فاکه که سعد اکبر اوله
 رتدر حاقان تبین اوله و این حاصل این تا کم عایلی
 سطا نور اختر نام خدمت سعادت اختر بر ل حاقان جین
 بر بر ص قراة اید و ب اوله مقده من افتراقنده قلده
 نینو شاه و امیر اولی افقاب لاله عالم تابنده افاق و نور قلده
 بولدر افاقه که اولی بر بط نواز شام شاهن جو کده قلده بر یاز

یقه بهر بر بختم بر بدری شیر / لبس ارا ارا دلده باهن کوشه کبر
 طالع اولمشده کوشته بر / کم بازار یک بتر و اشتراک
 فتح ایدوب کرده و صفا بولش / جو قمشه شرف اسباب
 شکل شیده ایلین کیلور کوز / مهر و صلیو اولورده یوز نور
 بزم کاهنده طوب عاقه چمن / اولورده اول مهر و یال صولتین
 برج مهره صیدی عیسی قدم / خانه بلقسه یا خود و یردی خیم
 بر برینه نار غرض ایدوب نیاز / قلعه ارباب و قافه کشف و راز
 لکه جاننده قرب خوش و خوش / اندر جاده چشمه سنده باها نوش
 لام الف و ش صا رب اولر اخطا / اولورده و صحت سینه عین صلا
 شاد و جاده و کده سحاب تاب / ساغ و عود اولورده بر لعل و کبر
 اولورده بر م جو بیاض و غنی / خانه اولورده قله ی خرم با نند شو
 قار لب بر برینه شهر و سکر / خور لب نوشین ایلد یار تاسی
 بر قیامه جیقروب سر اکمتن / صحن و ویکیر بری اندر یی رهن
 فرصت و نیایب کم یا پدور / عسرت و وصال حیا و خواب
 قطره نیایه خاقانده عین / حاصل اندر اولورده صدق و سخن
 طوق لاله اولورده طغی بر کار / کج رخنه مهر نورده یوز نور
 زلف شکنین بباله اوکتنه صیم / لعل جاده افروز یی علی کنیم
 رخساره اوزن ایلر را جابین / عدله یوز لکنه چشم نور یی عین
 ایلوب سیمین زخنده غرض چاه / کتر جاده یوسفیوه جسکاه

غنمی کویا اعلی ایدیک / ماه کبی کوه کوه تا بیدر
 ایلش بویوزمه اولورده تلام / یوز غنمکار و خورشید غلام
 صینی چونک شاهن عاشق ایدیک / رنگه اولورده شام و ارباب سوبله
 بولورده بوزلف و لاسایسی / اولورده بکمال ایلد یار لایسی
 کر ایدوب و لایه صدرین طاب / شکر نده قلعه لعلین یزبان
 جان و پرویز و بیکارده صفدی خج / صمدی بفرنده طاط لعل کوه
 کورده و لارنده جویلف کوه / مهر و مهره ایلد یار مهر زینر
 شیر بر و رولت اولورده لپور / نور و یرم کک کک مهر و خاوا
 چونکه سالی اولورده باهاک چهار / ایلد عشرت ایلد یار لیل و زهار
 سرده کوی کبی بکنه ی قاتی / اولورده کمال زهار و هر کاف
 ارمه جوده تدا التی یلینه / اندر ایزورده جابال بیلینه
 اولورده کوزی نوزنده جوده شاه / قابلیه کوه بهر کورده عیاه
 اولورده قلعه بولورده لیک فیلسوف / کج جهاده سرتیه بولمشه و قوف
 کار و لره و فاضل و ورم و ارباب / نکته و لاف و کمال و یلیم و زیب
 نفع علم اندر جو و ارباب باهول / اولورده از مدتن بر صاحب کمال
 و یر ایدیک بر سوال اولورده جوب / هر جوب ایدیک بر فضل الخطاب
 منطقه زار ایدیک اهل کلام / ایلمشه حکمت اربابین غلام
 الی طوتسه خاه و شکنین رقم / اولورده لایق یوز و قلم
 قط خوابه کبی یازده خط تر / و یر ایدیک صفی یی با قوت فر

جو سنگ تعلیم رانی بندگی شهریار / اور ایدوب بولدردی بر جایاں سوار
 تا ویر بهر آرم و از اوله سرو / قتی تیغ و تیغ و تیغ و تیغ کوشتره
 از دلفی رانده از بدین فن / اولدی بر جایاں سوار و صف کش
 کم اب و سینه از نیات شاه / بیلنج چو رخ زور روی اسما
 رسم و رشتا نیل ایدوب زبونه / قهر بان بفرزد ایلمدی خونه
 حاصل لطف و سخا و فضا و هنر / اگر نسبت اولدی کاری قنر
 ایدوب بندل جو درله و بهره کف / او قریده بهره خفته بحر کف
 ویر سه دریا کبی کوهری و صفا / ایتنریده قتل و کلو اضطراب
 شام اولوب ایلار وجودنده آنک / اولدی عالم لطف و جودنده آنک
 مهری طندی حشمت او ازده سی / چو خا ایدوبی سرو و سیر انداز سی
 یایلب از فاقه حسنه خبر / باشکده تقریر قوم و بحر وین
 سیره حقیقه او باه و لغز / ایلالده در روی سوز
 بغلب اولدی شهنشایف و تره / شهر شهر را لور ایدوبی از نهاده
 ای نظار و در زیند استری / مکل بودر اوله جو ایدوبی

خبر

اولدم جو آری سروکیل ساری کمال / طوبی لمن یوت و ذقله هو ال
 طوبی جهاده ضایه کبی ضایه و خور / و از دست انظر طوعا الی عو ال
 جسم قورته قورده مهر و کوزین / مصلحت لکده اولدی ساری کمال
 خونه لیل وین کبی نو و سینه / ای لایق نفوس جهانه یو ایل کمال

تا ایدوب کبی کبی و ش نظر ایا / یار و کماله کوشک روین این بانکه
 کماله شیده و فقر شاه غنیمت / **و این شیده از مقایسه**
 اولدی افسون و تحریر ایدوب / فقط و بوسه تقریر ایدوب
 مدیده حسن و انوع اولدی صبر / ایدوب لعل جهاده ویرده زبانه
 سولیده لبرانو تورا ایلار / چین و ما چین و فرخنده ایلار
 واریده غنیمت بر شاه کوزین / عده و عو راننده یوزین
 کوه کبی رای جهاده ایدوب / هر کس با بن و بهمت ایدوب
 طوبی صیت عدلده جهاده / کوهری و جویدیل بحر و کاف
 صحرای کار و خیر ایتنری عطا / بنده و خیر اختری مهر و وفا
 کوزله ره و صبح استکین کند / طلقی کمال قاتی سرو بلند
 روی و دست قرع سینه و صوفی / الی طلقی و صوفی و صوفی
 قاشقه کورس ایلار و خیال / کوه بوزنده و صوفی ایلار
 مشته و ندرت ایلار سکار / در و لعلی ایدوبی بر لیر
 بنده و رخساره حب ایلار / ایتنری و صوفی و ایلار
 لیک اولدی سر صیده و کاد یوق / کف و کوی عقدا این راه یوق
 نقشه و صمیمه با هم و حال / باض و استقبال اولدی این حال
 غنیمت کو یا کماله یایدی / یار فقط و نصیظ ظاهر ایدوب
 ضاده صراجه ایدوبی بونوزده / یا سونو حسن ایدوبی بلورده
 میر ایدوبی سیر ایدوبی اولدی / بودر ایدوبی اسکندر

اکبتایه ای که با منی و تر آب شیرینده مقولش طبعه
 صغیر و آب روزه من ای که میا یوح فطامیم که بوی ناب
 ای که مستنم می خورده و یغ بکالین هر بری میانی سیم
 مشت و جاده بیکی پایید ایکی اوله سببه جاضه ل شیدایه
 قلب بو صند طاووسی و لم نخل ایادی حلی سرودی غلام
 قاتن کم کور و دردی الصافه سیم ایادی نوزاد و کانیات
 آفتاب من و هر آر آید کل غدا آر آید آید غدا ایکی
 خلق بوشوی آید و در و فایه صوبه از بر ل و ترک می روانه

غزله جاهر عارف

لب بیدر غنچه و تر یوسف ابرار دشتی بویان کوه یوسف و تر شیار
 ریح بوی کالی بر که رغبه و شمع و نور صابجی و بوغری سار و ایستار
 حاله بیدر ماهی و رایش غدا و طلق یخی صند کلین دور ایله جویبار
 لشیاه لیتش هما بیدر زکند لک کلین یخی طاووس خضه بیدر بوزغی بشار
 اوله ای که رگش بجه جافوی و در لکنه در
 برسی است و خور بوسیرک عین و غمار

مثنوی

باه و روزه ای که بر کوه افغان بنم نصر ایکن اوله صند کل
 و ارتقا من و جاده یار و نور لطف و رصانوکما یار و نور
 دور و دور و بوی من لچر و فر کاه لطف و بحر جود شیر و فر

هنر یوسف جو ما خاتم اوشاه بنم سرور و رسته اوشاه
 دور آید لده باه و هر و سپهر کور و کور که باز رغبه جهان
 صغیر و جهم و راوله شاهی کونین نور شمع و یغ و خاقانه چین
 حیره بو غنچه و حافی غدا کوشاید قانلیب قانده جاده حوشاید
 حکم دور لکن کم یغ و لیتش عشق اوله بابی سحر ایلیش
 اوله غدا راجه و اسیر قیشتا لیتش و صبا و ایکن و فیشتا
 عشق و زبون جانیده کار ایلیش فاختانده و یغ و یغ و ایلیش
 بیدر کلین اوله با منی هر آینه صالک قلمغ شمع و کن روینر خیال
 بکلیه کوه کونده ضرر و زکره صوبه قانده شمس و یغ و کوه
 آینه اوله کلین هر شمس و یغ ناله لوبلیک کبکی خور و غور
 با شلیب کل کبکی قلمدی جاده چاک صوبه بوی و سبب کلین کلین
 ایضی عشق و روزه کینسی صوبه طاهر لده کبکی کلین
 بقده بوفه و در و صورت لاله وار اوله یلیک کبکی اوله کلار روزار
 نای و بکش کبکی و لده کلیدی بقده بوفه هر کلار لهنه کلیدی
 بر نور قلمد قی حبه و عومیشی بو غزله ساکن قلمور و یار و عیشی

عمر

بکلیه باغ و کلین سنوکه ای کلین زیبا قور و بر که صوبه حور کلین شاد و لوبا
 قلب و لاله و شزاره و کرم نوله کونین کوه کلین کلین قلمدی صبا کلین زیبا
 و بر لاله و لاله کلین کلین کلین انقش لاله و لاله کلین کلین

در مدح بلند که در این میان
 کمال آمدنم حاکم یا سن می آید
 نافه و شش بر پوست قلع اختیار
 عزم بین آید و بستم ترک دیار
 هست و آید به هزاره اول به کما
 کید به اول قبله و جانده کما
 یا کید کف اولم بویولده حاکم
 یا ایدم جانم رفته تا بنا ک
 و آید خود اوله سوز آید نوش
 و شفق سینه و جوش آید
 بله بکیم نه یال اولم چاره ساز
 مدید که کار رقص و سر و ساز
 بر نفس بلبله و لاله اولم گوش
 آید سینه فی کله کبیر گوش
 تارز لکله بر افشود آیدم
 آید سن لبه به کف آیدم
 لغاه شربینه و منده باد آیدم
 صرو پیکر اوله شل فریال آیدم
 و من آید رسم خود با بله فن
 زهر و و شش تا کرد آیدم بار و بار
 چونک بن رشم و ستاره قلم
 قله و زار آید و دوم حیرانه قلم
 آید لب منکله صورت باز لقا
 سا که عشق کبیر آیدم و ساز لقا
 بزورب نقاش منکله ستاره
 آیدم بین تیار بنی جاده نقاش
 یایب از مدتن آید آیدم که
 آیدم از مدتن آید آیدم که
 و لرم آیدم بود لایب و لایق
 سن برین جانده آیدم غاشی
 بر که کوه سا که حیرانم کر که
 نوله و منده حیرانم کر که
 غوغ حیریل و لور حلوای تر
 حیرانم غوغه بیتی شیرین تر
 حیرتال که حیرتال بار و بار
 مردم رهبال حیرتال فرست بار و بار
 وقع و لور بیانش بر بر آید
 حاصل اولم چاره ساز
 حاکم اولم چاره ساز

کار استیلا شطاب و لور
 حیرتال که حیرتال بار و بار
 لور و لور لور لور لور
 حیرتال که حیرتال بار و بار
 قدر بولم کله در غوغه کبیر
 حیرتال که حیرتال بار و بار
 آیدم غوغه قدر سنگین بوزوب
 حیرتال که حیرتال بار و بار
 آیدم بوسوز رقص آیدم
 حیرتال که حیرتال بار و بار
 به سر و پایم بوجا نو تن سنگ
 حیرتال که حیرتال بار و بار
 کله آیدم بوجا نو تن سنگ
 حیرتال که حیرتال بار و بار
 آیدم بوجا نو تن سنگ
 حیرتال که حیرتال بار و بار
 ط ابر و خا و سنده قطره
 حیرتال که حیرتال بار و بار
 یز و دیوار و زره بر سر و زره
 حیرتال که حیرتال بار و بار
 کوه کبیر رسم آیدم بر تاسم شمع
 حیرتال که حیرتال بار و بار
 و عتر آیدم و ویر و ویر و ویر
 حیرتال که حیرتال بار و بار
 ویدم که آیدم و ویر و ویر و ویر
 حیرتال که حیرتال بار و بار
 آیدم بوجا نو تن سنگ
 حیرتال که حیرتال بار و بار
 نقش منکله آیدم و ویر و ویر و ویر
 حیرتال که حیرتال بار و بار
 بر که کوه سا که حیرانم کر که
 حیرتال که حیرتال بار و بار
 یایب اوله نقش به حیرتال
 حیرتال که حیرتال بار و بار
 کله کبیر کبیر آیدم قبله کاه
 حیرتال که حیرتال بار و بار
 اسکر اولم بوجا نو تن سنگ
 حیرتال که حیرتال بار و بار

قلده بر خوش صید کاهی اختیار / که بر آید جان و دانه هر کنار
 نوسنی و کبکی او نیاید و بکنند / شیر زربونینه صلدی بکنند
 کور کو ره تو به قید آید و که / بکاک نه تو قلده صید آید و که
 اسبوار این بر له خوش صید آید / ساحل دریای اندک کید و که
 کورده بر قوم او ترو ب عشرت قور / بکنج این به اولوب عشرت قور
 کده ات با نشان کورب شاه انار / میده کار و بو عشرت کانار
 بر که کار 2 قولا و که بورتی / شید کم قلده شک شاهنی بات
 میده کار سز کور قوم سیر / بون نیار سز خایر قوم سیر
 میده رلفیل خا ترو ز تو / قنر و شایر همکار ز تو تو
 جد فرقلین نیت سیر / شید قصه و عزت کسیر
 اورده شهر فتن ر عزت / بون همکار سز عزت
 الله یوه شهر را انارده پیام / ترک صید آید و دونه اولی
 صحبتی تار و شمشیر کو کالنه / بر شنی احوال دشتی کو کالنه
 ویدم بوزار که چقد چنر / در نو و نو کفخ کوی بکوب
 اسدی سیم المیو انعام عام / این طری رول و قور احسان تمام
 تاک کور کور آید و دانه / صید کرم و لنی پایش با د
 تاقیانه استر سیر یاه و کور / اولده خیر بد آله راه و کور
 او آید و ب قور و بر جام کور / اگر کار کور رشت سیر
 بنه جام خور که کوه حبیب / خیمه خور رشت و ش زرتی

طبد سی باهند که او تار و کور / باله اجوب لو و جانده ایار و کور
 وصف آید و اسم و سمان انار / کور بخوریش و سمان انار

تعا = جاو

رول ندر کج استیغ عنصر کبی / جاو و 9 ذ قنر استیغ شمار
 رول چهار که کور کور سیر / یش سیرن قور لوز که چهار
 لیسکه و رونه استیغ ایار / هیفا و رول و زین لوز و رور
 بو کز رول جار که اوین و 9 ایار / جاو و کور سیرن باید لوز
 بو عید کج کور سیر چارینی / چار او و ر با 9 عید ایار
 صد شش بن رول جاو کبی / لایق بولاسی که فتح ات وار

جاو و لپی اور و برکت زر / کده او تورو و شمشیر
 صف طبع تو لار بصدی بارگاه / دعوت اولدی و لوز چار لوز
 هر بری عرض ایلیوب یو که یو کال / رور و یار شاه لیفه و لوز
 اور او لبر او توره اوله قوم / نر و نقر کج کبی با صفر
 هر برینه ویردی و این بیت / لغاز و کور سیر و زرافه کبی
 جوره لب لوز و لوز و لوز / قور لبر و لوز و لوز و لوز
 نیدی ای کجده خبر روضه / فتح رولوب صحبت اولده و کور
 شاد و لوز کفزار کور و لوز / ساه و و سیر و کور و لوز
 کجده و لوز کجده و لوز / ویر و یار و لوز و لوز

خاقانه چمن وزند و لندیر و انوار عقیق و قنار اولد
 یلغ و قصه عالم بیایغ اندون یلغ طویغ یغور و نند و توفیق

عشق و شکر انار و لمر صوفه نهاده	اند رما قان بوما بیایه بیایه
وید یل شکران کشتین	عشق و جند قصه غریب نیتین
صورت و جان عقیق اولد و عین	دشت امانه عشق اولد و غیر
کماره و سوار اولد و غیر عرض تدر	روز بتر زار اولد و غیر غرض تدر
بئر افر طور و ایلر آه و آه	جان کرا و کرا خاه اولد و آه
ایش و ب خاقانه و ر و نه طولد اولد	دو ی ایل ایله یو ی کوم
او غلن بانی و عقیق ایله یی	اکا هر یوزده نفی ایله یی
وید ی ایل کولم جو ر غی نور عین	عشر مع فقره کشتن زین و زین
کوه یوز کاک نور و روح بو عالمی	باک عالم کمر و صلا و کمر
روضة و عروم نهالیدر قد و ک	سرح و غنا و عالیله قد و ک
اشعلین و عین ارقبالا	کلن سن عرض اعلال
خار غده غنجه و ش و ل بلبل	قانه یونده تابو لینی سن کللی
و و کده نیسایه بیایه چشم شکر	تا که حاصل ایلم سن کوه یی
خمر بیکس جان لور و انار عاز	این رویم قلم لطف ایله کالار
تا جو و و لسته سر و کده یی ایل	کل و کمر ز کمر ایله
کرم و عرومه کل و کله لور کوه	نند و کسن غنجه و عین بلمر کله
نار غنجه سین لریایه ایل	و و کتره عین لریایه ایل

غنجه لریایه جانده خور و لیلیه	غریب لریایه جانده لیلیه
اچ کوز کده فایک نرکس کبی	یو جان کله او و خار و صغری
سر و کبی سن بهور لری قوشم سر	لا لکبی لری کاله خور و جکر
غزیکل کشتین لور و مار لریایه	لو لیا سن مکان تا کمر و سر خایه
بر زیا ندر فکر تا کوشن اولد	رقی ل تر صو که شیان و سفا
نقش صورت و یوب لریایه کبی	ایله لجه ک صفایه کبی
سایه و صحن سما مانیه کسن	باز قد سیار له قله یونده کسن
اولد بر غ خانه ک و ر فایکبی	هنگامه قان ایلکاه غنجه کبی
صورت جاندر نقش و نگار	اکله غنجه ک کلن لریایه کبی
شیوه نقاش و سر تا سر اولد	بر نظر فکر لریایه کبی
اولد نوب اولد حیل و یارنگ کسن	اولد مفتوحه صورت بر زنگ کسن
نوله قلم کسن کسن غنجه کسن	عین غنجه کسن لور و خیرنگ کسن
یانده شهورت لور و نه ققوش لری	نقش لریایه لور و نه ققوش لری
کرم لک لریایه سبیل ناز نین	با و و به لریایه ر لریایه کسن
تنق سر و لریایه کسن کسن	لریایه لریایه کسن کسن
صانده لور و صورت نگار کسن	خلق بر لفسوه صوفه افسانه
نوله کورده کورده جان و نهاله	شیر نرسن صوم صوم صوم
اولد اولد زلف و ریح نقشه	نوب و انسن کوی یو کاه اویندور
سنگ قلم لریایه کسن کسن	غنجه کسن کوی یو کاه اویندور

دشمنان لعلنه یورده خوه اتیوه
 اوله میدم زبونه قیام کن
 بکاه لته که کز سن کار
 اتم قدر که چو فن خاکید بستر
 هوم وکیل کورده از لارم روا
 بولمده و از کلر سکا اگر
 بتقفا عافیت در استونید

مفر من این صوره نوش قاش
 بن صما جانگی از لارم لیکن
 دور لولب بو نظام افه زور
 اوله ماه صنی ایلک صورت بر من
 غیر قلز ناله و زلارم سکا
 بن المده لولورم خونین چاکر
 شدم لیش لولمونه تدیر بند

جواب و احو

موتک و آرم نه شایه قلده کوش
 دین مده مر یا زاید و بشتی
 دینه شایه بنم و شرمیم
 یایو که باش اندر رو فوین
 خاک تکه هر بر صحت کج بانی لولور
 عین عرفانه بیایه هر زاده
 لول شایه شایه کیم لاهین
 شاه و ریاده در بوینم کرم
 قدر عاقانده بوکن کرم و ده جاده
 هر نه کلوی جو غنیه جو مع بنم
 سینه دریا لولور کجی غبار

بحر کوه رلی طبع اندی چوش
 شاه لولکن یایه قوی بشتی
 روم به صده لول سر افکنده ویم
 رآیه در بار را که یوز بکاه ازم
 عقاب لول طایو که ثانی لولور
 رف حکمت کاه کاه هر زاده
 بنم پنجانده کاه لاله دینر
 هیچ رفه کرم و ریایه ویم
 فته مده لول لولر لولر سنجی افکند
 حاکم راه شاه و در جانم تنم
 هر نه کلور لولر بار لاله سجاد

طایو که کن کبیر و دشمن بومال
 بن که بود کیمده کتر جاکرم
 بیلورم کار جنونده هیچ ایش
 جانغ اوله صورتی یعنی اکله
 بر نفس جونک نظر صدم کما
 سینه یوز یاره لعه یعنی غم
 زهر غدر قلده و غ هر دین نوش
 صبر و حاکم اتم لول صورتی غم
 جانغ کرم لول صله روز کار
 طایق طایو لولدی جانغ دجاله
 حقه یایه کیم ششمیم جهاده
 کت و تاج و عیش و نوش و لولر
 بیل ویرم عقاب نه لولر لولر
 حقه سوه لولر بخاری بکشد
 خوه مده لولر و شب نوش اتم
 خانه کتاه ایلیم لولر بنی
 شویله معلوم اولسوه شاد جهاده
 با که کرد و رنده دستور سفر
 لولر یایه یونی تیفیل حاکم

قدر قابلی قلور فاعال غمال
 دمه و دمه عقاب و دیا و سیم
 اختیار مده کله جنبیم
 خوه مده لولر و رنده جانغ
 عین یعنی لولدی اوله صورتی
 جانغ لولر سکی و ربولر
 فاده کولک کج یعنی این نوش
 سینی حاکم اتم لول صورتی غم
 عقلم سولر و یوزی زلف یا
 بو غنیل با که در کله در حال
 بریده کج این جسم ترکه جاده
 لولدی یایه قوی با طایف خاله
 بنه و زنده سوه و لولر لولر
 زهر رفته یی بود و لاله اشم
 لولر سینه و روم چوش اتم
 قهر ایدوب نه اید کله الذکر
 کج لولر بنم فاده لولر و جاده
 کاسین لولر صومده جانده لولر
 یایه لولر نوش ایدرم زهر صاه که

بیدار بود حاکم شدی اعلی
 از غله ز آری قلب با نچه خاف
خافه جان و اموال کلین نهادی با جارت تجارت او نه کنده
 استر سیکل کجته لوح ای قام اگر
 ایل و ده کوفه هر و بهای این سو
 نار غریبه جوهر ایل و ده
 صر و رب خالعی ز ایل و ده
 چونکه در یاده و کله و شمسار
 کن جاده او نور فخر که ایل و ده
 کار بر عبرت و در حای سو
 طوت عاقلیست بوکاره فقر
 قطعه و نار سقوه کرم اول
 نفس تنه حاکم ایدوب ایل و ده
 کعبه و مقصود استر سیکل طفر
 طوت استقح را بهی ایدوب سو
 او غلبه خافه جو مالز اکلده
 نو لیسر کار که مالز اکلده
 اگر بلده بند و بند ایل و ده
 خلقت یا مبر و او نور یا قوم سو
 جانه بو قدر چونکه تقدیر و کدیش
 او بج لول و لول و بوز بیکریش
 قایر و بده حد غریبه زاده می
 این خاک بیکر تجارت او فی
 یا بونین مقصود فی و ایل و ده
 یا سفر جانوم کن زلم ایل و ده
 پس دورنده قلده لیسر و بیکر
 روز میداده هر بری بر شروز
 هر تو بشی غرق ایدوب یکم وزن
 قوشه بولاش ایل و ده سر و ده
 استمال و ویر و بخلقتی
 جان و باش او نیا که دیو ایل و ده
 او بهی قوشه و ایل و ده غوغه اکلده
 فرتن فکر اندی بویه طفلی
 ویرده بد صد سم و زر لاله و کال
 جین و بیبا غرایب کفله

صلیوب لنده کفا و آوی نظر
 مین و ده طور و صوره و لعل و تر
 عشق سلطان بندر سم و زر
 شیر لقصه نیار شیا هو لسا که
 جاده بندر سم و زر اکسری عشق
 دل غلو غیش قوز تنوری عشق
 صلیوب جندر لوز و اطوار عشق
 لسا که نیار بندر سم و زر عشق
 جاده و ایل و ده عشق صلیوب یاریده
 بنو لسا که و ده بندر ایدوب
 کوز لیب لایه رتوت حق اول
 حاطره حاقانچه قلده قبول
 سیر و وید جافه او کن بنم دار
 جانوم لده قلده بد خد اعتبار
 بقدر جوینم رکابی غنایار
 میده جین قوشه غده لاه و ایل
 شول قدر لوله سر سترغ رواه
 لیر شب و ریای بوی لوله خافه
 او قدر کرم و نه مقده و ده
 جو حذر لوله لایین سقی شیا
 هر دم لوله باهاک لور و ده
 کتله بر بنی منزل کونم رو
 او لیسر و ده و ده لول و ده
 و ده بو نای شهره و ده لول و ده
 لایب و ایل و ده جانه و ده
 مین و ده و ده و ده و ده
 بفرز او و لایب مهری بندر
 قلده و ده و ده لایب کرم و ده
 او غلیوب بوز و سر تو بیکر و ده
 کتله جاده کرم و ده و ده
 اکل کوفه بریمه لول و ده
 حاطره پرور و ده و ده و ده
 ساها و ریای جینه طندی رو
 بود برو و ده و ده و ده و ده
 یکم کونند و ده و ده و ده و ده
 لول و ده و ده و ده و ده و ده

صفحه

بهر فلک با کماله یارب جوز
 کایدم بویولع به قهنا سزل
 اولده بونا لشی زاری تمام
 باقون اولده قوم زار و مستهام
 کور و زنا که لیر قده برده رخت
 حاتم و عای نهها و دینا دخت
 حاکمه جلکش فلک او جینه سر
 سد و ار لشی ملک ملکین بر
 شاصارین لاشا لیتی طبور
 بر لیاغ او کتنم غنقاوش و یور
 قلدر لای کور بجانده شتاب
 میدر و لور و بونامه بینم
 ایدر و لای لنگ لکابر لاشام
 جوش ایدوب و ریالین اولمش کده
 فیضی قلی اولده مرضی کا واره
 مسکه بو شله یه اولده شافی نیت
 یاخوم اولده صریح بواجیت
 نیکار ایدوب طیراغ یوزر شور
 لکوب اولده صومده صفار شور
 اولده رختاک شایسنم اندک
 صوکلارین اولده شایر سیاه
 ایکه صف لوم اولوب اولده جویار
 خوش و رختسان ایدر هر یکار
 فارغ و از لای بریر قوند که
 صوب کیر و ب اویند یار یوند که
 و لایق خود مد و قدی یار
 جاننی قلمشیدی زار و بیقرار
 ریبوب چشمه اولده اب و خیر
 صبر که کبی صلیبی صوب خیر
 صحنی یور و کب چشمه از
 ولده اولده لیل و نه ایلر تان
 اولده رخت و لای قلدر نظر
 و غ و یکش کبی ایدوب نوصار
 تان لای سینی نو که دروینی
 جوی ایدر و چشمه غ بر و زنجی

مصاحب و ایوب با عطفه الیز لایق

اولده سوز سر چشمه سنده ایدر
 قصه شامین بویله قلدر سر لایق
 وین اولده و رخت خوش و ام
 بر بری شامین اولمشه یی مقام
 شایسنم اولده و رخت سر و نه
 لایقه حاصله قلور و یقط جاده
 چو ناک و لایق اولده جانی غور
 اولده بری شامین کلدر قلدر نظر
 کور و لوش اولده مقام ایلر
 طعلیوب ویدی کبار بونده
 بعضی بونم هرگز و عشق و یایی
 قانع قلدر لایم یخو اولده جاک
 لایق و لور و ی کور و ی جوا
 ماه بکر لیکه غده نا توره
 مسند لیتی اولده مرضی شاه دار
 دین اولمش در و غده نا توره
 لوتور یوزم بوالده فلک
 طلعتی هرینه خیر لایق فلک
 و بیدم زاری قلوب اشعار و قور
 در و غ و بینم و دین بکر ارا قور
 نالاسنده جوش و عشق غلفار
 کاک کبی کوش اولده یس اوله لیل
 کور و لای لای جاکمه ماکرم
 در و لایق و قور بوشوی نرم نرم

عمر

لایق که در و در و نوسوز جاده کایر
 لایق غم فارغ یور کن بر و لایق
 سینه بر غم وین بر و م کتدی و لایق
 یکده ایدم بلرم بن بی سرو شاه کال
 ویر فر اولده جان و یها مانک چشمه نه
 بو طلبه سو یلکوز حاصله بن جاده
 روز شب سر کشم بر با منی لایق
 بو طلبه جاننی سقار بود و لایق
 لایق اولده غمی لایق بو لایق
 و ام اگر ایز و لایق و لایق
 م و لایق و لایق و لایق
 بیلین یای لایق و لایق
 جانم بر قلم

ناله و بلی کسرم انده تعلق هستی

مرا بنی زلفیه شاید قلبی وزناغ ایام

جود بوشهری اوله بری کوشن ایلدی	جانوف لده جفلیوب خوش ایلدی
بلدیلم اوله نفی وزاری وله	جود عشق انا ریدر بر لستناه
اتشده انده راف عشق ریسر	لور شیدی کشفه لکام فی سیر
وزم شیدی ایهال ورو لصفه باور	برنم ساقه رزم ورو لصفه باور
جاده نمکش شامهده ورو له	رشیوه ورو له لور غازی بالی
زنج جانده ورو له جوارغ عشق	تان ورو له لاله ای عشق
مور ورو له صورتی افرمه ورو	نار عشق صور ورو له از صوفه
اوله بیور بور لهن کیم قلدی سلوک	فهم ایدر می قارنم و غایه خوک
اوله بری جانن جوده واید عشق	اکروده کوه یار و غنچار عشق
و کلیموب خوش ورامقا افغانی	یا قدی ورو له و سوز و لهن جانن
بی اکل اوله ورو له و بیواصانه یوله	کرمی اوله ورو له صورتی لسان اوله
کلده لور ورو له ورامقا اوکنه کر	صمدی ال اصبی ایاغنه کر کر
لیلیجه ولده کجیات ورو له	ویدک خوش کلده که ای حاضر وجود
مقدیمده بنری شریف ایلده	حاکم اکل تقویف ایلده وکر
یاند قارمکه ده نالاش کاند سن	سن بلک روپی لرم جانن سن
بور وکر سالاری یوزیز بنن بالی	طایو کیمده نعلده و حد سن بلک
لطف ایدر و ب شریف قالی کاشانه ورو	وار ورو له بویجه مهاد خاند ورو

3

دراهنی لایکن غم ورو له یاده

لیوکه اوده ورو له نیسیر طالعقی

سور ریه جانن حلق بر صفا	کافه و لطف و ملاحی هر و وفا
بس برنده قلقوب اگر ام ایلم	نالده بر لطف ارام ایلدی
ویدیک برتا بوز فرمده سنوک	کشفه و غریبن یوز مهاد سنوک
چونک و اجیدر اجاب و عوته	طور شرموز ورو له جانوف لده خدانه
قولده شاکهال یو حال کور ورو	برنده هب بوز کن طور ورو
بهار ایدر و بکلده رشت قاتنه	بجو اولوب لکیم صفت به قاتنه
شامه و خشین مکده اوله کور	صنک بنده شین مهره باجیدر
لشوبن بر اکینه باموش	ایده لبر صخر صفت شایه خوش
و فخر اورده بیه بر سولای	مهره زرین خشتی اورش زوایا
کلده بر کوهی قلات الی ورو	عوشه زشده قاور بر تو ورو
شمه سنده جلوه ایلده بهر نور	نظرینده خیرم اولور چشم خور
کوریکان شاه اوله سولایک زینن	بیز و بانای بلدی قد و قیامین
بیر فشتن سیمده بیس سکر	وضع اولنن انیم انواع کر
به اشارت لعلی قابو بهما	مقدیمده انده اوله قدر ضناه
الانن جلده نمر زکامه کر	ایچله بر لعل ویا قوت وکر
مقدم بهمانه قلدر نثار	قوم کیم اولده جواهر مالکسار
چکدر اوله و سلو خونی نفی	انن و جاده طویر و فی قلسه قستی

دلده ساقباله زرین ایاغ نوش لولوب بیل قوشده باله ایاغ
 عاکله ز قینه مال سورده یار باصا لور و راندی غار سورده یار
 لولده بیلر یار نوله نفع ساز یکی فیکه و یکی بر بیلور ساز
 لولده لولده کلوصضا و قوش نون عالم طندی موی جوش و فوش
 لکه مکه کم شهر یاره بکله روز ای یار یکن قلبی عالم روز
 مسه لولوب لوله قوش جان بکله غم طعنه اندک کم عطفه و بکله
 لولده بولور موی بر لطف خوار لیس لولده نایه مکلندی ربان

صفه شصت

بیند جونکم مجلس انده شاه شام شوق مهره جو خله بر قلده جام
 لولده زرین شمعیل مکنی فکر لولده زینتر سر تر بکله و بکله
 ز بهر جفا لوله لوله ربان قوش کرمی ماه رور و جاب
 خوابده سر قلده و ربان لکه ایاغ لولده جوب جوب بر کزده نگاه
 و بر مده ز کبیر لاله خوار طو تدر بانشده کز و جام و شران
 تان لوله روی مجلس کز کبیر نفع قلده خوبه بلب کبیر
 بیز بانی خاطر ایدوب نگاه قلده و لایه بزم شتاب نگاه
 نکر یار لولده و ب جانده زور قویده موده تلخ بی بر لور
 طو تمایوب کله و زنی قلده فقا دین سنده لیلده کفا فقی روه
 قاینامه قاذ جک و ده کبیر لکله یانب و رنده کبیر
 جکده کله کبیر یهاسن ایدیه جاکه قلده بلبان و لایه و رماناکه

ناله سنده مکنه بزم لایه اوه یاند لوله لوله یار نایه مکنه اوه
 لوله بره شاه کور بومالیتی تالما یوب جانغ صبر و طاقتی
 لوله فی ایه ایلوب مکنه یوقه کله عقلی یاد قلده کله و نه
 بریکه شاهک بکله خولساکری بریکه ماهه لوله بری و لایه
 لولده یار لولده لوله عاشقانه مهر لیسری صبر و شادمانه
 بهر برینه لوله و دره لوله یوم لولوبین رخن باورده لوله
 برن لوله هوش کله یارینه جانوده لوله هوش کله یارینه
 لوله بره شاه میده ایه شهر یار جانغ یوقه و لایه بر شهر یار
 باک لطف لایت صوبه و جانغ لولده حاکم قلم و مانگ
 نچی بر فیکه اختر بین قایبیه قنقره و جاسور بین ایه بیه
 شید بکله سنه کز و تدر هماغه جانغ یوقه کله ایدیه هر نه
 باه لولده لوله و لولده لولده سوز شایسته و جوم و لولده
 میده وایه ایه جوازده میترم بنیو لطف و شاکا کز کرم
 لولده سن لولده لولده بیه نچی جانغ سیکل لولده بیه
 سن و فلفله عالمی ایلر فیه طینت لولده لولده لولده
 نوزده ندر ساک ترکیب و سرش سن بکله سن بوسه ایاغ و کاشش
 کچ بو ترکیب بوقه و بارگاه صنع لولده لولده لولده
 میده شاه جان بر یار خایم عشق اسره بزم فیه کاشیم
 بیر و البرز اوم لایه بیه نچی یوز بیکه لوله و بوقه و جیه

کجی بود کجی بر لایچن دور کجی روم دهند و سهند و چند
 بر سینه مستقر سلطان دار هر دیار که باشد باشد فایزوار
 کوه لایز که قوجنیک هر یکم اوله یغوار و دیو و دژ
 باکتا بعد توکان خا جم شد عشق و در و دنگ کرانج
 سکرم اوله شمار لی شهر یار یکیز یوزیکده ارتقا و قرار
 کوهی قافا و ارید بر سر دژ فز که گریوزیکده ارتقا
 بن فایندر انوک خا کر سیر و کوه متر را ورنی نفی
 صا رکا ویر استر بر و فترک منشا جی لندر و یوری
 بر ملک کوه که لیش پیر اوله وصف ایدوب قباله مکمل تصویر اوله
 مهر باق لایر بی لیکال قرقر اوله قمر صا که لوبد زور
 دولیل اوله بکار اوله قمر کانه لایند سن ملک قور و دژ
 ایل لیدوب یو اب اوله سردوم انص جانده اید منشا مقام
 انج یار لایا نا کور نیم کونار عشرت و دهار قیور
 ارتوب اوله صوصفا کوه انج یونب عرض ایدر سیم زره
 سیر ایدر کن بر کوه ای شاه اوله صولح کورم نا کاه
 ینده جانم اوله صوا و الدی یوز عالم تاب و د اولی کجا
 لانه صند اتم اوله جان طبر حاصم اوله قور و د و قیر
 اوله مکان مستن بیش اختیار اتمه هم اکافرم کار
 لانه و نال حاطره ر لم اتمدی و لانه اسکم لیرم اتمدی

لایه قلده بولده و زار یار علف کوش و یار اسکندر یار
 بوی کر سکر جکوب جکر ایلیم حید و لافوه لایندر ایلیم
 اوله بده سکرم صا صا که عا جود و بسته قلده و دژ و ک
 ین شی یلیع قافا (نعلدوم) صرت لومنده و دویع طلم
 اکرم زوم شدی فکر و کار و صو صیر لایق اوله ارتقا
 خوش یو صو صیر ایلیم ده کوف نفو بمصوم لایند سی اوله یو یو
 لند هر یار اوله قمر فو یونجی ایلیم و د لاند سیر و یاز و فتر
 بن آه اوله صوی اشد کج نظر صرت اوله یار جانو جکر
 راضی اوله یار و کوفه فلی قافا اوله یار و کوفه فلی
 سلطنت لایند فو ندیم کور و ر قنق جاد به بند کور و ر
 طابک همدم فهم اتم بکا لوش میدم لایق لای طابک
 ین قلم دایم و د و د یار ین قلم دایم و د و د یار
 ین فی حاکاه جین قزندی عا کاه بر زار و لنت بندیم
 عاشق بر باد تا بید لای ین صلیقم جانم عیر سو لای ین
 دایم نام و شافن بلزم حبیبی لای ین کجانی بلزم
 قنقه لانا حل ایدر بو شکم طالب مهر یار مطلق و د و د
 ساک بمصوم لای و صو صی طلقیه قوشو جانم و کوش
 ین نهاده یو و د کور و د ین یوز سیر ایدر لای ین فتر
 ین عیر و د ک لای و د لای ین بر نشا نمر لبر و ک غور لای ین

بر و بر او ستم کورم رستمی / بزم هرگز یار و رستمی
 قلیب اول نقشه زار اول بزم / جقه که چشم سراسر بزمی
 الله جانده صبر و ارادتمو / شمشیر سحر و ارم و سوسو
 نار سوزان ایلدی اولدم بنی / بام پویا ایلدی اولدم بنی
 اوشن اول جاده افتی دیدنمان / صوند قونینه مقوه شاهین
 لایحه جوینغ نظر صلی کمار / سیر ایدوب اول صورتی قلده
 حیرتده وید که باهند البشر / بوملک نمایند و ارب سکر
 کند و رمنی فراوش ایلدی / و اینجوه قلدی زاری رازی غلده
 لورده انکی درده لورده لورده / پوشیده افاقه قلده و و
 هیه و اوج میدی که بختار / بر کید لده بونق کله یلی کفار
 قلده اول چشم سار او ستم بزم / سن جای سیرت قلده کی غم
 لایحه میدی که ای و و تلو پناه / سیر که وون اکلیمه کلش او پناه
 بوه امم لوب اولش بر شرار / باه باشند اتش هرگز فرار
 شید فرم اتش او باهمی رفسوه / بن کترم سیری قصه اید و بکوه
 یلید و صلی باقه لایحه ایلیم / سیر طهریم اوله سز صبر ایلیم
 بزم را و ز که سودا این فی / انم و اروب قننه پید این فی
 بویل دیوب بزم شب کیر ایتیل / ده و فریاد و ل سیر ایتیل
مصر علفاه قان فری با و غنیه / **ده او با لایحه و اوج کاه**
 نافه جوه شاه شرق اندی کاه / و و ده که ی صبح بخانی نور

طوته میدانه جلدی تیغ و زکهار / ارمه خاکه کسک بنی مار و مار
 اولدی اوجم خاکار و سرتیاده / طولدی صحنی لایحه سر جاله خوه
 ناکه لورده شاه کایاب / قیلدی کرمه خوه یوزده و ده سکا
 رولیب تلکند شبنده روز خوه / قوبدی افاقه لایحه بده ریخوه
 تیردی بارانید لایحه خوه / و و شده ساقی کده و و ش سکر
 هر طرفه جنک لایحه ایتیل / قاتن مطبوک و ک مینا ایتیل
 صاه قیامت قوبدی فریاد اندی صور / بوالجب قلده عاله متار کاهور
 میدی قلیق لایحه ای شرمه / کسک قاق ایردی غافله اولفا
 حکم اید و یورید بر بلی اول / قننه یلکه فرید بر بلی اول
 نین لایحه غافلک بنی اورده شکر / رولمونه ایتیل قلیک شکر
 شکر بن البرزه و اروب و قننه / یلدرم کبی اروب کسک و یرم
 طره العین لایحه ارم شکر و کام / کسکه قافله قلع اوده تمام
 اولی طایر خنیه جاده بزم / اوج فرالده رستم و شاهین
 بن کلن بونق و خیر و سپاه / طایر او نور ساری سرتابه
 بوم دیوب لایحه ایدیه شکر / بوطر فده جنک انی و جاده
 رورده رستم و اوج بقمه / علام قلده اکبر دیو اول شکر
 بلدی و بزم لایحه اوان دیو / دیو کجانی قورده و غریو
 هم غریب و ایتیل اول شکر / ایلده صفی و عا لبر لایحه
 اصفایه اولیب قاهر بر ک / جنک کله و روبری و ی

لشکر شاه ایلیوب شیراز جنر / از در راهی سیاهی چند نشسته
 جنگ کوز ایلیوب اول پهلوان / که کج ایروسی اگر بچدی هجده
 گاه ایوب بر جگانه بتره راه / میسور چشمه به اولده سیاه
 صدک او زدی شهادت تابناک / ایله ی قوی سیاه این حاله
 بویک زرم ایله اول شهریار / کور قشعر رستخوار سفیدی بار
 شید طوله دیو ایلیوب بنیر / یروزنده عقده کوه و کرم
 یوزمشیدی سیاه خونده کشته / کشته زرمه بهر رولور و کشته
 بهر بنیاسینه سی جاکن کوره / وادی و تری و صنوبر ایستادن
 شاهده فی اورده ی رقی زخم تیر / خار بشته وندی سر بر تیر
 قان یونده شیر رشتی کور / غافله به خوشنده اولده لیل
 اولده خیال شاهک قو الله بهاک / به عدم کلندی دیو هو لئال
 لشکر جنی عاقبت اولده زبوه / اتمده و راه دیلی جنر فوج
 کوه کبی بلدی لور حوالی نکر / وینر ارم جنگه دیو و پرک
 وندی باغ لشکره لاله او جاده / قو و ذرقی غم قاف اندامه
 یند غیرت ایلیوب جانه بهوم / ویدی اولور بیل و روح قانده
 شمه فاغده لدر لاله سرتر / خوابه واربت اولسر لری خبر
 بونیو کوند بهر بری خوابه / غم بزم و زرمه یی تا بید
 ایلیوب اغیار لوق ایلم کلیم / انار و که سرده لری قایم همینه
 کید جنر جلیل اوله سرورال / جان کی اناسه اولور بوشل

مندی بو فکر یار اوله مار و کیر / قلده وایق لشکره جند و جو
 بلدی غفلته در خواب لیم صبت / کلدی پناه و ارمق اتمده طلب
 بولدی تنه لایه اوله قهر لیم زار / دین کر یا فکینه بر یا فکهار
 صبح وار اتمش کر یا بنی حال / قصد جاده ایوب جاک تفری حاله
 شکر غنغ ایلیوب صحنی نیر / جقلیب لشکر کید بر پی میا
 ویرده کونسن و کوب طشار لزار / باکر بو طشار تیر سنر و زار
 چوه بنی و ده و غ ایلا سنسار / قلده جانغ کلید طشاره مهار
 نیلیم بن بو غنچه کج کر که / اهنین جاده و ده و سنکین بود که
 کور سه بود و ده و غ طشار / طاعنر طهاره و قینه طشار
 چفده چشم غلظه روز بر / کنده و شن اغر و بر رگر
 ایلیوب بوسمه به ده نودر / جوشن ایدر و دیوین ده غنکار
 شمه بانده لاشی و کلیمه / طوشتیر جانه بوشو و میردی

عسر

سینی کل کبی صد چاک لندی خار غنکر / اولدی جانغ بلبل پراه و زاری غنکر
 یتریدی باکر سوزده عشقوتان به و ده / جانغی ایدر و بقعه بهر وین مار غنکر
 دین کر یا فکینه بر یا فکهار / اه کج بر و ده و قهر نیش کباری غنکر
 اوده و شیدم کوز کور کیم بریدر قاده غلج / بو هوامه کلک اولسم حایک ساری غنکر
 بهر و یوز گفتو بهر ساعتی بیکر باهر / به و به مهر نیش لیا و تهاره غنکر
 زوله سبه اکرم ده کون غوره ییکر / ناله شام و بحر دم کساره غنکر

که بکاهه راه پیدر کردی / بولم عوده آیم صبح اولو و بلیز
 بز و بکوه از زنا نه / کشاید به مقصود شاه اولو بلیز
 یار او در کج و قع غم و کشتن او / بوم نه بوجیزم و ارتش او
 یار او در کج و قع غم و کشتن یار / بخشه جوق او نورده و عشرت یار
 بولور عالمت کرد یار جوق / لکه کج بر عهدی غولار یوق
 و این جهان کیم یوق / به شتاب که صد کاهنه زینب
 نقشه بد کن / **نشد سکار او** / **نشد سکار او**
 کارزار بدوب و **نشد سکار او** / **نشد سکار او**
 کارزار که سکونده کاه غم / نوشونیش و لطف و قهر و بزم و زرم
 هم قد صد بر کلمه بیکر خار / نولانه کین و بایه بار بار
 استراحت سیریدر ضمایم جاده / بونیم کشت و لار لافه ندر کار و اده
 بویاده صد قند استر بیکر نیالی / مکه و این قصه سنده حسرو حال
 جوه فری مهر و وفا ده اور و کیم / پس طلب راجه بصد یار قدم
 روم و ایدوب فری و لاجه / ایدوب بر قافله کشته و جاده
 و این و بکلمه و فی اولت سوار / اندیاده و بهدی اختیار
 بر پنجه کوه غم سواره / سندر قند بر یاده ایدوب
 کیم نریده و یایاده کوه و شتر / قله لر بر و یایاده ایدوب
 کاه ایدوب کاه صو شری اندیکار / ایدوب بر و کشته افو خوار و زار
 شولقد بر جوق او طشید و ضعیف / ایلم و روه که کور فیلار ایدوب

نشاید غایت خوش کلمه اولو کلفزار / ایلده کلمه 2 بیوشکار
 پس کافده صد و لصد یار کین / طو نه یار کیمینی قوم لکیمینی
 بروم اچکن سراسر اولو دیار / جانور باغده اولو لاله زار
 صید کاهه قاصی اولو یار / حاکم بر شهر یار و بر به کهر
 ظالم و خوشنوار و اولو یار / بیکه زور و سیرکن و شیر کهر
 نهر که با نود قمش اولو به فعال / ریح و ده شاذ کج شام ذوال
 مین بانر جوه بو حای کوره / ایدوب اولو خوشنوار و ویر و کهر
 ایدوب شیر اولو قصه اندیکه کوش / کور لیت و ریالین قلعه و خوش
 وید کج بوزی قاهر کج / شیل و بند و بهر لاس و بیج اده
 قنق و جاده بیخی 2 زهی / عقال و ده لاش و ده کج بهی
 بلدرم شمش کج اولو و غین / دره کشت و نجه تقسیم اولو و غین
 اولو قلعه لکای بند و بهی / ایدوب اولو یار بر ایدوب کین
 کوره لوطوش تمام اولو صید کاه / بایه و هووی نقی و خید و نیاه
 یلدرم کین ارشدی لوله کاز / ایلده بوشور لاجنه سکار
 و ایدوب ریح ایلید بوم لافه / بهر کج ایدوبی ایدوب کجده بهی
 صید و شغولید کج شاهر قولا لای / جانور لار و بیخی کشتی لکای
 بهر بر کج کوشه ایدوب شکار / لوطوشید بهر لکای سکار و بار
 طرفه العین ایدوب اولو و کج / اندیکه شاهر قولا لای و جوق کج
 کلک و و این بو حای کوره / تیغه زاله و سام و ایدوب اولو

اوله کاله بیلر قلب خیر از جنک اوله رفوننده اعدا ناکل بیلر
و بکر اوله لاشی بر رسم تیز خلق و عالم قوبده صدک رستیز
کشتی ایو اوجو خوه زور و تاه کوهه التی قلدی و حسیجه نواله
بحر و نیاه اوجی نیکسرو نیکسری کوهه روزی نیکسرو نیکسری
صنکر ایدر کنی بیدوار اولی نیکسرو اوجی نیکسرو یوله بورایر کر و راکتر
بلرک اثره بر برک شیر لیدی ان یقه و الله سن شکر ایدی
کجه بر قی حال او زاده کزان عاقبه رول شیر و لیدر و تاه
جوزده بلنده الی اورب برکنه الله اوله کلکسرتی بونیکسرتی
یورور و باندنند الله لانی اولم اوجی اندی بند الله لانی
مویوب رحمتی بند شاه و کام لکسرو که خوراشی اولمشیدک تمام
سدر سرور و ضنده و نیکسرو اوله مقام لکسرو ایدر یار
زنده لولنار که زلفین کورب صرور یاریان یوریم اوزب
لکسرو و کانی مکه جو غیده زنج واروی و اوجی مکه زنج
اتمسوه جوه قاه اقبه یوکوزند اندر زلفی شاهرک و بند
لور قالدی شهر یار و کاهانه آله یار کلدی یار اوله کلکی عکاه
میده و اوجی اکه سالی بریم قیل نیلکه که کنی عکده که تیغ و کیز
غبتو خند کلد و که بونیم بر صرت و فرقت کلد و که بونیم بر
کنسکر یا نور این قلد رمدوا طای ایدوب بر حبسین الد رمدوا
بلیوب اوله و میشوزای لیدی صیدکا چکده بر اکی جا لوز

قوتو یاز و که منور افقن پنج بول شاکه منور افقن
بله و کی مسع اولور بر بالاکه مسع و کی کی اوجی با شکر شکر
بوم یار و که یکه سکا اولور اوجی لاشی سار و که تده جده
بو غماجه کوش ایدوب اوله بیکاه جاده و ولده قلدی کار و ال
باشی اوروب و بیده شامانیم یوم بیده مال نیکسرو یوم
بدن قلد لایق شامانیم جهاه عذر خورام عوه شطاه و جهاه
یمین قاه اکر اشکینسن استنی شکر لهن اکر نیکسرو
یونیک رتده عوز رتده بکا خشم و کیر و کعب و زور ایدر بکا
کریم صر لیدم فردم و کلاه نار و لوی قول روج عوف انشاه
بویار و یوب زیدک فافیشی روه ریح ایدوب عفو ایدر شاه جهاه
ساعه مده یار خشم روی خوش صورت خور حافی قلدی رولج بیدیش صورت
حق باطله سجن یار یار یوج نوز حقد نوز حقد نوز صوح
لاهی اولم و در سکر لید وار یار نفس یا قیجا کانی بوشید وار
نماک لشیما یی کماهی کور کین خج جهر و و یاهی کور کین
تکلم اوجی شریب و اوجی و ظاهر شده یار شریب و اوجی و اوجی و اوجی
له که بر حیدر زلاله جهاه رستی و ستایند اولور یوزخه
کوز و که اوجی یوجور نو شیر کیر جوه قنوه ساز اولور و یاهیر
پنج کور که ریح بر بند یار ریح حیدر کار یی بونیم یار و شام
عاقبه کور اوله و شمنده لهن اوجی فرقت کوز لیت شام کین

بهر طایفه و در از حیاط پیش قمار
 کار که روله را فوین اندیش قمار
 رو به مردم روله و شیر و زبونه
 و لانه و شکسته در مآرم و فتنه
 اعتماد ایستادگر که هر سوز
 اقصی قمار با هر سواد تن سوز
 به سر شکر عرقی کسیر که
 صفی و عالمه ادوی حکم که
 بسلسله بوز بایه یاله فی شهید یار
 ویرم و سیرر که بایک عهد یار
 و از حق کور نیلده که روله بد فعال
 و آنکه عجمی قورده و لای با و ده
 شهر و الد که کندی خد مت ایلیم
 خد مت جانینه منتظر ایلیم
 کند و قوه اندی باز که رکا
 بولیفه و صلا ایدوب رکا که
 ایز و ایز و قوندوب روله کندی
 فو لاله قلدی سیاهینست بخش
 میدی خد متار قلب ای شهر یار
 تاج و تخت و ملک باله و بهر کوار
 صفت نشا هکدر رتو ایتنوه
 بن قولین رجنی عده ایتنوه
 هم بونی عرض ایدرم که شهر یار
 رزم ایدوب غفلت اولدی ز غور
 تیغ و تیریدر بوی که ز بهر ناک
 زخم و زنده او و بهر جان جاهه
 رجب اوله یان او و لوقه عا
 فلسفه بر اوره و لای رختا و
 ایلدی روله قول و لایع اعتماد
 بلدی کوکلند و و ارانک فنام
 مید که کیم انت بزوم تهمر سیر و ده
 بز عینر شفقت و رجم سیر و ده
 بلور بویع بز کدر طبیب
 سیر بایور سیر کیم او و لای قریب
 باش او و ب کید و و لای حیل
 شاه عالم باله او ایدر سر
 بولدورم بر خد فو فی عالمی
 کما اشاراتی او و لای سیر ای

39
 بهر طایفه و در از حیاط پیش قمار
 کار که روله را فوین اندیش قمار
 رو به مردم روله و شیر و زبونه
 و لانه و شکسته در مآرم و فتنه
 اعتماد ایستادگر که هر سوز
 اقصی قمار با هر سواد تن سوز
 به سر شکر عرقی کسیر که
 صفی و عالمه ادوی حکم که
 بسلسله بوز بایه یاله فی شهید یار
 ویرم و سیرر که بایک عهد یار
 و از حق کور نیلده که روله بد فعال
 و آنکه عجمی قورده و لای با و ده
 شهر و الد که کندی خد مت ایلیم
 خد مت جانینه منتظر ایلیم
 کند و قوه اندی باز که رکا
 بولیفه و صلا ایدوب رکا که
 ایز و ایز و قوندوب روله کندی
 فو لاله قلدی سیاهینست بخش
 میدی خد متار قلب ای شهر یار
 تاج و تخت و ملک باله و بهر کوار
 صفت نشا هکدر رتو ایتنوه
 بن قولین رجنی عده ایتنوه
 هم بونی عرض ایدرم که شهر یار
 رزم ایدوب غفلت اولدی ز غور
 تیغ و تیریدر بوی که ز بهر ناک
 زخم و زنده او و بهر جان جاهه
 رجب اوله یان او و لوقه عا
 فلسفه بر اوره و لای رختا و
 ایلدی روله قول و لایع اعتماد
 بلدی کوکلند و و ارانک فنام
 مید که کیم انت بزوم تهمر سیر و ده
 بز عینر شفقت و رجم سیر و ده
 بلور بویع بز کدر طبیب
 سیر بایور سیر کیم او و لای قریب
 باش او و ب کید و و لای حیل
 شاه عالم باله او ایدر سر
 بولدورم بر خد فو فی عالمی
 کما اشاراتی او و لای سیر ای

زلفه و مهر او روی زهر ناکه آتیب یاکه لایله قفسه یه جاکه
 به نایه لایه جاکه اندک همین بن کلم کیر و دیوب کتده همین
 بر لکه ساعه کجی شهره یار او ده شوب جانیه اولدو کتار
 چال تن شسته بدنه کتده فر ال ایولا قالدی عله سر سر
 آتشی و لده باغده حقده و دم قلدی سح لعلینی یا قوت کبوم
 لاه باز اولدو کوزینک کوهلر قلدی زر کر لک رفیق لاهلر
 کورده بلکن لاه اندک سینه جاکه بلده دشمن ایلش قفسه یه جاکه
 ایلده اولدو کوه فریاد و ایتن ناله سنده اولدو کوهه بر طین
 بنو ذی غده جو سوز آله ایلدی فتح او ده یقده فروز آله ایلدی
 قلدی ناهک تو آله اولدو طلب کج سر اسر بقلنب سازو سلبر
 ایلین شهر لای بر کزده غلو این در اول صید بازی جسر جو
 طو لب تاک سیاست اولد جانیه بیکر رو خوش اولد
 بلکن اولد فغان (تیکه کوش) بلده لاهو یه صفاده ایتده خوش
 کلدی شمشیر یوریده شاه کام این تاک بلکن لشین تمام
 کورده بلکن ار و اولد کللی عقور تفسد او ده و دیو کیم یا غیور
 برق مانده ابر شوب اولد بخسار ابله بر کز نفی او روی رعد وار
 لاهه سر سام اولد ساکی پولانی صونده جام تیغه پیمان سی
 زلف او روی کیم طین بند ایلدی جسمی صریح کوشش ایلدی
 مدیده لایم بر سیاست کج کجا عبرت الوب قالا انس و جبرکجا

۶۵ بیلد یوب کلدی و لایه جانیه کورده کج حار ایلش سح جانیه
 یوز اورب مدیکه لایه و دم عاف و جان یوز سنده مد
 جشمی یومش جانیه حوفا بر نفس تلمش حیاتنه نشا
 لطف لافینک اتن زیاک ایدر فز و کورده لایه سحر کاه ایدر
 عو به و لایه رسن نشین ظالی سح الف ار لایه رسن نشین
 لایه سحر قالی ایدر اب و حبت م بلسک جاده بخش او نور زهر کین
 او ک بر طین و وار اوم او ک یوز لورده قانوک قبا و او ک
 مردم و عشق قفسه عاشق و ک مهر و صدق قفسه صاف قاکه
 کج تی قفسه غیب رو لایه و ک خیر تی قفسه قریب رو لایه و ک
 صده لایه و ک زار ک صقی عشق کورون و ارنه قفسه
 تشنه جاده و رنه قفسه شکرده ایش یاری حق
 قوشچی جانن و ارنه قفسه بند و غده لطف ایدوب زار و قفسه
 او ک شیکر جاده و رنه قفسه کعبه مقصود ایز کورانی
 بیلد یوب اندک یوق زار و قفسه روی عالم اولد ایتده شاه
 ایدر و رنده نیاز ایدنه قفسه حاکم و ک خوش ایتده قفسه
 ایدر شاه خوابده ایتده قفسه ایتده قفسه ایتده قفسه
 ایلین بو غصه کز نفک صیاح بیلد یوق قفسه کز نفک صیاح
 ایدر شاه و ک و ایدنه قفسه جو ک صفر طالع کز نفک
 سح بتا نار غصه کز نفک لاه غناب و ک کز نفک

هر بتا ز وفا سر چشمی / لطف و کز اری و قوت ارشمی
 سو و قد لاله و سیم بر / سوز و کد و شهادت و مایه غمی
 قشاله مشکین کا نو تر کا ذر / غمی و دل و زو چشمی کوشه گیر
 عشق و ریاسه با همت بعدی / شیوه و کافی ظرافت و حرفی
 عمر فقه جان و دل اکلنی سی / کلشی عشق لطافت غمی سی
 ساعد با تور و ساقی عا جده / بود و صفی بای سی و عا جده
 طلعتی جاده و بخش و لاله و لیدر / کوه کبی و قوت و دل و روشن صیدر
 ز تیسر بلده جوده حالن تمام / میدی الوده کندی فیال و انعام
 بهمه و خاکه اولی سر شمه کیر و / قوت و فراخه اولی سر شمه کیر و
 و و کلیر لای و روز کلر کبی / ناله و روز و دل طایلیا کبی
 که کج بونده بتر کف نولا / بر فغانه این روز و شکر کاله
 روله صاف کبی بخت و رو سیاه / ریلیم عالم کبی عالم بیکه
 یسرو بالینج روه سکن و خاکه / روز شب و درم یار ایدم جا و خاکه
 عصمت و عفت ارشی اولی تمام / این یوز بیکر سر زشتی و عاقل عالم
 بیل صا غور صفت قلده این / ایلده سیاه روزه اکیا و بین
 زبده لاله لاله پیره پر حاله / سبیل قلده سنهار یا بیاله
 نو کسنی طشاره و کده و صو کبی / قان یونده لاله و خود و رو کبی
 صیحه کلر کینه و و نو زاله / کلشن و و تده و خا ذ لاله
 ایلیم سیمین بر نی / نیاله ارشک اقدی کده و نیاله

۶۱
 در دل با توری و جاده ایلدی / در شلیب بازو رین قافه ایلدی
 جوق فغانده صاب بود قلده لای / جوق بیکار بر لاله کوه کوه بوز لای
 باش اور و ب پاینه و در ب کلندر / ریاله افتا صی سر لاسر و کلندر
 و لای کلندر ز فتنه و هم ساز و هم / جاده کو لکر کارنه لای باز و هم
 کند و کلن حاتم با من و بالی / ز تیسر هم کنا من و بالی
 ایلده الفقه اوله روشن صیدر / ریح و تریلیب و لوده یا لای نظر
 بشو و بوز لای غیر بقیس / الوده و ارمی صی قلده بر بقیس
 و یمن سن فونبار ایدوب آفتی کلندر / کلندر یا بیلده یوز کز اورده ی کلندر
 میدی الوده لطف و قوت اسی شاه / سنده لای صافه و کرم بزمه کناه
 شمه می قلندر رادم صطا / قان لطف و روه و عو نو عطا
 شهر یار کوه اولی تد بیر خاص / روله و روه و کفنه و غده خاله
 روله طبعی بولدوب اقدام اول / خاطر خوش و عی و رده رام اول
 سر شری معلوم رولب عالم و / این کربیکر رضا طبله عالم و
 صحن کلای بولیمی شهر یار / عفو و صافنده لوده و روم و لای
 لاله لای بقد ر طیکه ارشانه / جوی راتر بند کلر با غشانه
 بویا دیوب روله در بال غلده / کلندر روم روم کجین طفلیه
 و یمن صا قن لوله و لوله و لوله / صحن ارشک لای لای صوف بندم
 یمن با قوب عالمی حاکه ایلارم / کرم و کلر فتنه و یاکه ایلارم
 کز و نور و شاهز صحت بندر / بیستم روز و یمن کج سن ماه و بندر

چونکه باطن بود قلدی بیا
 کوزری باشین سلب اوله شمع
 دیگه طندی بقدمی بکشد یکه
 جاده و مدله ارقدمی بکشد یکه
 سیر قلدی بر جاده و بر کمان
 نور قدرته بر عشق و اجاهه
 حاله و عقل ارشاده جانوده
 روی خدی روشنای روح کلر
 صبح رخصه ایوب رخصه
 یوز سروب به صدقیم با ایلده
 قشیری ویر یکه و در حیا
 پیری بولدر روی لار اوب هر یکه
 عرو لته که کهر رساله نصیب
 خدی کوسر ماک سحری عجب
 قلد و خاک شوله شوی دفعه انگر
 ساغ اولوب نه بصلی کور مکر که
 اوله شها که جسم صحت بولیا
 بیکس جانک بری قور تلیا
 کوش ایوب اوله پیری مکر نوکر
 مدیه صق عونیال اوله جابه کر
 اوله یاز بهر صولای کر که کر که
 بولکسی اوله او ج کوه ارج نقت
 مدیه باطن ای حکیم و جابه کر
 اوله اکیده نقت بقدر لار
 سن بولرسن یلنه تدبیر سن بولک
 بول پنجه قلد که تقریر بولک
 قلم استر سکر بار اراهه و بیلم
 یلنه یوز سروب اوله و پیر
 یلنه غاصه اوله نور مقصود جاده
 یلنه یوز سروب اوله و پیر
 یلنه غاصه اوله نور مقصود جاده
 اروا و ده بنده یلنه و لیدر
 یلنه ایرق کده اوله کثیر
 یلنه ایرق کده اوله کثیر

رتیب چکر باطن اولدی شام باده
 و لیدر و ویدی ای جان و جاده
 یلنه کور و رجن ایدی و لیدر
 میدک ره ناجدار و کت و کیر
 باش و یرم جاده اویند و سکر بوللا
 شام بنده صفت لایق تولا
 رتوب اولم ارج وار بر کوه صا
 یا لیدر قالد سنه بر حصار
 یلنه قاتر سوریه مانندی شما
 همسره کرم و ندر ایدی و کشتا
 بو قدر لطر اقدیم هر کز شهر و ایل
 بکالایه یلنه یوز و ده لیدر
 رتیب سرجا مایه زنده و ور
 بنم کرم فوزین خا تمی
 یکه اوله کور مینی لایق
 بو قدر و بلده کما ندیم بیا
 یلنه فریاده بهر اوله و یلنه
 زوده کاهدی قلدی باطن چون کوش
 مدیه ای جاده سن بک بک قوش
 اوله ناکم و کشتا کال - هر یکه
 ای عونی صق اوله غده بری
 او غده مشطه جوثر کجاده بکا
 زوده حصار که نقت - اجاهه بکا
 کله جوهر همین کور مدی کار
 بلده کما اوله بهر اوله و کور کار
 مدیه کور از و کما اوله ر مین
 صق عینی کیم نقت بیدار
 فنم کن بکسر ارجی بنی باش اوم
 بقدر بکرتوزین بهرم یوز سورم
 یلنه یلنه بکدن قور قرار
 ایلدی غم و حصار اوله ایکی یار
 یلنه یلنه یلنه یلنه یلنه
 یلنه یلنه یلنه یلنه یلنه

یلنه یلنه یلنه یلنه یلنه
 یلنه یلنه یلنه یلنه یلنه

لیکن بختی که فتحه تفراده
 چونکه باطن را بده غم و مصار
 و اشی را صبر را با پیچ ک
 سر در لورن تا بر پنج شام
 صوفی را که کاه که جها
 قلعه که کرده مضبوطه کوم
 هر طرف ده زوله بر سر کش عیانه
 بقدر که باطن کورده بر عاید صفا
 زنده با کرده از جکش جوش سر
 زلف خوابه و شن بود بر پیچ و تاب
 این وز از جنبه عنقا رعد و 2
 هر طرفه با سبانه بر ندر
 دور اید و ب باطن از پر کا و ر
 و دند بر بر جی و صیحه کور
 و بدی با ناسخ فی قلهال نگاه
 بس بلند و جود می بر عاید کند
 زله و ر ب قلعه و عو اوله کاه
 قلعه از ناله که بر دم اوج اول
 چونکه مضبوطه قلعه بر بر جی کین
 قصه ای که بود بیدار مشی صبر و صلا
 بیاید کند رهبری لولب نگار
 هر دو هوش اندر اوله را همی
 ایله یار فیا که کسار بی تمام
 انده ظلمت اوج رضاه نهاده
 بقدر اوله که کوه فلک بر جنم بوم
 بر و بار و طولی یکسر بیابانه
 قلعه که کرده ماند از ستور
 قلعه قاف روز غنقا و رها
 در این لیش ری کرده نقاب
 و این بار و شگاه و آت الودع
 اوله ندر کسار بی تمام بر عدل
 کورده بر بر جی و بار و ستور
 و ندی و لورده یکا طه ی نو
 با کاه بور لورده کورند ی قلم راه
 ایت اندی قلعه بکر بر جنبه بند
 از ورده و کشت یکله و جود صاف
 من قبول روشن و عامر بولید
 و لیزری که جکده از و پیچ و تاب

3
 بیابانه بود که هر یک کله رکت
 ایرتیب کورده از زح و رور
 و بدی باطن بکاه ای قوم حصار
 بین بونعج و زینده عیانه
 رستم روشن به کذب و حق جانی
 الجع شهر اصدف از ناله خیار
 رجه یار و غری بر بر تمام
 بولد بر مقصود جافه به کاه
 جلالین اصداف قلعه لیت یار
 کجه در لول کجه و جود شری و ر
 ابر و یار خلوت سر زده و ابقه
 بر خور بود که کالی زور شر
 کوریک که در و لورده شام اوله
 پنجه سی قاف جافه با غشله
 از و تر ناکه شراب و نایب
 اکده باز به ز غفر از زح که
 و ر و زالتون از کله طفلدی
 اکل شکر ایلد می ته سیر
 با صفا اوله شامه و رور و زوشت
 شامه عمره قلعه را کسار
 زله و ر ب بر بر کلیدین بورد
 کلک که بن از ستور ماله و طور
 بر اکده و رور مقصود جافه
 صد تکه شهر از کورده و رجمی
 رور و غر تل لولم کالسی
 جافه لوله ایله یار اتمام
 زله یار لوله قوم اصداف کراه
 بر کد و ب میا نو عله ی کته یار
 قلعه در صبح اوله شری و ر
 و رور و رور و بی سیر و صاف
 سیق قلمشده و عامر صیحه و جیب
 ایلد لوله قاف صوکه اوج قلعه
 سیر ایلد و جافه با غشله
 شامه ایچ و ی طبت جافه بیل
 اوله ی هر بر یان مهر تر نایب
 و من حکم بر جی نعلدی
 هر بر یان و زده اید و ب نقدی
 ضروری لوله زمار در ماندی

راجه به دشمن و بهار خنده آید سون کله ی شکر بزورده ریکه
 شد قوی شکر ایدوب شاه اولدر بند و غده بهار از اولدر
 رتد زاردم زودوب رتو جفا تیار اوله کی و لده شاه به
 بلخ سلطان نور قهر باغ لک بکرانله قلعه ی کشتواغ
 صبار ایدوب و لیدر تاجداره نامه کنیزت زهر اینک
 انکیر سوزار سولیت و این و کامنه طلب رتد و کیدر
 جوده سوار ایدوب کشت قلدر و کمر غزم رز سحبه قوشند ی تیغ و زر
 قافه که از و با تیکر علم قلعه جولاهه و دنده میرده اوهم
 جکده زرشتر یا بند سیو بخورده انده فکر سپارشی
 قوم هند که شلم و کده قاشنی جنگ غنقا کین ایدوب باویر
 خوابده کالمن دی قلیق رورده و ارتقار یا نینه کله شاه به
 زنی کور و یار ایدوب و لیدر جشمی ریخه و الن یغ و تیر
 میده غانله اولکوزاره ی دو سام و ورده قهر ماه و کیده جو
 بلخ سلطان ایدوب ایدوب شیر و کین بر جینو کدر مار و
 یانی جک زنده رتمالی پنج سن بورق و بهار ضعیف ایدوب
 رتد و غی اود و یح و و شکر بر و و رتد
 قلم قافه پر کینه راوله صفه عاصی تونی ی و دینه اوله
 نافر اولدوب رتد ایتیم کما جبر و ظلم از رند بر و و شکر
 کوند رتشی اگر بیکر تلخ بر قصه خنده ستر ایش خیر

۶۴
 بهار ایدوب روزه بکده ارتقارین جین
 لوش شهر التی قوشن سرتور بر یوزده لکش سنا و خور
 رتدوب بوشب بهیج من کتک ایدوب رتدوب قایوب رتدوب قوتلار
 ریلیت شهر دکه راجنه سیال غیر بهار سی کتشی لکا ایدوب کیر
 یار تدبرین ایش ای خوش نهام رله و بهار لکه داره اعتقاد
 مکیوب کالمن ملوله اوله قتی و ارتقار اوله میده طاقی
 غم مکیله طوله بهار ایلک سیاه من یز یا کله کله شاه
 بیله مکیوب رتدیه قصر و کالمن فکر و ایدوب عالمک لالا میده
 رتدیه صحراده یکا کالمن نگاه کورده طوش عالمک خیال سیاه
 و شب کوکده فی ایشال برانکه کر یو غیده سرتیز و رده غیر که
 ضیم رده اوله سپاهن و جیب صفه سیال و میده رتدوب بر جیب
 شکر رتدوب ایش علم رتدوب رتدوب رتدوب رتدوب رتدوب رتدوب
 شیدل هارن سیر ایدوب اوله کله کله برده لدم یوریش کوکده کیر
 بوغ کتک کله کله رتدوب ایشل یور کله کله رتدوب ایشل
 غنم کرافال که مکتبه کوزین میر یکی و رتدوب ایشل یور کله
 کور کین کالمن طوب فکر ایدوب لطف و قهر و صفه کله ایدوب
 و ارتقار یا نینه کله رتدوب رتدوب خیرت رتدوب رتدوب رتدوب
 میده یورده باک جانده تیزیم ایلم سن نا نوزده رتدوب
 میده و رتدوب ای رتدوب و الوفا سرتیز و رتدوب رتدوب

تو بگویند بن و زنی و آم او این
 ریکه سبز و ساه بر رختیار
 بویجی از ناله بی بوی حزار
 کون بیاه که قصه ایدر حنکها
 کون بی و از دور که غن جانانیا
 با که بوی یار صوندی جام قره
 بوی و یوب ایلد که بر کج آن
 لاله و درج بر آهن تقاسن لاله
 وید که کو ستر مسوده سنزها
 با که سنز ز بار هران صیت
 عید و رول که کونک بن قور باه و لم
 رتبه یولکن جانان ترکی سر
 مردم و غلدر یکاهه و لیدر
 حاکم صحنه یوب سبیل این
 با صومر طور یوب بایشه حاک
 خوزه حنک ارجین غن یردی
 کور مدد عالی یوز سنز کوزم
 ووشدین مردم و با که کرد ریش
 خیرت رومنده و بتر کن بو کاهم
 سبز که لچوه حنک اشام اوصدین
 مصغ غایت رول سنز و زوار
 سبز و کچوه که ایدر در اعتبار
 باره برده جاده و یرم سنزها
 ایتیم جاده قصه بیگه جانیا
 اتمکوز سنز جانو سیر هیوه ترک
 رومنده جمله فقر و بارگاه
 بش رورب بایند شا جکر و ز فاکه
 با قه چشم بلکر نیاده یکه
 یکدر رولک نوش ایدم جانی حنک
 یولکه جاده و یرم بیکر جاده بونم
 در میان بوی و جکره ضرر
 راه ایدوب ایلادی خیر و غیر
 قانغز انمشید غده کلارین
 بفره استرو این صحره حاک
 ناله را ایدوب بویوز مدد و یردی
 شمشید بیکر که صاهه ایدم اوزم
 غرق رول یکدر اجه خونا بایشه
 اچر و کیر و یر و یر و یر غلام

نامه کند ریش و ده یکیلد نور
 قلدر ب سر وید و ریح این غلام
 یس کروب بیاه اچر و قلدر طبو
 صود رجیم با که هنکها سین
 بویله یازش فشم ایدوب کال لیدر
 ورجب رولدر که اطاعت این سن
 اکدر انوائ سیاستار قیسلم
 تاکه بنام و نشا بوبه فصال
 به حیت لیکه ایدر سکر شید با
 قطعه قابل دلیوب ایدکال
 قدر تاکه بوعینه قید و بنم کر
 اناله رولکفه ریسنا جوسر
 بخت یتیم کید و یر و ز لاله
 شرا که کوه بایدار اوطر لیک
 بفر و کخوزه ایتد خار و باه
 روقد رول نامه و جود لیدر
 جاده سی کبی جکر حاک ایلد کر
 شاه خونا و لیدر که نور قهر مانده کند و کید
 بیکر مدید فشم ایدوب قلدر صطک
 توش رنکن حاکه بش رور و لچر
 نامه رلیک ال کاه و لاله
 روشاهی بر ل بقلند قیو
 ایدر بیگر لاله نامه سین
 ایدر شکر سا که بوحکم نذیر
 رولیا که بر شناعه این سن
 انتقاسن بلکر انال و د لیم
 فلیما عالم قید و بلکر و بال
 بونیکا و ر جلا خونی شروایا
 باشا که کس استودم اولد حاک
 شرا و که اچر تا پورده کوند خیر
 با که حذر ایلید بقلن کر
 اوشم دشم بکر بیدم هماده
 روز حنک مک یار رولر شکا
 کالی کبی کوشن اید بیدم و لاله
 مددی بفر سوز لری هاشمیدر
 روم و روم سر شرا که ایلد
 توره بنده بیله و یر و یر و یر
 توره بنده بیله و یر و یر و یر

صولیتی انیسو اوله بیره بام
 انشز بزه جانده استناه
 اشتی ستر این اکار نی سن
 کور مشد بر کله اشکین سن
 سیاه احوای بر خوشن سکا
 دیه مله بولشی سن اکا
 اینن پنجه قلمضاک ساز
 آتشی بامت در راهن کداز
 اولیجی نهرت و عوه و ال
 اهی نی جوتار بصیار ران
 اوله بر زانغ وزغن شرود یار
 بر صباه اشیل او لوز تار یار
 هرنه مکهو جوغ افه طوز ناو قاتا
 طایعینور پرواز ایه کی شاه یار
 کوکله الجی قلب نوز بیکال الجی
 یا کوز صراف تاج و تیغ وزین
 بویه و اچی کی یقین بستی کوز
 بنف یوقدر جانو پانچو فوور
 دیمه اولدی نیجی و این شکر
 وار در بالکند هم شیر انده مس
 انار که قدره بکوه افاله کدر
 طایه تور اکه نسبت حال کدر
 این کیم بونال افه زین حدور
 فذمه لایح و کله رانغ تور
 بونار که بر کج قاین آینه طین
 ویرم اناسکی بوز بیکالین
 با که حاکم پاریدر ابر و رو
 نوز اولقده بکوه بانوسرا
 فوور حدمه قلبه حکیم سبو
 باشنی استر سه صاغ اوله قلبه
 جاریع و در رسیم بونار بکا
 یوقدر انده ضح مکهو خوشن
 باشن الب بولند کتشی بکاه
 زو و قهره انیسو هر کره ریغ
 کوه کی عریاده در الیم سیفر
 ویر سر باغی جویانی تیر و تیغ

فر کدر در مین اوله ایساک جوا
 سوز بومر و الله علم بالهوا
 جوه جوا بن نامه ناک الیه رسول
 یلنه طنده کله کنده یا کر یوله
 تون کله دی جوه شکا بک ایلدی
 یل احوای مکایه ایلدی
 بیکر ایدوب تور که جاکه کشتن
 مله اوله و نلو اوتلا کشتن
 خشم ایدوب اولده آلمدی سباه
 توزه طوله دی روی مهر و باه
 تور قهر مانده یه مله بیره
 و قیب انشین و لند و نوز
 ایلیم نار سوز که کبی قلده
 و شوا کدر لوزن و نوز
 در و کیر ایلیم بر کمر و لری
 اسیر لند و کید
 قصای کوه باصین سوز لکساره
 بیله فتح ایتن روایه کتوره
 یورده شهر اوزن جوه لکساره
 اولدی عکده قلب لکساره
 بر و بار و اوزن جفده قوم شهر
 اولدی کده و ایل بر استو بولور
 طوله امدده بدنا سر تر
 اوقه و شو کده و قلعه کید
 بار علم بوغینم بر خونین کفر
 ده اوز امد و م اوز و کده
 زیر و بالا اولین فرطه پذیر
 ایلک ایلدی اوزنایه تیر
 آتش افشاده اولین طوب و توفکر
 ایلدی اوزور لین او بیله کینه
 اولدی بر فریاده و افشاده هر کنار
 منجین انده مصاری سلسار
 شهر قدیم شید ایلده ترسیم
 یکره لیکن لای سی اولدی جیم
 خانما احوالنی فکر ایدی در
 شاره تسلیم ایلمک فکر ایدی
 بلده کلن جنبشین خفاک تمام
 ویده سز صبر اینک ای قوم کرام

احوال قاپوچی شهر و کجا
 ایدرم و شمشیر بن تنها سواش
 ریشه و بفریاد قلعه و لندیر
 کیر میخ او لزم بو روم بن
 محنت ایستاده شمشیر لایم کنی
 و در رسیده کفار املتی
 انی عهد و بیعتی ایلکن
 ابتکار عداوت و شورش و بی
 بی سیزه اصرار له اوله حاله
 بیلد ویدی قلعه از پارتا بفرق
 راضین ایلکن نهاده صاده او
 جلد در بر بادیده غناه
 ایدرم و یوقشده من اینی
 استاده سم خبر رژه دم طبریه
 بلکن اولدم جوته نظر قلعه اکا
 صیده اوله باهمه کوریکه رژه
 و لندیر که قورلاک یوکر شد
 هر بر سی ایلیم جلد نه دل
 اوله ی تیش خیر از ی پانته
 بیلم کم کیتی وارم هر و کجا
 او نیایم بو یول تا کج جانو یاش
 ویده بلکن یو قدر ای جانانه کزیر
 و بریده جاده اولمزم اسفندی
 خون غرق ایدوب صوم کندی
 و اتمک جانیده اوله فریاد ورس
 و کشتار الله کور صاغ و اسن
 جانور لده صحرای کاک بی
 ایر بسوه افندسکا و وارم
 کندوزنی چو بی یولقه غرق
 اصرای کجوه فلک ساه و و
 کج طریقه طریف استغافه
 و هشت ایدرمه سلسله سربال
 وقع ایستاده هر کوره سربالیک
 پیله ادم یرده اندله اکا
 شیر بندیک افق و تیغ و زده
 اوله شمشیر اتمه او کینه شد
 وید یار اولسوه سکا جانانه
 هر بر که سرباز اوله جانانه شو

مقدر شهر و کج قیوسنده رده
 اکا قورده قوم شهر و انده طبع
 بند این اولس جسد و کمر
 شهر و یاکا و نب انده نگاه
 او کمال بی سام و اوله پهلوانه
 اغر و اجوب قلعه ارم بی تیر
 پر اجب پرواز ایدرمه بیلور
 او قوم یو شوره قلعه جانانه
 غلدر بلکن و در و رنده
 و لبر ایدرم قدم جوته عشق کمر
 و اغ غلر بلیت قبرم اوزخ خونین لاله
 باک غید و قدر هر جانانه او کین ترک جاده
 زور و سام و نیم و رستغ شکر جلد طوت
 و لبر ایدرم قدم جوته عشق کمر
 و اغ غلر بلیت قبرم اوزخ خونین لاله
 باک غید و قدر هر جانانه او کین ترک جاده
 زور و سام و نیم و رستغ شکر جلد طوت
 هر نه صونسه دور ای نوسن ایلکدر چانه سی
 جوته و ده بد هر و ر افخ قیر مهانه
 بیلد و یلیت دشمن اوزخ صله و غش
 هر یکا طرب قلم کم ایدرم بول
 ویرمه رجم ایلیم هر کز لاله
 قره و و تو سکده سنجای او کینه
 نیل الله لشاکه افره تمام
 قوریده بر و جهل کسار فده غریو
 اوله ایدرمه عرصه یوم انشور
 سینه اولسوه نفتم ویدی حوام
 بول ایدوب اوله کوریه قلعه کیش
 او و صوبه صوبه او و قوریکه
 هر کیم ایدرمه اکج کجده بهانه
 سور و د ایلند که جان تو رو کینه
 از قلعه کیم بولیده انشور لرم
 از و ریده کج کینه ایدرمه یانوه دیو
 طاشده و ریاشده الله کوریکه
 یو غش سر و کجوز و کساک و نام

چکده تیفن نف اورده رعد دار نف سنده لکه وار و ايار
 غنوت ايد ببله نده کشاري ات اياغي کوکا اغد رده يري
 کورده بواحواله اوله تيش غلام جانده لده ضبکه اند يار تيام
 ترکه سر قصه قلمرات ويدر ال بير ايليوب اوج کيدر
 قافه بخارنده جهاني موده ينيغ او وکبي بغده هوا ده ترونيغ
 تيفر الماسکن لاله اوله يار تاجا سره اريکين نغاله اوله يار
 ايله کلشن هوا صحنه و رفتن کرده کوه طلفين ايله بنفش
 سوکه رجو شاله سرينش لر امده قوه قوه حور اوين لر
 غورده مده جکوز بين تاله رده اکله جوف برين
 سيندورده بر دلت لوه شير لر بير لاله شير
 نور کورده کمر طور فر بکندن هاله قلده کندن اوله سر افکن
 قوايت بر بيرني ارسله کي بر زافه ريشه ز فهاقه کي
 اورده کورنه کاهي تيفر بير کي بيردي برسي بيله
 جوج زافه ايدوب کورده قاف قلده کورنه اوشامده يري
 زور بازو وير سبيله قلده تور بکندن اتم اياغن جلدي تور
 رغن جطاق اوله موده يري صلده بکندن اوز نور اوله
 قولده لورده اوشب بند يار جوف ظالم کي غن سنده کيلده
 رستي مستانيل ايل زبونه ساکن ايدوب غن يري کيلده
 قلده سيرايليرديک وليد کرده عايلده بکاهي نفير

جود

چونکه کوردي سيمه حالن تياه بيره و شدي وقتي کندن ايدانه
 وقع شامده ميب لشکر لوت قوندر بوفتم بر شوق و سرور
 قلده حالي ميه ياره کوريل چين سوره طباله جوي اورل
 عذرايد و ج ظاهر اورر يري هر نه کم لايقسانه اين و تر
 شاه خوابده ليدير يارن ايلده ايسر اولدوغن کوريل
 يارل و ايو شير ياره کي ايلده يارلده خوشوانده الي قاهر
 جصاره کتايه کندن کاليدير ولا صفا و فري بر جوج
 کتايه بر يري بر لاطون و ايق ايلده ايلده ايلده
 دکناف زار و مفعله جوب غنم قاف ايلده
 باز شير اتمده جوه و راه شکار طوله يري بر غنم غنانه ميار
 باغ ايدوب کيده و راه قاشاله روله بولده جهانه بر کشته حاله
 قبلده عالم يوزه و دوسياه مختل اوله يري و اغي هر و ماه
 کورده ظلمت کتايه يارده کيل قلده صحن قافي بلجا شاه کار
 بو يکا فلک اتمده کورده وليد حته و ايو يوي سبيله ايل
 شهر قوننده و فاکالاکه حاله احتفاده غنم بو قدر حاله
 انوره اتمده طبيب و بيرل اشک خوشده اشک تير ايل
 بولدر تقيد ايدوب او جوارا هر بره سر غنم با شدي صبا
 بنده و بر بيرين اولدم و ايق صرور اطر اوزه اوله غنم
 کرده تن بولنده صحنه اثر ليکده افي بوعنه جانم فر

بنده ای که آید و در بندیر
 باب شکره شریکه او بود و ده
 ایر و در صبح او نامه بانده
 و بندیر او از اید و بکشف اند
 کرد و فارغ ده اولی ایچ و
 جو که جانده حاصل اند یا فراغ
 و اقبیه و در بر حاضری
 فوق و صحت یر زه بر کتیه
 پیره و میده و بندیر ای بار جاده
 ایر میده بوی و شمن طوریم
 پیر و میده نو لاکتیه و بندیر
 اتفاق اول صبح کور حاکم
 یعنی ایکن قری و لا هیاه
 سو سو تفتیش ایدر کن پیری
 نور و وایچ بنور بر او زار
 قافه پوش اسکر حخته تن
 قافا بش صند و فرا شفته حال
 کله در پالینه پوزر سور و
 رختی مرصع سکن ناز که تن

۶۹
 منصف ارتو شدی اوله سر قری
 کو تر ب فقیه اوله شاهی عیاده
 تاک و اروج ایدر برتیر و خاص
 کنده وایچ قلدیه پیری نام و
 نور میده و امقده اثر یوق اند
 بفوا ایچ و ده قیوی و او و کن
 کله اجد قایوی کور میده نکار
 جانوم له ایدر ایونا الپیر
 اکا کین حاطری بر بخشیم فی
 وایچ اولی قافه پیری نابید
 قایو کور و م بفوا ایچ پوزده کور
 ایدر و ب بر تب پوزن م بندیر
 بیلد یوب ایلده چوق اه و واه
 بونده اوله کالنی خونن جگر
 میسکه انا که زار اولد و ن
 وایچ و ده ایدر کن و بندیر
 میده بوجیش بر بار ایشدر
 واریس پوزده ایلا کن گذر
 حاکم حدت روین اور بشادر
 یو عید که کفایت پیر طاق
 غم قاف اندیل اوله طاهر و ده
 اوله بونفده اوله عاشق ظاهر
 خواجه باش قلدروب اندی نظر
 پیریکه میوان و ارانده نگاه
 طر و ده ماکر اشته صتب و
 خانه او کن طور خیل نوزار
 میده قافه شهر یار ای و بندیر
 او کور سزده غفلت المی و میده
 بلزم کیم قیو و کشتن و صید
 کس کرمش بکر مز میچ ایچ و
 سوزده میده ای شفته پیر
 ضرب غ سیمین تن قلدیه سیاه
 اوله پر بار حالن اکشه ماکر
 یقی عذر ای طلیح کار اولد و ن
 اکا کله میده و ده اوله بر نفیر
 صفا که اعدای ستمکار ایشدر
 شاهی کور بشادر و خونین جگر
 آتش شاهی کور بشادر و

هر نه خایه بکا اولدر قرار
 ستر شتر و کند و کند و ایدم طلب
 یا بولم اوله شاهی یا اتم خبر
 صغ غایب ایوب شایم کورم
 ایلیوت بویوزده ایلر ذکالام
 سن بکا بکهار اولابیلور سین
 بن بهاندم غریب اتم اختیار
 عشق و دامن نه دلم نلس بر
 پای سکنین اقدت در دیار یاش
 دیده پای اسیم نه کلو ای نکار
 تنه طو تر سکه سرم پیچ اتم نرم
 به نیرج پا بهر سکه باش اورم
 بیله دیوت بر نرند طوره لر
 کس واقعه اولمه اوله ایلیار
 تلف ناک طاشنی سیوا ایدینه
 سیاه وار اوله کوچه اوله یوا
 طوند لر راه کریزه روز شب
 سطا غرو نیکی و خیره خوشینه منتظر عذر انکی
 انتظاره جانده کار ایدوب دایند احواله بر مالیه

و خایه و ده از انکی عدم صما لنی عرض ایدوب ترکه
 دیار و سفر و بیقرار اختیار انکی سو یید و کینه
 کاه بر و اینای و کشن تل فحافه
 یافه بکرده عود مشکین دم کبی
 کیم هوای عشق اویدر جانکه او
 هر نفسی نه دلاکه دستان
 تنه فتنه د لسته د لیکر
 سوز ترک هر دم روزه عشقه
 بهر اجهال اندر برده نال سنگی
 بهر الله هر نفسی کونیکلوش
 سیر ایدرین اوده سکر نیکی عالم
 بون قویب سین و این قصه سن
 قصه د مقصود عاشق احوالیدر
 نکته د رود مثال عشق دور
 کریم مشکله روی کفاره عشق
 شرم کلکه بیاه مورور
 بهر عشق شکار ایتمه قال
 یکه جاده الور نهالنده صبا
 فتنه و خزینه رضاه اگاه نور
 اوله نقصان عالم ایجا لیدر
 پای و هوای و قبال و قاله عشق دور
 به نشانه عالمی اسرار عشق
 اوله بیلاندر و عالمی مورور
 تری عشق اشکار ایتمه قال
 سایه مهتابی و اولور در نما
 قلمه احواله عمده اگاه نور

قاله توبه امد بن تولده بکا
 ایلین بوقته احوالین عیانه
 کسوت اوله دایه غ پر واز لوی
 ویرمه برک و امقده نشانه
 شمع کافور کی لوله سروناز
 کلاره پزده قلده درم یار
 سوز و مهر یل کج کوندر لری
 زلف کی حاصل ایدوب بیچیت
 قلده غ جانین دهاغ کبی نکل
 تیغ کف جکده چونک جانین جانین
 نوزارنده اندوب وریای خوه
 بنم بر بنوم بنوم خوه این کی
 اوقیب اتوه بنم ام ایلده
 سن فراغ بر لایا سن فرام
 سوز و که صوب و اندامش دروغ
 درم و صوب و غشی مهر و که بکا
 جهرم ایوا سن اولمشه نار
 طاش کار لایا ایلده اند کوش
 ضمیر اکلیم بوتاچ و رز بنم
 کوله کله کوش اوله بولبلده بکا
 بیل نکلش علوق عذرا مده بیا
 بنم یللا انده صورت باز لوی
 اولده عذرا درم و غده جانانه
 سوز غده اولده ده کوه تن کاز
 بنم خوه انده خاره انتظار
 کج لایله درم و کوز لری
 جشم محوری کبی اولده خوراب
 باشلده کوه کله ده کوه این صکر
 کله بر لب دایه سنگ یانده
 ویدک ای وایه بو کوه ووه
 خوه اسکل ناله جیوه این سن
 تو سنکین طبعی رام ایلده
 ایچوم بن بوز و مکر قانین مدام
 بر تو افسانه ایمش ای دروغ
 بلیم بن ناتوا و ندم سکا
 لایه زرم دروغ و غده و دار
 ایلز ایلیمه کوه کله کوش
 شمع و شش باشم او دیار بنم

جوه ای افسانه سنم اود
 اود بو ماکتر درم زربستروم
 بید کوم غ اجد و کوم خوه جاک
 علوق جوه جانین اهنک ایلده
 چونکه حاصل کف و غدر بکا
 سلطنت کجتنی انز نیارم
 جقه جشمه جهالیز در لری
 یار در بیلیم زلف اساکر
 یار سر کلش هواسی و لری یوق
 کوزیشی اب و رولده یوق بکا
 صاغ و اسن قاله بونفشی و این
 جانده اولدم عازم کوی حبیب
 یوتلام کوی ایلوب قاه یا شده
 کوه و دشتی کشت ایدم اهو کبی
 سوز و که کوش ایتزم قونیه کی
 عشق صبر اینک زهن یدنا ملو
 یار جانم سکا بنم ایلده
 یخنه ارم و عاده یا و قاه
 اوقی اندم و توب غ یا بنم
 غیر نم بونفشی جانین و د
 طولو قور و رجا به و پر جوهرم
 باک کفتر سکا عشرته کر کر
 سینم دق قدی ضیاک ایلده
 روضه و فصرم اهنده بکا
 بدم بوجیم جانین نیارم
 صوب صاه این بعد لاله و کوی
 ماکر باغ کج و سیم و زر
 جشم جان کاه مکندر سرو اوق
 دایه سینم کله ناله بتر بکا
 به قرارم اود بویا کبی جوش
 یا صوبیم جکده یا حاکم یا صیب
 یا خود ایلده جقه یا باشده
 کونده صحرای قیام صوب بکا
 دایه ایدم بتر ایتده و که بنم
 مکلک ایلده کج سن کی خا بون
 ماکر باغ سکا بنم ایلده
 اود و اکتب سکا یا قاه
 بله اوز کوه غمیت یا بنم

کراویم دریا اولاکر کو مسار
 ویرم سرور و ملی و ندر فرم
 حاکم اول سم غم کله بویولت بن
 و صلتند او ورم سیلاب اولم
 و ای جو کوش الله عذر الکل نوه
 میده ای سرور سرازار بها
 بر نفس سترها بی نیلام
 عشق نازنده پیرن کریم سن
 خنکده روز شب اه ایدرم
 سر تراود که بنی حاکم ایلدی
 سن و کرسن اغلب کر چک باش
 قور قورم حاج سکافاش ایتمک
 بخند سنده بر نفس بقدر رضا
 قنق کسک ساید و ش بنیکویم
 اوفا کو سکر کوساک ایدم قولوم
 ساهی جاروب ایدم خنکده سن
 نوه دریا دیمب یولداش اولم
 این لم بر ای کج خلق و یار
 تا که خاذا اکل ایوب بزده خبر
 یولم کر بند این او وده عصار
 سینمکان نارنجی سونید و فرم
 یاقوم بواتیل جانوتن
 ظلم و فرقت کتب مهتاب اولم
 مره و غده یا و قلده کندوزده
 کله یوز کدر باک بستانه ضا
 خد تنکس جم و جانی نیلام
 بن ایدم کندم ای سیمین بدم
 یاشاک کور و کج قنک یو ورم
 تیغ ورم که بغی حاکم ایلدی
 بن مقوم پنج بیک بونیم باش
 تالامی ورم کله یولداش ایتمک
 بن اسیر ورم غ اولم جدا
 خد مت بین قات و ش بیکویم
 صوب و شسکر یوستم قیلم قولوم
 باش اورب یوز ورم خد مت
 خنک او و بقدر سه حافر باش اولم
 فاک و فرده اول کخیر نوزار
 ارد فرده صله بیکر و نادر

بو لیون بزده ایدنا هوشا
 بیل دیوب اوله شب ارام تیل
 مهر و بانن ایویوب اوله ایاکور
 افلی او غریز بول افنوه ایدیکل
 قور سار و باه و ش و ام و ده
 ورم اساک الله و سار ک زنگار
 مام ایدر عالی بردانه ده
 و ای و فرشتی رای باه و ورده
 خام ده ایدیت و جوق بیدیال سورت و جانی تقیر یی و بید و بید
 کرم ایده افسانه ناک قحاشی
 کوه غریبان لیم و ایدیم کاک
 برنجی مشکین کیم بکشم و ورم
 یصه نوبت بر خا و اوله سرفراز
 خانه سینگ وریه مانند سپهر
 جوه بر یار صید ایدر اوله شنبه باز
 چشمه و یوز برین پرکار وار
 بهر قنق انده بکا قلعه نگاه
 قدرت او و نده اور و بی تانی
 پوت و حکمت کیم اوله صوم تر
 او بور و راجی طلبین جاده نشا
 فاک و کاک و ده لایه مام ایدیکل
 پنجه قلده کیم و افنوه ایدیکور
 مهری یقوتیشا ده خوه ایدیکل
 و یار نده رو بور و صاف مال نوه
 عاقبتیک اویتقال رهبره لمره
 و کله افنوه افسانه ده
 زین قلعتی بویال افنوه جانی
 بر کیم کر باه و خورشید فر
 تاب کر و ده ناک و بن قلعه و ورم
 یا تو بن قمانه قلعتی پامراز
 قه سسک ایاک جانی باه و ورم
 شنبه این قلعه کلک ورم باز
 سکا بیک خوفینک ورم بن زار
 اقور و ی اغزی صومین مهر و
 حو شفا بخش ایتش و ای
 قلب ویر و صفا ی سیم و زر

دست حاصل قلورده این تاب
 دایه جوه اورده خیال بنیادنی
 دید کوه کونده بویه اولدی
 خانه صند طریقه بلبل
 جوه جوانی جانی اولور برهن
 جوه شکر لبل اولور طوطی نرا
 صوم کسمکد ر عله بی انار دکه
 شوله الکی موصو صا بهر زاف
 بر نفس بوکلنی مهر و وفا
 این واروب خاطر دام ایله
 دونه انکی نیک و نیکام
 تاب انیده موی جاف اولور
 سیر و قیدر خورده ایا متیر
 کوه و صحران کاه کوه ریکوه
 برکه تر صده کوه ایلار زشار
 کاه ایولرله سیرانه این لوم
 زرقه صده ایچلوم لقال زاب
 یار نیت صولرله دم دم اقلوم
 صالوبت سرو یار کال کشت این لوم
 برکدورت تندی ایلار و تاب
 ایلدی رول جانده حاتم ادینی
 بن خیفک اندو کیم بودر ضیال
 تاب بودر و غلام صولمستد کالی
 اهل صبی او عانی عده ایلار نفس
 شربت ترکیب اکا اولور عله
 مقتضای سیر و اوله طاهر دکه
 تندر انده تان جانر شام باف
 اله اولدی الیه صفا
 یاقوتین برقی کوه ادرام ایله
 بنجه دنیا جنت عالیا و کرم
 تندی ایلار صدق و تن چاندور
 ای کوه شمه صفا هشتکایید
 جویار بر باهمنی رزم ریکوه
 بنجر زار بلخین کوه رنشار
 کاه تهر لره طیرانه این لوم
 اولم دور صفاده کامیاب
 باشنه اشجار و له اولور باقم
 سیر کوهی واده و نشت این لوم

53
 لاله که قاپت باشنده افسرین
 تشار لاله الشب عیش این لوم
 جلور که لکه این لم طاووسیل
 صوبت انماره یلنجاق این لوم
 طوپنر افله که کوه کوه باه وار
 تشار و کال شزاره اولور مطام
 بویله افسوه ایدوب اوله افسانه
 شاهده دستور اوبوب بوبند
 کرم اولوب ترتیب تمام ایلدی
 الین برقی جواریه و خدم
 ابر شجر اکین کوه و قه سحر
 سیر ایدوب اوله وضع عذر ابراه
 اوقیب ولده جنت نام سین
 من یوتده طاهر اولدی اکتب
 الیه کلشنده دوا و تاج وزیر
 کلکد صفت بولنده مهر و ماه
 جوه حجاب کندی اراده ستر
 اوصه باندی اب جبین کورد جای
 عارضی عکس جوه اورده ایتاب
 چاک مدله ایتلیوب تاج وزیرین
 خوشایله بولشوب این این لم
 نفور که این لوم قفسوبیل
 بنیت افجان سلنجاق این لوم
 لاله خیر اده این لوم کوه و وار
 بوضعار مده بویوب صحت تمام
 سوزجا هر و بیلار اولدی قفس ساز
 جاده حرم خاطر ی خوشه یار
 وانه افسوه صاحب دام ایلدی
 قلدر اولور کوه کوه غری اوم
 اوله الیه ابی قلدر ایلر سحر
 کوه کال کوزی اقدی صوبکی بیاه
 ال اوروب بر بر مقدمه جاسین
 طلعتی و رانه ویره دی قوت تاب
 غیر افسانه ایلدی سنبلاخی
 باهده صفت عجب ابریه سیاه
 وروی جاف عکس تشنه دهی
 مده که اوله جاده طلسمین کور
 ایلدی صوفی تصور ایتاب

میونوب اولده رخ اینه زار بر صفا اولده دلی اینه وار
اوله تنال لطفن کور و ب صوفی و صفی بر تر غزلده مکلده

غزل

صونیده صوبه کیم بر سیم تن کوزله قنق برین بد ۹ این بن جلد تن کوزله
ناب و قبا کوز لاله کیم کوزله کلور اوله بیکم کوزله کا ولا عریا بیکم کوزله
عریا بیکم اوله کاه مخی خوب اوله سکلیم اولور سکلیم با غنم بی بر صبر کوزله
ارسم الین و نسیم ایا غنم بید بر سو وده رک ساعد و ساقه ایلک کوزله
باشنده ایا غنم بر سره او مکلیم بوی طلفت حبه زلف نما یوه بده کوزله
دلشده باهی بیکم یوم سویشم بر سیم بر جوا که تن ابد کوزله
طاووس عرش ایا عکاش باش اوز بر کوزله شوله کله جلور این بو صید کوزله

شوق

اوله جوه ظاهری یولنده اوله قمر بنفرا ایه هماغه قلده یقمر
طوبت بیدر کشیده سیم نیال اندی بو غنم کوهلر باشی نیر
ایلین اوله شام بو یوزده نگاه مدی کوهلر ظاهری اولده نفقاه
صوکیب جوش ایلوب جانده رواه قلده یوشلر صفاسنده رواه

غزل

اگر چه صحنی حجابی بر یار بیدر بر بن این بر ملک کورم طو تر سلیم کوزله
قمر در صحن سحاب لیلی خوب تیش و در کوشه یاطفر شده بقاسنده کوهلر کوزله
ملنی سیمی تابنده اوله عشاق هر یالک و حانه کیسه لوتش التیم هر یالک کوزله

۵۶
نینی عاشق کیم اولش سراسر کوزله زنی مکر خساره تابنده قریب قیام قاور
قنق سرود کاه اندام قیام شمه کله اینه فاشکیم قیامتده کیم کیم کیم کیم
مکر سست اولده بو اهی جگر سوز و غنم ایلکجه لایع جانج کیم حق و در و لیر
ایا غنم صوفی صوفی مکر اوله سر و کلاه اوله بر شمشیر بو تیغ قور و لایع کیم

شوق

جوه طوتندی اوله قمر نیال حجاب صوبه وندی بوی صوفی اوز و تان
صوبه بر تان ایلده اولدم اوزین و دوشون پاینده سور و صوفی و تان
اجده قورین صوفی ایدت جانلر و با صوبین بوی کوهلر طوله ی شوق
بر طلسم اوله صحنه طلی ایا نظر و لعبت اولور سیمایان
لطوب باهی صفت قلده شانه کجوب و درده صبا مانده ماه
افا کوب روی یاری اولده اوله ایه ایدوب قیام اجنی طنده و در
طلفنده جانه سستده دلی تابنده غنم و غنم اوله کاه
دوقف جقه کیده جاپسین قورده اشکنده باه صفا سیمین
میده ایه جاده ایدله جانل سیمین غنم بتر صفا سیمین
فرضی قوت ایندکیم بای اولور صنف هر شب صحنی ایتاب اولور
نالی کس رخصت قمر کیم نولین اوه صفا فرضه توری کیمین
مایدیرنده طوب کور نیلده چاغزوب قدای بر بر سو یلده
میدیک شمشیر اها یاز که بده کرم و له اولده قتی قیامده
تابه و دیر ناز و کور و کاه سایه پر و در شب اساس نیلده

اینک استر طوطی کسب بول
 سرور سیر یجن قلنا نولا
 کوکله بر دم صحتی صحرادر
 مک سیزده کلکوه تنهادر
 حوت استر طوطی کسب تابد
 کالیکه غی زنگه اور تابد
 صوم قوز اوینو طور سوه بوم
 این کالیکه کشت بز بر تجم قدم
 شازوم یلین فی الحاله ای وز
 موصوف و قیوه بکتر کیر وز
 بید و بوب الیه فام هاده اول
 جاده ترکان و برکه بھول
 کرم یار کسر از مال طور یینه
 ایر بده مک بواشکل غورن
 بند لریک عقاب این فرس
 بیل بمر لاه ایل یار هیچ کس
 اچدر پر اوچدر شهباز وار
 کچ یار ورنه و شهر و کوهار
 شیل ایدر کرمه سرعت بر کسیر
 عا جو خیل لده طور و کوشور
 شایسن کور فرم و هر و کرم دیو
 کرمه ایر و فرم کوهه استر دیو
 اکده مک کله طوله قیصوه هاده
 قان کوکله کیده هر و اسما
 شب صحن یولده تله قاه اغلی
 بچم یینه ماه بفره طفلی
 کورمه حاد یار تله کللی
 جلد تله صبر و قزاری قللی
 هر بکا یو کشت لریل ایدوب
 یو جاده صوره لریل ایدوب
 صبر مک اول کور داندی سرر
 کور بده برک اول هاده اثر
 نه اولوش نه ورین بول یار
 جالوم لده زار و خوزه اولدر
 ماتم ایدوب کیده هر و لسیاه
 ایر و ایر شدی کوکا فام داه
 هر برسی صوبه ایدوب قنوتین
 یولده ماچین طاشال مکده یین

عذرا یی هما خایه یار و فام لریل ایدوب
 اختیار غریب و
 قبول یخن و کربت ایدوب روزگار لریل
 صحرای
 طبع یین زنگه خاشنم قنوتی
 او سیما اولد قارید
 ره نوزده کشوره افسانه ناکه
 بیل یزیش غریب اولد فام ناکه
 چونک شهباز جوب اوچدی و کیر
 کرمه حاد یار قیوشت و کیر
 کچم کونند اوچ کوه اقام اندر
 عا جو او بوب شاه اعلام اندر
 شاه ایدوب تاجی اور و ییل
 بیکار صله کیم یانم ایله رود
 اولد لوه کوه ارایه فام فشا
 مک و بر ری اوچ قوشده نه
 جلمی نویند اولد مک کیر
 شاه لکن اور و بر یار و
 ویدر اندک و لو جاده طبلر
 یار کیم یار کیم روز شبر
 جویار صوم ایدوب صوم نام
 استک باهی ویش اولد باهی تمام
 برج اشجاره اراد و سرتر
 بولده اولد طایرک جاده اثر
 قالمده بوراه غنم طایر و طاش
 کیم اکاز اور مدح و رو یل یین
 کیر بده سیف اولد کوهار
 او فرز کیم کند و ایا غن کل
 و کلوبه شاه ایلده و رو یل
 نار اینه کوننده هر و یاه
 ویدر عیش کلین و بوم یل
 یخ فار او لریل غن کیم بیل
 اولد غزای قنق اصلا فقه
 قوز و جاع ککه و راده فقه
 صده غم شازار یین یی
 یار بده کیم اه و زار یی یی
 جقه صیش اغلقده غم کال
 کیم شبته نوز صوم و کل

بنجوه اوله ماه اندک اختر سرفو شاه اولن ایله کنگه سرفو
 بویل دیوب قلدی باتیم لیلی خانه دیلم بزنده اوله جانو جهانه
 کنگه اوده کوه کیه کوندز بیقرار مایه اسکین یانین شایه وار
 اوده برک کوه کورده یاقوشوده بر بضم شهر و پر بر و بدده
 جنت علیا کیه کرمده نههار ملک و نیاکسی و تم سوادره
 طلعت روشن تقایس ملکشار طینتی کلشن هوا سی جاده فرا
 کورده اوده و روغی و و وار کورده اوده کدر صبر و قرار
 کورجه عذر اود شاهی اوله شاه بند و غده حاطی بولده کنگه
 اتمشده و راه جانینه کار لیکه طور و فی سر و ی عشق یار
 بتر و شهر و طف و سورده ات صورتی امین و ید یار شهر کنگه
 کورده شهر اوجنم بر خوش بینه روستایا کیه نورش موزده
 جنبر ایتلی قاتین خلیقه و ش رقص ایدر و فی صبرینده کشت
 صلی و روشن بینه سنده تابدار هور کرمده ابلکنده شرمسار
 اوتور بجمع ایدر زاری بیلم دور شرو و راه کیه کاری ابل
 الننگه چینی رخسار کلهی راه صدق و استقامت استکبر
 کشت زار عمره اولن بر فی زار ابل سر سبز و پروغی زرد و زار
 کیم سن آفتاب قلمش نور هور چهر سنده روشن آثار خلق
 مین سی اولن صفت لیل و وار چشم ایتلی انتظار هوت جار
 من ارمده نوجو انوح سوزن رسته کنگه غم و کنت تین

56
 عیش و نوش و اسکو این ماکور جلد بوزنده کترش روزگار
 وارین و یرمه اکا عذر اسلاک تله غنچه الف قدیمی لام
 و یدیه ایه یاور غریب و کتورز نار غنچه و یاقوت خاکسوز
 باه یاقوت المده روز و شب حاله روز و در و غنچه روز
 دج ایدر بر دم انالوح ایلکله انالوح و شنالوح ایلکله
 بود یار کیم بلز نزل کهرن تنگی و خانه و ر باطنی رهن
 لطف ایدر بر کوشه اصابع کله دره بند زرع و ده راه ایدر
 قلدرب سریش فده و لایجه هاه کورده اکه ماه طلعت نوجوا
 برینگی فری همار خشی سحاب بیرویه ماه نوسینه یاقوت
 دیور بنش مشک بلقیس سبا یاکله تر و قیوت قجن صبا
 و یدیه نولا لطف ایدر باغده نور ویر سکوز بنز لکله و رویش نور
 بیر کزیم بیر کوز لصف نهام قلمکوز صحنه هور یوسف شام
 یمن هور سز بکوه جنت کرکله خانه و رویش نهام کرکله
 خار و فسه کولک لکله کالی کیه اوتر تشریف ایدر کبلای کیه
 رنضکوز و کلسوه ارام ایلکوز صم ایرینجه صحنه شام ایلکوز
 عار فلک خانه و رویشده قاجا کوز و ساز اودور و رنجه
 شهر یاره سر سبز ابر سیر او ترا سیر یونین یاغور کیه
 بیله زنده هور بولطف کورور اینن عذر ایلکوز بوز سوز
 قلدرب کوشه ی ارام و کاه حکم و قدرت ستر ایلکوز

اگر کج گشت سحر لیدی تصور / ایلده که ویرانه یی جایه حضور
 که کلک قصه قلورسن خار و زار / بلبله که کلشن ایه خوار زار
 کاه که دوزخ قلورسن کلشنی / که بوکا قنجه ایدرسن کلشنی
 انقالب اوشن در حاله جهانه / بی تغییر بکویه فاکلدر مهانه
 عذری نازنین خانه یی بین / **ز نوح هفتکام شامده و آینه**
 صبح باده که این و حنین / **ایده اسماء زمین بر لافان سوله**
 خانه یی حاله جوینر ل قلد که مار / باند که غم بکویت ستر سهر
 دین ایلخ المده طوله جوفه / دماغ غده بفره باجه اولده خواجه
 صبح که روده دانه یی دام ایلده / و غ و باهی جلا ارام ایلده
 عالمک الدی د لیلن ظلمت تمام / نارغ اولده کفنه و لوده خاقن عام
 کلیم بفرجه عذر اید خواب / و اقلک اهری ورنده اور و تان
 باشد بکویه اید مین باده این / جانوده لده یی کیم ز یاد این
 ایلده ایلچین قافه یاشن رواد / مودا هنده بوشه اسماء
 کاه نیده شمع مالین اغلیو / سوله که کاه باده بفره طفلیو
 جاده و لده ارنورب افغانن / بکویه اوده یی کیم یقده جانن
 اسماء کورده طوله یی اوده یی / جهنم عالم بزنده مود
 موده میده ایه نلکه اهر و کتن / اوده اورب کلر ایلر اسرین
 اوده نیده کل بکوز ایه نه / یسین مود سیاهه بنوم
 طالعان بختده اولده سیاه / جاکلی اوده اتش ستارح اوده واه

شام و در و دغ یی بوخار بکا / طالع و بوخار کونار بکا
 شب کلدر بوسید روده یی مود / جانن الما بختده بر یی مود
 یوسف سهار کواکبه بوشب / فلک قالمشید جسمه یی
 صبح و صبح کین قلب ماکیلریت / بکوز اوده جام بکشد کلشن
 ره یی مود و باله ایدون زک / بقله و کور و وان سنی کلدوزک
 ایلکنش کور اولده کله کله سن / زیره کاکه مود و غ افرکان
 بر نفا کور ستر جا کله عالم / بستر اند که کنتی بن بر غده
 دود مین ایه غوغی صبح کاه / زین و ادشب اشتر با کله آه
 نمن سن ایه کوش شایه نال غوغی / بنوده اتلر سن بوشن کس جوش
 جسمه اچ او بکوده ایه اهر غوغی / ایل جانن کس ایه ذال لمر
 ایه مؤفین بوشب اولم یی صبا / غده اولم اوده یی علی افله
 بوقیده ایه شام کنت کوندوزک / طود سحر و یوسر کنته بوزک
 باکجه یی یارالم تیرمیدک / شام فرقه مود و غ بقرمیدک
 بولمه دافنه ایدی سبشم / یوقی برده و کنت قافه یاشم
 قونجه جاننده ۲ اسرین بنم / بفره یی ایه و ربه یقده کتنم
 کونج بیکه کوقصه ایدرسن بکشم / بوم اغور قتر سن لشم
 اتش بدرس قانجه روتش / سحر ایدرسن جانجه نه کتب
 بر قش قانمال قونک طوبی / ساک بکوز یاشن قانغ قوی
 بلش اوله ضرا بلز اهم کما / قوی یی بوم ایه اللهم کما

اهرم و یا شمع اوبه نشت که
 بر نفس کلزایشتر سن بکها
 اوبه پیر او و که اهرم بی
 نیدریع اش مشب جاده نمودن
 در و غدر بود و غده فاقن
 ایلیم وصال هوا سی بر نزل
 که و که اولسیه او و که باکیار
 نیده و الحاصل بود و بر ناله
 و نده یوز یار که خیالنده بکها
 ویده ای غده بنی زار ایلان
 بیزم طویدیک در و مده : نغم
 الله کی یوزی مالده خبر
 یوز کرده و دش و که سنگیلان
 چشمکها در و با جانده حسیع
 صد کاهه حایلین چونه سور فرین اه
 صوبییر مهر ایتمکی با هم کها
 بکر زای خانه سن طشند ریوز که
 ناله سنده ابل اوله فرغل خدر
 باد ابلده صیقین ای لعله کال

اشکال چشم قنوج و مور که صفین
خون عاشر کینه و مور که صفین
بر نفس و مر عراندۀ اله و وار
سرو و مور کبکی اوله کاه و وار
با غل و سکه ده بدایغ صفین
کوه کبکی و و تلوم بدار که کورم
لبار که ده نوش ایدم ابو کیت
ایدم ای جاده بیکله توغ کمر
او توغ می شیده افنوه فاکل
بسع ایدم جانلی لبالب جا بل
و بر کاک و سکه لبشده اوله اول
روز و شب دیوانه لقه صفین
له مال کج از مری سود آیل
بنفین خواجغ فیا کله رنج
رخاک ده انش افشاند و لم
شده و روده اتز کشف حال
سویلز چاک کجیا بنج سحر
ایلم مرم بیان با حجاب
شاید ایدم اثر سوزم سکا
ما انکباری یقیده لاله وار

شید طاقلوح ویرور کوکلم وین
 یوله اوور مشهور ویرور لده اول
 مهر اووه جافه و جگر بریاده
 نور فرم بوتابده ایرب ضیاله
 کاموش بقسوه بنی بونارغ
 مهر و جواهره ایلوت چوکانوک
 ایلوب بوسمه اهنه و ناله
 کورده اثاره سحر ایتیش لور
 یوز اورب وریا ویدی یا امد
 کوزه کس روشن سکا هر از جافه
 سوز و سازم بیت عیانده طایر
 اولده بویولم غده جافه قشاده
 چوه طیکده حامل اولور هر اید
 صبح و لطفکده بنور قالی شمع
 بختی شایم صبا و الحیر قالی
 روح قالی لطفکده جان زار و
 ای روی غصه حاکه اولده
 دردم اغالیان ایرشد برنی
 اولده بوناله یزار کس تمام
 کسکا و اخ صوبند رغوغ الیه
 و شمع کس که درر ایلده اول
 باهی زار و مهری سر کرده اید
 برکن باهی مهر ابرم بهاله
 و شکله اولهوه بر داند کج
 باشا طوب ایلوه میدانوک
 کمال یوزنه صیحه اشکال زار
 اوج اورب طایب کلور وریا
 عاج و بجان مع سنده درم
 لطف و لفا کتدر بر هر از جافه
 بحر و خیرتده یوز اورم قایل
 لطف ایدوب ویر یار جافه شاده
 بو تفکال بابیوه فتح اید طیلد
 کوزه کس بقده تنغ تابیه تنغ
 طالع الحی سفاوت سیر قالی
 یا شان ویریا وصال اید یاره
 روی بوشی عصمت چاکه اولده
 محمد و خوار ایرشد برنی
 طوغه خورشید بشارت انبسام

انسان لقا ایلوب هر جافه اول
 شاه خوباد و لیدر حبیب سیر
 شهر مهر به صلبه خانه سیر زخم ماه و درده و فتنه جان
 عذر انکارینال متفقاج اید بر سر کند شکر بن سوبند کتاره
 و غم سیر کوه و شکاره صکایت بلسه کار بیدر
 بویا راهنم اوله جافه قشاده
 مکشاده محمد اولوب سیر لیس
 بنم کونلور و سار کوه ایدوب
 کاه کوه کاه واده کاه وشت
 اخ اندم اخی دور روزیه کار
 اوله محکم ایدوب عذر انیاز
 المیفیوه هر ایشیاده اثر
 لاله کس قافه بویب کال یوزینه
 راه درم و غنغ فکر و انتظار
 کورده و شومده کلور ایل خیا
 جافه و لده اید بر درم بدم
 یوز رنده اشفاق اکلتور
 عشق اووی چونک درونده آتاج
 ایلک لازم و فکر توصیفنی
 بویا قفصه اصلنده نشاده
 لوتده طرب راهنی جوه و لیدر
 چشمی قافه یوز بریاده ایدوب
 کتدر و رده یل بجه قلدی کشر
 سوج ایدوب صله هر کس شاد
 قفصه غنغ انمشده و لده سوز
 بکلیجه راه رورده خبر
 ترکس ایدوب یوله مکشده کوز
 درم سن چار انمشده نقال وار
 هر برینکاشکال بانده وصال
 درم و غنغ یوز و مکشال علم
 سوز رنده روشنائی اکلتور
 جلال برده و و ایل افتاب
 کند ایل کند شکر تفریقنی

ویرده

کور بکاه عذر ای دخی و لیدیر	کوه کبی کلین و به اولده بئر
جایه طلبند که سوندی خاطرک	نام ایارکن او نده خاطرک
اول بجه برانسد مدم اول عام	صورت عذر ای کور بند که تمام
نقشن مهر اتمندی جانینه	ایر جاک عذر اناکه اولدم یانینه
قولبت و لده طریقی فکر تی	عصا یازانینه اوردهی عبرتی
دیده اوله تفنگ بوور کرناهیسی	لیک کلک ضعیف و قدرت قاه سیسی
ایه باها بوچه نیرینه عجب	بوور ابا هیت و نکلر و صبر
محمده الباس اولمش اقصه	اشنالو کوستر بو یوز هیل
بیل فکر ایارکن اوله سرو و خام	بوک کتب عذر الکاویردی سالهم
دیده قانند در کلشن ای اختیار	دیدی غم جگر دم اول کتخ یار
دیده غم اسکر اولور ای اناه	دیده بحد فوج اولور غده غم
دیده اشک بزم اوله غده بیضا	دیده چهره سر اسر و عیاضه
دیده یوقندر اکا قه و کرایه	دیدی وصال یار و یار که جاده
دیدی عاقله ترک جاده انکال حاله	دیده اولدر عاشقچه صبر حاله
دیدی ایارکی بوتن جانر حضور	دیدی اولمز جانر جانانر حضور
دیدی بوتنی وصال و لبرده رضا	دیدی شمع بجر و در سو و قضا
دیده کور بک اولدی بریزین	دیدی اولدر رشک ایده قاه کوفه
دیدی اوله بجره و کلکی جاده نشانه	دیدی وصال اتمینید صبح جاده

دیدی وراره قهر بیل بک سن	دیدی فوج اتم کوننده کیم سن
دیده فکر و طرقت رامت قینی	دیدی کوز بیل بیل صبر بودم ای
دیده ساق کیم ادورس یا یمال	دیدی بجر انده بتر اولوح حاله
دیدی ویر سکی کوی و لبرده صبر	دیده ویر و صبر تو فوف و صبر
دیده عشقنه نصاج جاندر	دیدی اوله بو صا بی جاندر
دیدی خواب ای کور ریس نوزده	دیده عشق ای کیم قوی کونوزده
دیده جانک ای عشق بچه ویر	دیدی طشاک کنگر نده بود ویر
دیدی اوله حاله اشک کشف حاله	دیدی مهر و زده وصف ای کمال حاله
دیدی خریال نشان سویلسر	دیدی ویر اجهنگ باین سویلسر
دیدی اکا بی شالقه نشانه	دیدی کوندر جاده شالقه نشانه
دیدی یوزده کایله عذر افکار	دیدی اوله دلیر جواچی مستکار
دیدی عذر الوین چرن و لین	دیدی واریس بو حال ایدر جاده اشکلن
دیدی تکلف ایلیوب اوله سرو نمان	دیدی اوله باکال نر و لجه نیاز
دیدی اولدر ای دیوین قبوله	دیدی یوز لطفیل رختنده نروله
دیدی زباله ای اربوب شاک و کام	دیدی کیم عذر ایدر تمام
دیدی حاص ایلیوب او تورویک	دیدی صبر کور و یار
دیدی شاکن سویله عذر اتم	دیدی کیم بچه جانن قلده ام
دیدی اوغاینه عشق اولد ویش	دیدی لیر نیلک ایدی وایو اولد ویش
دیدی اوله سوز لری ایدر کیم کوش	دیدی اناکه اوج ارب ایلی کوش

نالسن اهنه اهنر ایلوب
 بیل ایلوبه و لو جانده ففاده
 چوه سخی ایشده جانانه یانه
 ولیدر ایدوب و لو جانده خوش
 و یحیح و زو که و واسفان نشانه
 سبکتر ز جانی فهم اندم تمام
 ورم و غنچه یترایه اده و اففاده
 الله اده بشله ی تقریم اول
 و انشاک ورم و ورون سولید
 صورتی نقشن کورب زار اولد و غن
 دین کر یاده سیند بر یاده قلده و غن
 بیغ زوی و لایها کانی قصه شن
 سوکه نشن ایلوب بر بر یاده
 جوک غنر اولد بیایه کلدی
 ویدیه ای طویل کبی ستر بیایه
 ففره که سن سوز رو که ارضیات
 جمیع اوره که بغوی خوه ایلکه
 بیغ و قلده که بیغ اوره که یان بیی
 بیلد یوب سینده و خوش ایلکه

شین من قاتین فیکه ایلوب
 بنم اففاده بغوی ایلوبه قاده
 شاه چین فرزند و ایلوبه اده
 ویدیه ای جانده با که طوفان کوشش
 ایلوبه جانکه صفیله بیایه
 و غنچه ویدیه بر یحیح کلدی
 و یحیح طایر که اولد جانده نشانه
 زید و اصفای و قصه ی تقوی اول
 غنچه جانده و ولده شرو ایلد
 عشق را همن طلبکار اولد و غن
 ورم و صرت بغوی قانی قلده و غن
 و یحیح تور و ارم شرو که قصه شن
 کند و نکه ورم و من منی قلده عیاده
 که سوندیه یار کوه کاه اکلدی
 همه اکین و یرو که و کج صیده جانده
 بر نه اهلک یا غنچه و غنچه و غنچه
 صبری کی غنچه افروزه ایلد و ک
 بدتر ایلد که بودی صیده یان بیی
 جکده اولد جانده و راغوش ایلد

سوره یوزده یوزنه ایدیه کوزین
 ویدیه بو چشمه کورده کانی سن
 جانغ اولسوه چشمه کورده کانی سن
 طایوب بو نینه زلفی بیکه ال
 یله باشده باشله جانانه شوره
 است او یورده اعلی کورده اولد
 صبرده اغرقه سار خوار اولد
 لاهورده عشق عالنده صبر
 که دمنده ایلدیه یار جانده
 با مصال افشا به که اولد کوه تمام
 فکر یار یار یحیح بو غن
 ایکه عهده و اولیج بر یحیح جمیع
 جوک افشام ارمه هر ایدیه غن
 ینده ورم و خیر قیام الله یار
 سینه لاهور ایدوب کال کبی
 یندیه غن افشاده لاله وار
 یوبیوب ترکسینی بر نظر
 طلقننه چوه سحر ایدیه نقاب
 ویدیه غن را ای نکه و لغوز

بنمده یازده کلدی کوزین
 سیر قلده که طلعه و لدر ی سن
 کج بکادیه ی سن که بیکر جانده بودم
 سبلده جانده عقده سن ایلد و ک
 که کولدر و رفیق که ورمه سوره
 طویتر یار لاله طامنده اولد
 یوزنه سار یار خور اولد
 کاه جنی بر کال لنده صبر
 که غنچه اکلدیه ی ورمه کال
 کفیه و کوه اولد یوزنه و لاله
 یار یار سوز لاله و ایدیه
 و ارسوز او کرسوز اوده و لاله
 و یرو و یرو عالم ظلمه کورب
 جانده و ولده اده و فریار ایدیه
 ایلدیه لاله و بلبل کبی
 و کلدیه کوز نیلانی ز لاله وار
 قلده لاله ی یقار تا سحر
 اولدیه عالم بهر یحیح بر افش
 کوه کبی اولدیه عیاده ایلد

صبر و یقین بر ساعت حال عاشقی آرام ده از پی حال
 طور یوقار و طالب یار اولم کیم کونند زیار غی از اولم
 یا بولار یا قالدوز ترک حیا اینم زارم قلم کشت جها
 روز شب اولم و در سکر ارمید هر نفس ایمن کر که میتر بلند
 پرو بانی از کمال همتر دور قدر و جاهن عالمک همتر دور
 پیرم و میده یار طایر کرم رای پیر اندک حق شکلا قولای
 عهد و عهد ایند لاله بوکلا اول حاصل اولم ایند وار
 رای او در کج شمع بونده کیوم غم رای کوه البرز ایند وز
 لا مجانده لقصه کج لوب خبر بولوز مقصود اول خانه ظفر
 بود ام که بوق قلد بر بوی لاوم بر خار اولور و صلی کل
 ایریکه البرز راه اساه اولور لا مجانده بین جوق لصاد اولور
 بیدور لنگار و این بی خالین جد و عهد و سیمز اولم کز لاف
 لا مجانده اولم نه قوی لا مجانده رنم در حاصل اولور مقصود جاده
 بخش غنای لحن بال و پر بنج کوهی قافه در بقدر حال
 ارمی اولم کر که میو ویر یا نینکر اینم فیض و اوری
 ای تاه بکنشکر ایدت قافه اول اگر و این هوامه در چوبوله
 لیکه لکندر و رب البرز بین این وز کتی دها یوه روز بنز
 میده رای پیر ایدی الصلح سکه ایدی و کراوه روز بیکر اید
 پس ایدوب اولم بی جانده انباء پیر و زده اسکینه قلد یار و و اع

عاقبتک اید جوازه ایدی بین سن تالو یاب اول سن بدین سن
 رجم قونم قدر غفل جوازه پیر لکجه بالفعل و جای جها
 حال دور لکج قواضوس اکا مقوله و بوکالوس
 ایاد اسمانده ماه و سال جاده اوکت بر سفید اید قلد
 انویکجه بر مفا یقدر و لی بی توقف حل ایدر هر مشکل
 غم توز که کینه قلمش ماینی قلد المزله و مایهک ماینی
 عذر او و لیزر میده پیر لکجه کارل در بایه ثمانه ایدت بخار
 هم کشتی اوبت و اوج و لکلی فر قنده کشتی بلنح و ده و نین
 ایلمن بویک سوز فلک غیا بویلا ایدی قصه لکجه با قافه
 جوکم غم راه ایدوب اوله چار ایدیلار و در و غریب اختیار
 جکر لکجه جها نه کرم و کاد سیاه و کینه ککر و در و
 اور و ریال کبی خاک و ابوز و دت لکجه سوز و تاب یوز
 میده یار کوه و دشت و صلی منزل و استوبوغ ز راه و قطر
 اتموب بر یقه ایلک کوه مقام سر و درمتر الله غنی صلی و نام
 ایرتیب بر چین سحر بر جوش و مع ساحل و در بایه بیه یار قدم
 نور و در جوش جها نه اوج اب و فخر و ده اگر نیر صبا
 کوسرین دور لکجه سر غرض لکجه ای شوب کشتی فیض و وضو لکجه
 جو فیل و موشه بولم و درنی مهر ایاد موشه کور و غوری

سوز غم و در و نین

سیاه و غنچه مبدع جانم خوش
 شورش و تلخ کام و فک لب
 درم و خنده کوکام و تلخ بوزه
 بر بوم ایلام مینه عالمی
 اندام بکشاکش و توب افات خود
 با صفا و ریاض جوئی بیدار
 کورم در ساحل بقلوب بر کمی
 جاده آبت اول مجو اوزن ایراد
 ایلوب ارباب کشتی شواله
 و سنی عمانش اول بر کار
 وید یال بزمی و افی ایلک قبول
 بزمی بخاری بر و بحر بیدار
 کشتی اید کن بر جمال و مهر اچین
 قور تر بیکه صفا و درم یال بیل
 لطف کوز بوم اول و سببش یار
 ایشون ماور اول کشتی شواله
 کورم در براتی جوان در خوب
 کوسون سیر قلل یال اگر لم قام
 لشکره تهره شینه الدیار
 سینه عاشق کبی ایل خروش
 مهر و شورش لوز لافه می بر تابش
 کورتور و برده بی جانم اوزده
 جاده فاهص ایتیم غنچه اولی
 سر سرتیورم در افال کچه خود
 طوبت اول بحر و کانه کندی
 مرغ و با همی او شمش امانی
 خاطر اولش کیمیکه کورم یار
 یل یار یکسره ایشی و حاله
 تابو قارم زمین ایشی نور
 اید و کده خدمت ندر بولسور
 شرمه اری بکله و باله و درم
 غارت اسد مالز قطاع چین
 بوز فتنه اوله یال بایش
 اوز کیم اولیا در سینی یار
 روح اید و کوسور در ستر بوزه
 یل سینی جانیا وید کیم بوز
 ایتیم لطفال هر بوز و کلام
 باد باه ایلوب کیمی سورم یار

پنجسی کشتی فکله و شش تیز ریو
 اید سیر لافه قصیدین اید و بچاله
 صحرای مفتول جابیل کیمی
 با فایه و رفشی کوه کبی اول
 کار بازه و فضا باز حایلی
 نندیر و نه ویر و سیر
 صوفی سیر ایتی نوه و الفلم
 ایلوبن اول کشتی القصصات
 اندرین قوی زمین موم من
 مرغ با ننه ایلوب اول کشتی طیر
 ایلک اوله ایلک عزیز و ستمام
 درم و غنچه اکلب شام و سحر
 جاکه اید و بحد زاکریه برکها
 و اید و پیر اورت ویر جاکر
 سلاک یالجه و صنور درم و عین
 میر لوبه یالجه و غی بیکوز
 ارق صانع اولسوه نه غاسکار
 غم کله رجوه ساه و سدر وجود
 کرم زاره باعث رهت او نور
 غیر تنده او و یا نیش ماه نو
 کانی کشت ریدر غنقا شاله
 خلقة باشی اکمر اما بیل کیمی
 کشته سیری طاکم و ما هیدول
 لیکه اسبابی رسن باز الی
 سیرنی و کشتی قلور اول تر بر
 نوب سیم هر دم ایل بر رنج
 ایلک کشتی قلده سیری کانیات
 ایز کرب و فو برینه سار سره
 بر خا کوه قلدرم ریای سیر
 جانود لده ایل بیدی نالار
 و لیدر ایلده افقافه بریکه
 غلامده ایلک کشتی بی خیر
 یا غمین بلزغی عشق و مین
 کشته ایل و حاصال اولم بیکوز
 باش اسن اولسوه بولینر بیکوز
 هر نفس شکر ایلوب اید و کچه
 شکر دریم چالبت نفی او نور

ایلیوت بزمه فی تلیس و کار
 ویر زیده بنم نوم یوق اختیار
 خوش بقوب دره یل کشتی بکشد
 غرق او نوزده بر یکوز بکشد
 بوتله دره ناله اوله ایله ده
 ناله واه ایدریده چو ضراه
 اوله غزله خواجه اوله ایله ده
 بوانکه شعریه ویردی حوس
 کوش ایدم در سکا بوم اوله درک
 بودر لشکار عذرانکه برک

غزله عذر

کمال کبی صفت سینی صد یان ایلده
 بنده شکسته لبه اوان ایلده
 رفقه شبنم لاله زخده قلبه خدا
 قدم مهاله و اشکمی تیانه ایلده
 صده که باله کینرینه کوکلی کینس
 سنگ صفایه اورده و صد یان ایلده
 اید که باله کینرینه بیلان صحرای
 اغیار ایدرجه اشک یان ایلده
 درم و باله و صحرای و غنا جا ریختم کوکوه
 درم زب غم جان بیجان ایلده و که
 شو عذراده جوده اوله که قفیر
 مکمل غزاجوانی دلنیر

غزله دلنیر

دلفان کبی بو کوکلی اوان ایلده
 غده و شکسته یوز یان ایلده
 غرور کار نیاکه بنی ویرب الیه
 ده فلکی جناب و ش اوان ایلده
 کشتی جانده فتح در صبر بکینس
 افی اورب صده بونی صد یان ایلده
 بوجاه بکینیده بکاه رزیه خور
 زلفک الیه ویرمینی اوان ایلده
 درم که صفایه و صحرای بکین
 غرقاب غ قلبه بنی بیجان ایلده

راهجه بر بقدر بر یار و طلب
 وایق جویاده رولت جوا
 هه طیرا ایدرکن در یان عیانم
 عذراده و بندر کشتی
 ایچنم و من لایق دیوب ناله و
 یان و زار و
 عینن شکر اوله کشتی یبرخوین
 به کعبه موقار ایدر
 عورت ایلدین بو قصه یی
 نقد و بوسه و برش قصه یی
 اوله زانک و کشفه لایجه
 وایق بوله یورکن صده جا
 قاپون تلمشه عزم کوه و قاف
 جوق عالم و اینشده اوله عالم ایلده
 صن تدبیر یار شاهی نیکه و نام
 یولشده صحت و قوت تمام
 عشق عذر ایلکه اندک به جمع
 صابویده مین ده اسکندرم
 روز و شب ایلمه فریاد این
 بیل آکلده یلنوب و خورین
 آلد و غم و لیدر و کاسی
 اومه یازده و نوجاه و تنی
 نورو اوله اهو اینش لایجه
 یلنوب یلنوب طلب اومه نوجاه
 لب ایدر ده و یاری یعنی روز و
 سو سو اوله باهی ایلمه ی طلب
 ایلکه ریده قوشنوب هوزا کبی
 برکن اوله هر و هر ارا کبی
 ایلر یکن اوج کوه و نده کز
 بو قلمده یکار ایدر نظر
 کورس بر عانی کل بر اده لیدر
 ارف و ش و ریا بوزده یوازه ایدر
 تله در کج اوزن افع بر لیدر
 ایچ جوش و غلغاله دم بر لیدر
 جلدی عزم نهاده و بی باله
 ان بهه ایلکه جاده بر کشته خاله
 چاقون بریده ابر و کین یاستی
 کوز رنده اقدر قنوباش

بیری و آبی و بیو ایلا و دو واه
 مروه و ماه او نور و طانده سیاه
 بیری و آبی و بیو ایلا سینه جا که
 نالسی ایرش سکه تاسما که
 مانه جا صلی او نور بجه شور
 غلنده اهل نشی بر فتور
 لاهجه چوه اول ز فیرو کله
 بوی یانده جانده لده کله
 و آبی و آبی لده لکه کوش
 سینه و ریالین تله و دوش
 پس سحاب این طوب کوه نو
 موه مکش کس ایو کوه یوزه
 نور لیوب لده واه لاهجه
 بیلگی هر تکه و ارقوم جا
 سرش و ریایوزه طند طوبه
 اهل کشتی جلتن آتیه کاه
 بام باه ایرشوب طوبه اول
 بحر طغیانه ایلیب چوشاه اول
 چارینج و حیرت اول جاناک
 نو کله ایر کوره هر لافاناک
 ایله یال کرچه و هم بی کراه
 کور مدیال لیکه و ریاه زیاده
 زیتوب بر قطره و ریاضطراب
 ایریبوب کشتی بهر کز انقلاط
 بر لوب پرواز و درکن ناگاه
 ای کورده لکه کور تله طه
 باین یال قور و ترمی یکی
 روشن آتیه مهر تاباه عالمی
 کورده رماشوق صفه بر کوه
 کشتی بی اسفندی و اراش کمار
 نحس کمار و جنته بدل
 جتن یام لنگه اوله به حال
 و تفویجده و کوه نهار
 کوره افی ایلمز فرحسی یام
 جهن و ریایه حایه عنبرین
 خاتم کرده و نه باشی نکین
 پیش راره صند و عود و بق
 جو بیارده جوش بر جوش دوم

ایله یال

صالیزستان چشم لهوری
 یو کر شور و یال جکی تهوری
 سور یکجه عسرت و بیاه
 این جو اولش طهور عالمی
 جلی ایلا بر یکا طاه و سال
 نفایا بر یکا تهنو سال
 سیر لینه موه او نور صری قور
 کوش ابده ام هم تلم اختیار
 بر که تر کف چار او نیار سکون
 غنچ روم بسته کلان قاز او غون
 سرور صیر آه صور بقر آر
 لاله سر است و ز کمر خار
 ز بنفشک سیمین قباغی بر شراب
 سوسنی از اقامه است و خراب
 لاله و گل عکس اول لینه
 و لایغ فوین کس و کشت سینه
 گچ کس سمن کله من یاسمن
 تراله روزش اکا و سه شین
 بات ایروب حکم سکه یلدیزین
 کوک بک تمش چنار یوزین
 موه لای سینه عشاق وار
 ایلمز کلانده و بهر بر شرار
 نو بهاریده لکه میا فردش
 ایلمش اشجاره یکسر قل پوس
 ضمیمه یوزیده کوپا هر و رخت
 بر که تر کو نلک فی سیرده کت
 اهل کشتی چونکه کورده اوله یک
 شاه و قورم طش حقه هر یک
 سیم ایروب حق یوزر سورده یال
 عسرتیجه قید صفت کورده یال
 برنم ایروب تاک قنار جانده جا
 نیلده انال سیرایه لاهجه
 جاکسن فرسولیت ویره ساهم
 هر برینه اده به قدر احتراح
 میده که کورده بود کله ستره راه
 لیکه صله بی سوج ابد بر لطف
 فضل مقده سینه ماله کله کوز
 غیر مقدم خار و خنده کله کوز

ک

بود بار که کرد بر سالار یوز
 یکم بوند ز یکم همایه در یوز
 به تکلف در قتلو ایست
 منیع غنچه در رسوم و دین
 اندر بونام و فی اوله لطف سر
 اله اورب یا یلیه بی هر کهر
 صومعه بونامه و بنس لایها
 ای صفاق و فی بونامه بایک جاده
 جابونم لده اوله ایکه با تمرفه
 جاکوز عیش و مضاعفه هم زده
 ویدر ای شهر یاری کا کهار
 راده ز نال غارت انش با لینی
 بونده ارتق قباله و قالی بکروز
 شاه اگر مقصود اید کشفه
 سنج نشاید کج حاله ایتش اوله
 مدعه ایدوب قباله و قالی ایتش
 سینه به نهم لای قلدیه لای صفا
 ویدر کلکسوه ایدر اوله ایکه جاده
 صومعه باشد که نذر بوغ سینه
 نجه رهند و سوره با نهم سینه
 روم کوزنی کس جانده سینه
 ناله کوز سونه نهانده سینه
 جاده ایجنده در بواوه و در کوز
 ملن بوقدر ابو کله که کوز
 مالک طوز بیایه ایلر سس کوز
 کوزه کله زاری عیاده ایلر سس کوز
 دارا اینهم کج ایدوب و باده سینه
 المشکک بلیه ویرم جاده سینه
 یوز و رورب عذر ایدیه ایچمه
 و بهی شاه اوله ویدر کج باده
 سوبلسک بلار و کتر ققد فر
 و نر استر و بهی و تر غفر
 سینه نقد بود و راجده سینه
 خلقه تشنه و قضا صده سینه

66
 بود که شهم کرده و نه صفا
 کام بخش و کاه و کاه
 هیچ و آفنده انشش سبکی
 راده و مرم و غده سیر انشش
 یا بادی بهمن ام یوز جواره
 هر بر کسایه و هر الله بویه قاه
 لطف ایدوب بویر سوه انار صواب
 یخ کشف حالم و زنا صواب
 اکلیوب احوال اولدم لایها
 مید که کوشن اید سوزم ای جابونه
 شاه چینی او غلبه و این وید کاکل
 شده بالمش و مکه وید و کاکل
 جک غنیمت و آتک بن یار سیم
 جابونم لده روز شب غزل سیم
 کوهی تان ایچ بکوه صحت سیم
 جاذغ یار یلدن راضی سیم
 اتم اشتکیده در لایها
 بن لکایع بنیم یار جاده
 شاه چینی امین چو عذر اندکی کوش
 قلعه صبر و قرار که کتده هوش
 نقطه قاهره و لایوب و شدی یوز
 اود لوله ایدوب تیرم و کتدین
 کورده های تیا می لایها
 اولدم رقت ایلوب اشتقه قاه
 و ایدوب و نیت ایدی بلشین ویزینه
 اه ایدوب سروی یوزینی یوزینه
 ایلر و دارب بهاندم و لیدر
 لایها فی قصه و قلدیه ضیر
 ویدر اوله صورتیکه اولدی قندک
 نقشیده بو جائز ایت روشن نظر
 بودر و مقصود و این بهایها
 جابونم لده اکم علقه بو جاده
 اصل و زعن بهی حکایت ایلدی
 کاه سکر و کاه شکایت ایلدی
 شاه اولوب بو حال جانده لایها
 بلدی حاصل اولد غنر مقصود قاه
 سید یار ویند عذر انار کلکوب
 قالد یار بو حال جاده سیم و کاکل

قلدر به شرمیل باش اوله نواز	سوز به لاشا سنده اوله یه عیار
ریلیوب و بکو یلقا لاهیجه	ویدیگ اینه دور و بوسوزجه
سوز شمع بترجیه حاجت و کاه	ینقا حالن زیاده حاجت و کاه
زصحن کشیده ارسند فتور	بروم ارام ایلیب اید که حضور
وارورر بوییمه لاهه خانه	عشرچوه ورتو کاشانه اوز
کریم ابرام و زخمه سیر	جانم لده لیکل اینه سیر
یوز سرب بر خط خد استر ایه	یان که پس غنه هم ایه
لاهیجه جوی و عیانم عذرا	و دیندیر لجه ترتیب
و تهنیت عشرت یلکیده	و دایه افرونه سازنده
زیاده نیت شوط ایز و پیر	و سوز کند ز و لید
سازنده غزل و لایز سوید	و کیده

ایلین بو قصه نیک ترتیبی	بیل قلمن عشرت تمهیدی
چوه کاه ره و عو انده لاهیجه	ایله کشی برل سزا سزا و جاده
ویدر باش اوز و یوز سون	هر نه خدمت اوز ایدر سون
لطف در صفا ایلکوز و بیبها	او کالینه و شمع کندی لاهیجه
کسروب هر یوز و ذ الطاف و کم	چونک کال کشف اندر بر قی قدم
ایر و لور بر قهره عالی منتظر	کاه او قرطاق سپهری اوز
باب جنده نشاء و روان	کفر و قهر بکشد اندان سی
ایک طاشی بکسی کاشی نوز	حال ز مهر انم کوه لاجور

نوم سی و روان سیکل افشا	شم سی و یوز سینه کوهه حیا
نوم سی و طوبی صفت صحنی کیش	صوبی کوش طبعی عین سیرت
پرمه زنا بنج و دیار زنا کیش	اطلس افلاک کبیر سکر تیش
کره جفاغ استر جانو کوکل	رسمینر حیرانوزاره عقدر کل
هر ستونی سرح آیین منتها	سرو قاصع سرفراز و دریا
قصه سی عرش بعد سده و سبو	طری سی جوی تون سده رفیع
سیر ایده بروم حریفن یا کینی	حیره تنده کج فلور ادر کینی
انج هر بر شافار این دار	خوبه بکر زار مهال سیال و شوق دار
اوله سراه چونک سیرانده نگار	اکه قمر و بار کاهن اوله زار
کریم اوله قمر صفت و اریده	کرمدی چشمه چوه بی یار اید
الده بیل ایلیب سرویند باش	جسم وار تل و کرم و جش باش
کلمه نده حاطر کج اجه کیر	سیرد سی کوکلن قلم و کیر
نور و ب اوله و د و باله لاهیجه	اباریده های و لامقه بیایه
اکه صحن ایدوب تجل یوز لره	طور بیوب و یر و کتال سوز لره
ایدرک بده یوز و ده گفتو کو	سیر کلکشت ایلور که سوبو
کله در اوله قصه کج عیشچوه اول	حاضر و ایا و انده پر و صول
صدر کاهنم قونوب برکت زر	اولمش اوله صحنی سراج شید فر
یا یکه می سرش کونهر ل زین	ینت کج صحنی نکر اختر ل زین
کسی و زینتی کج ایلر شمار	ایک جابنده ویز لشی کج دار

خوش گلشن کبک نوکوه بساط - جوفه سیرنده ایر شمش بساط
 زرنها لیلایلنگ فضا دار - ایلمش یوزلر سورب بریر قرار
 متکا رسنه کوهه کجی - صدق بکشن بریر اورر کرکجی
 لاهجافه پس ایلیت بررام قیام - کجه کت اوکینه سرو خرام
 بزده صدر اولده جوه اوله تانین - یوز سرب یانیه باش اورده کله
 رو یکجوه ایقنی کت و زر - ایلمش کفتن صدق و ش برکله
 او تر و ب صاغش انوکله لینیر - اولده یانین طبیب بیس سیر
 لاهجافه صول یانین ایدوب اختیار - و ایدین قلده ضا اوله اختیار
 او تر و ب کر سیل اوزن ضو ایدر - وین اوله بزده الجیم بیک تر
 او قلده لاهجافه کاه باب - ترله و نغملر جکله بی حساب
 بزده یایده شولقد خوانی کرم - اولده رسنه خیال باغ و ارام
 برکب تر جیب شاهی ایلدر - قرص مجلس مهر و ماهی ایلدی
 وانه لورده کاکشه ضیمتر - زرجه لورده زین صحنی
 تابه بزایه و غار کاهمی کسی - باغ لیچن یوزده رهاهی کسی
 سکره لورده لکرده و نه نصاب - جوهره ترکیب رالجیم حساب
 ایلان ضالمش بر اوج مورک - یوز غن و کشت طور سکر بورک
 مهر و ماهی قالیه لقلش شکس - کوهه برکده وین ایلمش یوزده ستر
 طلعتن قلمش بری بیکر کالقه - مهر و صندیه شوکتی او خواجه
 کوز و یکب باومه یا بام لام و تر - قندوش استرا زلمه قالی نظر

شیر و خرمه لاله لب کار - ده صوفلوق اغرنه کسور
 قافه قرشدر مش سکر ریا غیل - شیر و اتار سینه پیر و غیل
 سکره ملو اولر اولش اشک بو - ایلمش اکشی غننه ترش رو
 طالعش شیشه تال تال ریشی - اغن لورده لمانه و زمش و شیشی
 کیم قلور و صیفنی اوله بزهر ادا - غرقه و نغملر اولوب میر و کدا
 اولده یوزده حوتنه نفیس شیشی - کاه و توندی بخش غایب یوزده سیل
 بنده نغملر و نغملر سکر صوح - بو تر لب دست و عایجه طبع
 وید یار صوح و لیم اشوه نغملر - وید یار و و شوه خواجه نغملر
 جوه طهام ایلمش قوا اولده تمام - ووندی مهر و ساتار کسیر جام
 از قد صدقه الجیم لقال مذاب - اولده روین جهری ریا قورناج
 گرم اولوب قلده یقینا سرو - بزده اورده یارده عودیل اوله
 ادد و خرمه و سوز و رباب - سینه لورده ایدر ده لاک کباب
 جگر اولوب تقنوس کسین نفکر - اشده یقده بزم اهلای جگر
 شوق شمشاد ایر تال عالم - جبار تکیر او قدی و رده
 بندیه و لاک سوز و رو و فرایل - از غنوه خنج و پهن و پر و قیل
 ماه رو رو و خورده خورشید - جلوه لورده قلده یار و وسیل
 وندیه برو جهری بزم الجیم اوم - سینه رباب فلک طوله کوم
 باق لرحاکه ایلده یار کلر کسی - قلده یار فریاد لر بلبلر کسی
 انش عذر بر یکن اولده یوز - اوله شکر یار سینه صحرای طوز

و پذیر که حالی صبح اتمه یام
 نشی الحاح و سوز و عشق یار
 انده عذر لکن جوهره جل او
 نه جای دار و لن و زخم اتمه
 و ایام و یا کام تب انده نگاه
 رو یفتو و ایام سکین جان ساز
 جلدی برضای کنار انده صحن

ای صبا بانه سیرایت که جانم ایلاک
 وصال بغد او نه قلم برده شده کازو
 کوردم بر زحمتی است آنکه بکمال
 شام و لعلی بر کوزه ایما جبار و حزن
 کل و بیدار ایامه بر چشم وصل
 بخبر گشت ایلم دوم و قزاقه ایلاک

و ایام و یوزده جوهره بزم جام
 الیه بر عود صفا سوز که الیه
 اید و بن او و قنای به ساز
 اصفهانینه ایله غم حجاز

ای صبا سیرین لطف یله جانم ایلاک
 ساقیاد صبر شرابین صوفه بکام جام
 بطرا بدم نو کوی کوی یاراهین است
 سیر و جکس کانه وصال کوکام فلکن
 بلدی اربابی حکمت و در و کاه و یاشنی
 ساد و صدم بون و کت یونا ایلاک

عذر و پذیر و لا یخ و م سوز و روت
 یله و شک جان و یه سوز و عزم قاف
 جان و صادم و شیده نیش و قلم یز و صال
 و نیش و ای و بیدار و و لیس و لیس
 حقا و صدم و سیر

کلیر و ای صدمه شفته و ل
 قط بنقار که کسم الله و
 لیسری که تاج سلطانیدر
 نه فلک هوا جدر بال و پر که
 لیلی بوضی خاکیده و جو
 نیم بر جانده جاک خوه ایع
 ویریم غم زوقن کتوه یله
 کر سلیمان مودنه ایع عوف
 بتر و لکه بیکر اهی بوکال
 نکسن اکال شوک اکاه و
 کاه و کماهی سلیمانیدر
 مهر و اهد که طلی افسر که
 او و جو و و صال جانده بال و د
 بر اوی و و و لک خوه ایع
 قاف و یمن ایع غنای یله
 سیر کل صیراته افه و کوف

اوله بیا طله اگر اقباله لعه
اولین شاه طویر ملک قاف قاف
اوله بر و از که فلک مده بلند
استم روش و ریالین مده خوش
لاهیجه اوله شوره خف کوشن بیک
از قله ساقیا نه ماه و ده
برای که دور اندین است اوله یار
دوشه بزم اصاله ری که کوشن بیک
لاهیجه اوله یار خف کوشن بیک
بیرینه عذر ابرینه و لندیر
اوله بر ابر اوزح مکی سوار
طکله بو حاجه ای و له بلبلای
دبوه بنسا طکی اوله صوره لقا
مهر و مهرش اولین کوهه مطاق
کور بخت قاف بر یار اجدی بر
سرد سلطانه قاف اوکنم رو
بشم اقباله اید بر نور لعه
زود له بر لایه لاهیجه
اوله طالو مساعده کجت و یار
اوکن جاگی بیا بوه با واده
اوکن سن شهباز قد سیر لاف
سیت لعه باکنم بر خود بسنه
طوت صدق کین بونظم قن کوش
روینن فیم ایلیم جوشن ایلیم
بر قلب زور قالی صونیه طلو
یو عدوشن جاگیل بیهوده اوله یار
یانه لر بریر طالع و ریش بیک
ایر ده بر قی نیت و صر صر
بیرینه و لایه بر سینه بر
اندیلار و و یو لایه رهنکار
شمه قیده صبار کی کالی
رضش اوینرا زده در رنجا
طافه الفین اچره بیا اوله یار
استخیر بر برینی کیدی لر
میدار ای کام کوشو کام جوی
حاطو که قوم و کل اسرواده
و لکنم ویردی ال مقصود جاده
وامتک مطلقون قله شکار

از قله کله و ایتل فرک
بله مقصود حاصل اوله غین
از قله و ایتل شوق و سرور
گاه تیرمه گاه یوم انده و زه
یس بماند بر کیم و ارضاص عام
رفش ایدوب بوش و ایش و یی
مهره ترشور کین و خ اوزح ماه
باق اوغین بر برینک لایه
اکم بقده بونی کورده عیاده
اوله زجوه روبر و لایه وار
دوج کله یار جگاده اید و راه
هر بره جوه شامه و ایش و ایدیه
نولایه اب ایکن اوله سا بلک یوز
اوله کفان جوه هر کز جمال
عالمی و صحت عجب عالمه
یس یوز و و و شوق اوله ایکن
تافه ایدوب قله شوره و شو
تله یار عذر اید فقری مقام
رشدوب سلطانه ویدک صد ازین
انده شامه و جملتن قوم ریک
لاهیجه بطلیم شامی بولد غین
شمو تده یوز جان این نور
خفلیب موده سرور اشک یوز
تله لر غزل استقبال و نام
حقده استقبال اوله غین و یی
کورده عذر راه یو او جن شاه
خوش اقباله کله ایکن لایه
بو که بقده اید ضده لاهیجه
هر برینک صینی اوله ی صده یار
سجیم قله بر برین مهر و ماه
اوله جهته ساجه و سجو ایدیه
قبله جونکیم بیرم یوغ انم سوز
لاله اوله قله لسا نوقیال و قال
صحتی بقیال و قال ایدیه
د لندیر و د لایه بر و لاهیجه
ویرم شامه و قبله افافه فر
ایک اکادار السالم ایبار سالم

ختن و لکر آرم ایدوب کله فرقه
 بربره استانه اغوش اند بار
 جانور لده ایلیم و سازلق
 بجهجه بربره اکر خیرک
 بر سر استانه خایه قلده لر
 قوم رب ایکه وضع کتن رز
 اکر که صبر ایتد کریم شاه تمام
 عشرت ارباب اولوب بری بجه
 لاهجانه طورده برنده شاه کام
 ایلیم و تکلیف کتن اوله کیمار
 الیه کله انوک اره بنه ذی
 طوتد رستین هزار غرازل
 بربره بربری طکی قلجا جا
 این دیو افترانده اختراق
 کوم بربره اکر کاه خور اولور
 فکر کین روشن ده او نور شمس
 ویر بکجه اکر کوه کین شرف
 بر بکاه و کتن بربره خوج تاب
 بر بکاه و بربره یار تر کر
 همه اولوح بام شرفور و بری
 باغ جانده سکر نوش اند بار
 قلدر غنایا غم برور از لوح
 لاهجانه اهرانده ساز و غنای
 بر بکجه ترتیر و عالی قلده لر
 هر و کین نقابله اولدی لر
 بریم کرده و اهی دور ایدر و هم
 بربره اندر بقده بر تانده شمس
 الیه کله و ایتن بالا حرام
 کجه صدی قیل اولدی شهر بار
 شاه خویا باه دور راه و بری
 اوله نقابله کجه کجه نازل
 هر و شویان شریب الیه جا
 ایلد یار اختیاره رفتراق
 سیر صحنه نقابله خور اولور
 روبر و عکس اورجی ایلد کر
 قلدر بریم ایلد ایلد طرف
 صنی بکن بربره بر رانک
 صن و طلق بر صحنه یلدر لر

71
 بربره بر نان نین و سر و قد
 او تورب طویح اشی اولوب تمام
 قوسه اوله خوج صابجه رقوم
 بر بکجه عشرتین قالزار
 کله ساتیلار یا غن طورده
 زنده هر اولین بر لعل ناب
 کوه کین دور ایلیم و جلم جام
 یلدر بربره ایدوب بربره خوروش
 سانه خوج سوزیل بنیاد اورده
 بربره و ساز اولوب یارک ایل
 بر رنده ایلغار طورده لر
 نقر کرده کوه طاق سپهر
 یاقین قوللر زهای کل کین
 اوله بوکا اچدی طلوی بوکا
 ایلیم عشاقچه ساز و طرب
 و بهیم اوله ایک یار کله
 رخا کین ناره اولوب قیلد
 بربره شوقنده اوله افتاب
 کوسه تورب ابر و لنده یوز کاه
 غن لب کار و سمنر تالاه
 جکر اوله مکلو کونا کوه طعام
 و قمر کرم و نسال و به کوم
 خا هسن طایه اهر الیه یتر وار
 جاها بر کف قلب باش اورده
 ایکه قوله صونه کله و سر
 اولدی هر و رواج لعل فام
 یلدر کاه اندر مانده هوش
 صانه و قانوه قوللا غن بورده
 نیکه سوزیلد لر زاری ایل
 کوه کین و نال طوق او و لر
 زکله روتوب و ریم بته قاله
 ایلد یار ناله بلبل کین
 عیش و عشرت اولدی کوه بو کین
 بوسه کله کوسه کین بر غن لب
 بربره و شویان شمس وار
 ایلد یار جانور لده عرض تور
 بیکر اولور و بربره بر نین سوتان
 ایدرید که غن لده قیلد و قال

و نوبه او را به نیت غم و فراق سرانده
 بقند و دل سراسر صباغ او و جبین میل
 بویک طوبی لیکال کوثر یک صفت طباک رفو
 بنوعه بن زار او و کوه کوه شهاب و غنایند
 و امید بر کم خالص او و بوی خوش بختانده
 و جودم فکلی ضماوه حوا و غنایند

شعر

بپر شوره چون که کار را ریلد
 فی کبی بر نم اصلنی زار ایلد
 هم کبی بپر دم برنده قلدر جوش
 نفس رده طوطی در هر لجن خوش
 اکلیل بر نم لاهی رزی بپر صبر
 ماتع اینر لوله اوله سوز طرب
 ده لایه و ب غنایند که لایه لایه
 بزه غنایند جلدی بند بپر
 سن او نور کنی بوی زار و ستهام
 صق بودم کج بین صحنه قوالم
 فاذ حق صحنی شرط و وفا
 سن ریسر و درم غنایند بر صفا

کوش ایدوب بونکته و ایلد
 جوش کلدی موده اوله غنایند
 جشم کبی اشک جشم ایدوب و
 میده ای باغ صباغ لاهی
 عهد یاری و وقت اولیا
 شرط غنایند و غیرت اولیا
 بز صفا جان بکوه خوش این وز
 بهشک حالن فراموش این وز
 باش او روت بوز غنایند لاهی
 میده کج غنایند ای شاه لاهی
 صاغ اسنر ضمایند لاهی
 لیکال صین نورده لاهی

لایب م لایب کوه کوه جهاه
 بالینش ق جوه سنکر و کلاه
 جانوم لده لایلین اشفوله هید
 کالینجی فیمیکه لوله م کلو قید
 یلینه جاده لوسته بپر غنایند و ار
 لوطی لوله از رما قلدر شهر یار
 لوقال اولسوه نک ایته کمر رای
 رای و پیرا که در بهشکال کشتای
 وید و این ای شهر فخرین مده
 نون کوه لایند بزی لکهار خلد
 روز و شب استغفر قرص کمر
 لایند که لولکم لایقیدی شانکر
 بنوم لکوه ترکه لایند لایند
 حاطره که بر کشته و زارم لایند
 حاصله لایند جاده و مده بقصوه
 ساکن لایند که در و کمر او وین
 شمع اقبال و ب کوه کبی نور
 و ر لوه و روشن غنایند کوه قور
 بودم رشده طیکده بلقیس
 کالینجی لایلین لایلین و فریاد و سن
 لطف ایدوب بیزه دیار تو تالار
 جبهکاهی کالینجی لایلین لایلین
 جانم غنایند و ارب شام این وز
 ای اوله جبهه از ایلد این وز
 ایلد و زبده و غنایند و غنایند
 ایلد و زبده و غنایند و غنایند
 یس بو قوله لور و ایدوب لایند
 قلدر لوله غنایند و غنایند
 سره لایند که در بوقصره و وفا
 کم بیکه ایستدین طور و کج
 جوه مسافر خانه و ببلد و کلاه
 عاقلین لوله غنایند و غنایند

و غنایند و غنایند و غنایند
 و غنایند و غنایند و غنایند
 و غنایند و غنایند و غنایند
 و غنایند و غنایند و غنایند
 و غنایند و غنایند و غنایند

جوه کبر و شهباز زرین باله مهر
 طبلیا زرین تقار و کوند ز بیک
 بیضه باز سفید صبیحه و ده
 اسما صحنه و جولا ایلد
 اولد یوب اولدم فری و لایحه
 شاه خوابه شهر یار و دلیر
 یار یی بر دیوی لید و ب لقتار
 دیور یوز و لایحه ب تو باله
 لغدر او و یوز و لایحه
 کوز یوب و ب ایچ یوز و لایحه
 ایلوب بر موکناره اختیار
 جاده و ولده و ایچ اولد غدر
 ایلد که مقصود و حاصل تمام
 ایلد بولطف یوز بیکر باله
 یتر ایلد که روز بیکر بیکر
 و شمشیر بر بر لوب کیشی
 ایلی ایوب بکوه غده خاکض
 برده اولد صبا کله و ده
 اولد یوز و لایحه و ده

لطف ایوب یوز و لایحه
 لایحه یوز و لایحه
 مبدی ایض و یوز و لایحه
 کایه و مسانو و تدر طیک
 یار لایحه طایفه و کوشا
 مدبر اولد که حیدر که لایحه
 تنم جانغ اولد و غنی نیم
 و ده لایحه کله که لایحه
 اسما و مند که لایحه
 ماه قد که کوز و بیکر
 استدم طایفه لایحه
 کوه کیشی لایحه
 و یوز و لایحه
 یتر ایلد که نقل و زو
 جوتک بیکر یار و بیکر
 لایحه صورت و لایحه
 جانه صورت قید و یوز و لایحه
 کله ایلی قلدی و لایحه
 اولد تو لایحه طبت بر یوز و لایحه

نیش و غم و صلکله نوش اولدی
 اول باله اول جلدوش اولدی
 حقه یوز بیک منت و سارو ثنا
 و صلاه میده جلد اول برنج غنا
 و لیدر و که جانی هیچ اتمه یام
 بهمانی کور و کمن صحبت رله شام
 ایندی لسته روین اشدیل
 کند و زنده کندی قلدی رنگ لاله
 اول اورب بهمانی کور و حاله
 ناله لاله و با سینه و صد چاکه
 بصدی بفرینه طب جانی کبی
 سینده یی لسته لایلی فی کبی
 کلدی یوز بیک و د و کنت برک
 باش اوروب پائیده ایدیه جوق فر
 جوده کور شمش اشقیده و دیده
 قور و نور بر پنجه عالی بارگاه
 اولدی که و نکا بونکله فرین
 بیس اندی و بیسن جوق فرین
 لستیه شوکت برله قوندی شهر بار
 عار لیدر هده خانه سده سرفراز
 لشیاف زار غه قونر شاه باز
 ایلمشده بهمانی زنده لاله صیغف
 غده اولمشده تنی غایت کینف
 کلسوه لیکوه جانه قوت جیاده
 عسرت افرده لندی شاهن کایا
 بنم بونار ایلد یار عیش و نوش
 لهن رخنه لاله جاکه لری خوش
 یینه اولده باجه لعل سرشت
 خوبار خور ایدیه بیسن کاشت
 یینه مطا بال تفنی ایلدی
 یینه نای و جنت و فار سولدر
 جوخم کرده یینه هر و لوطوب
 رقص و لری سر و دجی لوطوب
 اور و رشتا و روه افرایمکه
 عالمی ایلکده اهنکه ووه هیکل
 آستین و بهار لسته لاله سر و
 سینده لیدی فی جاکه ریفه لاله

نوله حاکه اولد بهی زار بهکمن
 و لری رشتای نهار مقن
 بنی اولدر کج لاقن قانع
 ایلمشده که قورار مقن
 لاله بر شرار لاله و راهم
 اعنه لاله که ابر و ار مقن
 به تریاکن لجه لایم
 صوغوه زلفی زهر یار مقن
 لایه جوده یولیه قوش که بهن
 عاقبت ناکه لسته وار مقن
 برهم اوج جها فخر لایه
 نله طفیاه یوز و زکار مقن
 میربانه بیقرار که سوز و ساز
 فاجیه کینه حقیقه
 مبتله اولون قوت یوزنده
 رضوخ کوزده عذر ایل
 عله و قور و غم دیار لسته کیده
 و انقوه و تورده
 یوزنده نفق نداز و اقش باز یینه یار
 بو غم و یینه
 و خود و زبونه و کرافتار اولد و قار بدور
 میربانه جوده لوله نفی و کلیده
 لومه یینه یوقه مانه کلیده
 میدی ای سر و فقره خوبانی
 حاکه با یکه کاله چشم ماه و لاله
 ناله علقه بر لسته که بی
 دمه لسته بوندر که بی
 سیاه اشک غرق و یرویه جانی
 قانه یوم و که یوم یی ناله
 جوده فاجیه بلغم علقه کما
 بیس حقیقه یار و زماش اوله کما
 کوز لاین کند و یولاش لاله کما
 یایماله نفس اماره سر و کل
 بهر نه کج سن جاده ایدیه لسته کرام
 بیکم انده طشره یوقه کله و نهام
 شاهه مدر خالق لرض و سما
 کوه یوز کدر جانه جام خونه سما

کشته مله بجلد نفسانی غرض
 ایامه مقده اکار و حافی غرض
 طایفه بن بعد از خود را بشم
 تا در اولدق نفقش را بشم
 سن او تور بلج اوج ملک شاه اوکو
 کشت ایدم بن مهره حاکم راه اوکو
 تور و انقو طغنه ایلر صهار
 زمین تنقل ایدم تار و بار
 کوهی زنده ایلیر دریای دام
 قید بند ایدم قلم اشین تمام
 هر نفسی رو یوب قرینم عوده رب
 جانوده بیوند ذ اولم سیر
 روز و شب ارتد کج شریعت و دمام
 عشق نوش این مرکز زوق ایل جام
 ویده عذر اباش اوردن ایشی یار
 سلطنت کشتن اولفای یار
 نیت کج دنیا و سین قدر یار
 رو بسین عقبات و ایشی یار
 معیوز بیکه انت ایشی شاهی کریم
 نظر کج لطف لایه بیتی طوکل
 یوز سرب یا یوک اولدق محرم
 کاله یا یلده بکوه اولدور درام
 ظاهر و باطن م شامش طوکل
 ویه طایک بن و ستور و نهر
 کاله یا یلده بکوه اولدور درام
 صهره سلطانه ایدوب قوه کوه
 ملکت تن پادشاه جاده اکار
 سن او تور کشتن اولد حکم راه
 باغبانه ایتنر م ایلیم فقط باغ
 کر رعیت پرور و ملر شاه
 قلعا کتورده سلطانه ایتنم
 جاده بند ذ ایل و اولدق ن روا
 انقش اولد سوه و جوم کده جها
 قرض الحیر که رو یوز نایه کله غ
 تیز چاک شهر و دیار رو یوز تبا
 کوزید و ندر فریه و ندر تمام

یا به جو کنگ هر نفس سرور انداز
 یا به سریرم اولدور فرار
 حاکم و شوق تو بنی بر باد اولم
 یه کس بر راه و فریاد اولم
 بین ادرام و نو جاندر حال
 صبر و یوقدر تن بر ساعت حال
 بخت ایلر اعداده ایلوب انتقام
 این و ز معصوم و بر غنی و دم
 و اینی معصومه جو کنگ این کس
 جانوده لده بغلیب خدمت بیا
 لطف و مهر که اولدور دریای است
 پس بو عهد او کتیده بیر اندیاز
 بن حیر بن و ش خدمت بیا
 جوه سحر افاق پر تور ایلدی
 قلوب اولد کوه عیش و بشیر ایتدی
 زور قی و خستیم قدی بام باه
 یوزده تور یار ایلدی
 با شله جلقنفا کو نو مکاه
 ایلر باه عذر ایلر ایدوب و داء
 دوز قی و خستیم قدی بام باه
 کله و کج یولنه کتده بی نزار
 ایلر باه عذر ایلر ایدوب و داء
 کله و کج یولنه کتده بی نزار
 یان و ز غنیم و یلور و یار
 قلد یار بکوه صبر و قرار
 بویک انقو فی تور کج ناکار
 کنگی بکوه یوله یراغن کورده یار
 ساحل عیان بر کوه ایلر یار
 ایلر یار غم بکوب و یار
 بر نایه عده ینوب یا قلد یار
 بویک انقو فی تور کج ناکار
 کنگی بکوه یوله یراغن کورده یار
 ساحل عیان بر کوه ایلر یار
 ایلر یار غم بکوب و یار
 بر نایه عده ینوب یا قلد یار
 کتده یار بر بکوه لیا و نهار
 قینیب دریام بنده قلدی جوش
 سیاه بوج ایدوب سملده تاشاک
 کتده یلکن از صوبه هند کسره
 جوه حقیق ایلر کتیده خوش
 از قالده کج اولد کتیده تاشاک
 یلده ارتق قانامه ایلر ویره

بام یاتب بحر ارام لیلدی
 کورم در کیم هند و طوغرلش کیم
 اندر ناجار غزم بکیم هند =
 ایچ طوغرلش بام لفظ اندازر
 هر برنگه کیم کیمی روی اینر =
 بام سی انش برست و هر سوز
 ایر و کشتی سرب جوینج یقین
 بلدی اننوه کیم کمال فکر کینر
 ایلیم هند بار انش بر جنان
 اصله هند اوله فتحی اوله خاد کام
 تورو اننونک اوله بویله بند
 بلدی اوله آیلین سرائور
هند یار **نوقی نوقی** **در و طوغر** **و نار و نار**
عین خاکسار **اندازه** **مسکین** **و امه و نفکار**
افارده **طن** **ایده** **ابراهیم** **و اار و اار** **بجوع** **اروم**
کابر و سالکم **و کاشن** **حسنت** **بقام** **و لد و عینه**
 و هر بر کو نیکو سوزده لیلد
 جوه نطف اولده هند یار تمام
 حق در بر سنی زینا یار شام
 اژده روی اواج و هب دام بیک
 بیر کن بیک اولده جاده و در و غن
 ناکه کورنده برقی فلک هند
 حو انوغارت کور سر یازر
 ایچ این اتشین قار و دیکر
 و هر بر ایچ کیمی عالم دوز =
 جبر لیلد و بحر ایچ قلدیل اقاین
 اور و دی اوله ناجار تیر و تیر
 قلدیل و دی و تیر اننونک
 بنج مکه هر بر اوله قلدیل تمام
 کلدیل خور حقیق استمند
 ویدیل بونار سرائ و آرم
نوقی نوقی **در و طوغر** **و نار و نار**
عین خاکسار **اندازه** **مسکین** **و امه و نفکار**
افارده **طن** **ایده** **ابراهیم** **و اار و اار** **بجوع** **اروم**
کابر و سالکم **و کاشن** **حسنت** **بقام** **و لد و عینه**
 و هر بر کو نیکو سوزده لیلد
 جوه نطف اولده هند یار تمام
 حق در بر سنی زینا یار شام
 اژده روی اواج و هب دام بیک
 بیر کن بیک اولده جاده و در و غن
 ناکه کورنده برقی فلک هند
 حو انوغارت کور سر یازر
 ایچ این اتشین قار و دیکر
 و هر بر ایچ کیمی عالم دوز =
 جبر لیلد و بحر ایچ قلدیل اقاین
 اور و دی اوله ناجار تیر و تیر
 قلدیل و دی و تیر اننونک
 بنج مکه هر بر اوله قلدیل تمام
 کلدیل خور حقیق استمند
 ویدیل بونار سرائ و آرم

رتبه یار فیلیش بر کو هر مقام
 هندله عومیده انشجاره ایاک
 جو ایدوب لولاند و ده مقام
 سیه کوطون ایلیم بکیمیا =
 ویدلرم و اساقال لولکه بری
 نایه یاقوب تشارین نور این لام
 مقلله انوارده بولسوه غدا
 یس صلیب اوله قون بر اوده هم
 جانایین و دیله کبایه اندر
 واد لیلد و اننوه و توره سکر
 کاره ضما مکافات اولیای =
 افودکه ایله لیل شرا نیش فاکه
 و لاند و هر کیم و ده نفدر سکا
 اوالا اوله ایدیه نوبه و اامه
 عشق اوده یقینده ایشیل باک
 ویده کرفت و در بوجانه تر
 بنجر بوجیم یا نیدم اوده
 جو کمر عشق انش اوده جاده نید
 عوم و خام انش و اشکینر اولور
 اذکوتر حاکم ایدیه اشکین نام
 جلا و ایدیه انشجاره اولور
 یقینلر انش کرم و ده فرام
 خراب و اار کابوز سوم و نیار
 و ده و غده جلا اولسون بیکر
 لاله کرم و چوقی نور این لام
 هر بری و ده شیبی اولسوه نده
 ایدیه و ده کول و ده تفر
 تشارین و ده یار یار ایدیه
 انش اوده بقلیلر بوقه خوه
 خیر و مسافه نش افان اولیا
 لطف و احسانیل خیریه بلش قالی
 یرو کول و ده سر جلا و ده قدر سکا
 اوله جلا و ده اوده بنش علقه
 انده اوله نارده برفه پاک
 بیکر اوله اوده یار بام
 و قیسم کیم یا نیدم اوده
 جلا اولور اوده و ده شیبی کینر
 در بر غیش یا بنج لاله اولور

نه و سنی نقش ریدوب تر شکل عقد روم و شده و لاله شکل
 بغلیه کا نوح عبود و کره من بولنه کیده کوزه اشکین زره
 و لیدر و ریح عریاه ایند لر کلمه بغنی بر یاه ارتید لر
 صفه اکنده جور بر جاده سی بیر کن بیکی اولده غم هفتکاهی
 جو کله بو جور یای کورده او یو کور لب قویده نهاده غریو
 سیال شهوده سونیده نار قهر بهل نفسانه قویب عرض اندک لاله
 ویدک بونار زلال ایمنش ایه ریغ ایلکوز بر ایلکه کوزه تاجرو تیغ
 حبس ایدو که تفتیش اولسون بزرگ کنه در کله تیر و رکشوری
 تناره قلنی و اختینه جاده جانار و سوزی و و تابوت و اده
 قید و بند ریدوب فلک فلک عالمه قالمسوز بر اهر و دافق اختیار
 صبح ایدوب قاور و لسنو لسنو هر بریه حالین عرض اتوه بین
 جالنه لایق و راست و یح صیف رونما سوه نراسن و یکم
 بیلا دیوب کنه و قلده غم عشق اندر لوله جانل و که نوشن نیش
 اور و در هر برینه بند و کراره قلده لایق تر و زنداره بکاه
 پنج زنداره جاده هزضه بده حال عقد و عاصیانوه حال
 و خوشه ماه لیکه اولار و سیاه ابرم خورشید عفو ننه بناد
 هر نفس و دم بخاری جان و داغ روز شب یا تو جهنده و لرغ
 هر صقه قونکشی بیرو که اولسوز اوله بیر بکاه کافزه
 از و باکره و مردم خوار و قری اوزنه کاشن لاه و

فتنه رهنگار صد کاهن و در جانوده بار و تین چاهی و در
 بکار اندند عدم بلکه یوله کیم وجود ره جانگی کیم ایلر لوله
 جوده ریاضه خانه و اوله جانار کلک انده بولسا مورج و وار
 ریکلار شاهن سلیمانیه عذر او و لیدر قصد ایدیکه
 عذر اهلانگی سینه بر اشته کسوف یوز فقه
 و کنه و زنه مرنگوه قلده و عیندر و صلیانگی زنده
 هیکل و خوشی برینه عیوب نشیم زود و ما غن بر جود
 بیت عذر او و لیدر قوتلار نده و در بند و کسور
 آه کیم گوده لب بد لاله و خوشی نیشو لطف و زو و فرور
 هر نفس ایلر کلک برین خار غمه ایلر غنی ناک کوهلنی طار
 داغ اورب بونیه و کوه لاله لاله بقدر شبنم و شش اشک زلالی
 مهر و ماهکشی تیغ لایق جانیش صبح و شامکاه و صبح و کاینی
 بر نهاده سهران و لطفیل و شرر طبرانه ماد و غنیل
 یاقین نایکه و رونن او و لایق کدر هر دم غن و و و و و
 کاه ایدر بروح سن کریاه غن کاه ایدر تا و اورده غن با ماه مهر
 طشیل و و کب ابد زار ایدر باده جانده بلدر ب بیزار ایدر
 فوه ایدر بوه انار که در میل زار ایدر ایوانی روی زرد و
 آه کیم بر لطیفه سیک قهر و وار اجمال باز بهرین کیم زهر و وار

منحنی گشت صفای پر کدر = بروفا کتر س یوز بیکل جور ایدر
 قنق کج شید اوله سید بر یکس = از اولور لب روانه به خارش
 مرده و گشته در راه هم دم = اوم اولدر کج افهده و در دم
 انو کجونه سجن شو اندر بورو = فوختی گشت مرده کوفه کدو
 قله نظر باغ ایلر کبک ایلر = ایل او ازین زانک قیقه
 وقت پرواز اوله انده خوار اولور = دست شاهنده و مادم زار اولور
 حال عالم ادمه عبرت بتر = بر نفس فاکه رجا حضرت بتر
 لایق بر بند و حکمت و مریه = سویله عذر ایلانته کیلر هاله
 کج کوکله کوش ایدنار قصه یی = قصه نه لایب ارر قصه یی
 جو کج جس اولنده اوله بشنار = قالدرو و هفته حبس اوج زار
 شام و درم و گشت ایدر کمال = و نالنده بدتر ایدر کمال
 بر کوه ایدوب صله هاله اوله اولام = صحره و شاه و کرم انده شام
 جوه سره کرم انده ایدر منیدنیز = کاتر که اوله بشن اسری بی ستر
 یو کرب زندان حاجب ایلر = ویدر و دستار اوکل ایلر
 شامز و یل سزی از اولرین = و کج عفو ایلرین شام ایلر
 سیز و قی یوزر و ب ایدر کوما = پس الا انسا انا ساهی
 با حصار بوش اسری بندل = قید و غم زنجیری گشته بندل
 اوله زبانیکریدون بر تمام = ایلر کله یل ایدوب کف تمام
 صله هاله کور کرم جائه اوله = کترن قویضی عده لودار

میدی الکه بنده اوله ایلر زنگی = قله اولور کج و قاسی رهنرنگی
 ویر کوز نوش ایلر بوقه قد = جانم و قلم حاطری رولسفر
 جو کج سیراب ایلر جان باغی شراب = ویر ایلر کجی رنکین جوان
 الب اوله و لبر روک بنده هاله = صوند زرجا بنده لاله هاله
 بلده عذر اقصه اوله ایلر ایلر = جانم و لده ایلر ایلر و این
 میدی سیرین خوشی ده شراب = اسکر نه دم صونریا قوت ناب
 ایلر زهر اوله دست یارده = اب صولده ایلر ز اغیارده
 میدر سرکش لک ایلر سر و قو = شاه روکنم اب و ش اوکار رو
 میدی شنده ایلر جان ایلر کمال = یارده غیر یی باش ایلر کمال
 میدر کله سوف گشت و یی = ویدر باکاه و در زرقه یی
 میدر خوشی ایلر قاری شاهده = ویدر خوشترین الاله ده
 میدر تیغ ویر گشت کمال = ویدر بجه افه تیغ ویر گشت کمال
 میدر و صلت و ش ایلر ترک = ویدر بیکر کز بیکر انده باک و ک
 میدر ترک ایلر فضا صر سوزنی = ویدر سیز لوتک قیامت یوزنی
 ویدر اوله عطا پس بر کمال = ویدر کج طویم نقاشنه تمام
 ویدر ایلر سنی باغی سرا = ویدر زانک ایلر ایلر ایلر
 ویدر یانن ایلر سن حضور = ویدر یار اوله و لودار
 ویدر جبریل لودور و صلا یوله = ویدر یوز بیکل باب اوله و لودار
 ایلر و ب یوز لری و یوس = چشم ایدوب اورده هاله نیمه

ویدی بوساجی بیکه گشته رآه
 بولد و غن سوهر او به ایتز نگاه
 هنم ه لب لب خوش بلمر
 حالی اکب بر خوش اند سویمز
 بن رعایه لیدرم قلز قبول
 اوشم حال کور سوفا اند میزوله
 جلدی اتش بار بر شمشیر تیز
 اولدی صر صر و ش پرند و شتر
 طولدی لبس ایلی و یام و ففاده
 م ترمه صحنی زمین و رستما
 و یلدیکم این اوله با صی ه شیخ
 صلدی تیغ و غن سی جانین بیج
 لعال میگو شنده لندی جاذه هوش
 چشم بستن کور و ده کنده صر و شوش
 زلفیکان بندینه بقلندگی
 اگر کما باش اندرب و یلمز باکی
 تیغی ارباب الله صوندی قوله
 تام را غوش ایلیه عذایی اوله
 این لعالی شرتبند ووش عام
 آله و صلت و ولده اوزن کام
 کله عذرالت اولوب بر شمشیر
 بنوی قاذ اولدی اغرنده روزه
 کم اعلقه م بت روله دیوه است
 طولم اغزی قاذ امانی اولر کب
 از قلدی یکم و یج ورم یاه جاذه
 شمه طولدی شفقه طاش
 قولدی روله کلبک اتدیال غوی
 هر یکاه ده صیوم کبرن دیو
 غیرن ایدوب اوله نکاره خذ جاذه
 قلد به فوزه جو غنکاش شیل قاذ
 ایله کورده نفس اوردی و لندیر
 اولده رستانه فکال لا نظیر
 و لبره افرا و شب بند لندیال
 صینی صریبله کر شنده لندیال
 قاذ غوز لندیال اوله نازک تنن
 جلدیال زنجیر وستی کرم تنن
 و لندیری و ایلی ایدوب غوز قوه
 بغلیب ضرب اندر قوه بروه
 بغلیب ضرب اندر قوه بروه

بر ناند و شو نش کله ه سله ماله
 فتم اود و نده جوشه کلدی سله ماله
 اوریدوب اوله بد فعال ذابکار
 ویدی و کسول و یتم رچ و دار
 قولاند و هر برده دار ایلکوز
 ه لاله قوه جانانه زار ایلکوز
 جونک سیر زاین بر لنده طوب
 هر بر بند کونم یوز کرل اودل
 بو غدا بیلا ویرب سر جلا جاذه
 ال غنوت سیر ایدوب خلق جهاده
 لند لاله قصه اوله قرا اشاره
 مور و ونکی سرتاه فنبشده
 میو خوالخواری قلور سردار
 خور و خاره ایدر سردار قلور
 عذر به و نقهاره اوزر نده زری و این و فیا
 و حنین یلب سارت و شیر اند و سوف و کلد از ورم
 نیازله استعداده اند و کیدر خوال و فلیه این ای
 لا احب الالفین و یب در کاهن غنیمت و ضیاب کریم
 مطاق یوز رور و یب مقروع و عا و جانده ثاقده و بند
 زنگی شب غرض ایدب بندیه حال
 لیده عالم مانع ایدوب قان شاه
 جهنم و الجیم یورندی و ویدل
 سینسی بندیه سهر و که اوله
 قطب ایدوب سیر لاله حال روزگار
 قلشده داله و حیرانه زار
 بغلب و راویش روز سفید
 سیر ارتق کنس لولشده بدید
 روی عالمه ازمی زنده قمار
 غصه و ریاسنه بانمشده سهر
 شویلا اولمشده فلکالین جاذه
 ه میرمیدی کوکده ملکال الیافه
 ورم و غم بهر باک و ده ایدب بهجوم
 غصه و کولر کیشم و یجوم

قوم ووز و کس یان هر زلفه
 و غ شب خیر ایتب زیار و صبح
 جو یار سن قلیب انکار میه قافه
 کوشکیر اولمشده بو غده فروس
 عالی عذر ایچو لولب غم زلفه
 بو غنجه ییرو کوه قافه اغلشی
 سیر لیدوب بو عالی جورانده نکار
 بلمشده وار کمنج ورجها در
 اغلامه زوق و قهری و آرمه
 لور بیب مهر و وفاده کرم
 ویده بلسم نوله که اغا کسار
 کوز انداجه که بنی ها که ایتدین
 مهر و کال شمس ایدب عالم فودر
 بلرم ندم سکافنی ناتوره
 قنق کندی مهر و که ایه روشن ضمیر
 فوه مکله بر قرار کوندربکا
 چوخ جقش ووه لیدر نیم
 ایدر یکیز نیلاه و رانبل قالد
 روصافی ستار ت ایتد **صفت ماه**

مقده اویکلن فلکده بر جوله
 مهر مقده کرم طولش کوهال نور
 کور جال عذر او جاذه بر باهل
 میده ایچر شمشیر نوزی صفا
 هر قنق ایتدیکه غم باس ایدر
 قاشکیر و حری نوزیدی عید در
 ایلر ویکلر بر لصفی انماه
 بر صفامر عا طری ایتد وار
 لطف و جوم مکده مکله جوجید
 کونج بر صورتال واد ساک یایکشی
 سوبلسک داغ نهانغ قصبستن
 آتش فشنده اولب زده و زار
 ایلر یکیز بو کلاه فی ایا صلا

دور لنده صفت جانونا توافه
 لیکه غده چهری بر کرم و فتور
 قاتنن غم قلده رو با نندی صالده
 کوه یوزکدر نظر یی مهر و وفا
 سن صفر فتنار ایچو لایه یاس
 قنق با ییچو کلیدی عید در
 لیلیب کجید غم و جاذه لاله
 سنسن مهر کج ایلر نکار
 نوله فلسک فیه مهر و که بید
 ورم فی و فی ایلکرم لدر سن
 شری ایلکرم سوز جانغ غفسن
 جکرم ویکلر که اوزه شوق و ار
 ورم جانن سوبلر یکیز اهل

صفت عطار

مقده اکیچ فلکده بره سیر
 سهم اعاده و نصیبی کسلی
 کوریکل ایتد نکارین اولدی زار
 میده ای سردار ارباب قلم
 چوخه فخر مار ورمه کوه طیکر
 نوره و سنسن و فخر ما کبر
 مال و کینج استی و سیر کسلی
 جاکش ورم و غیر قلده شمار
 سن قار سن ییرو کوهال عاین رقم
 چوخه کتا بدور اندر قیکر

نول حاله يان شويديار بيلساك
 غصه يان شويديار بيلساك
 حقه كوه اوليه خانه كسي سزيكوه
 لقيه چشم المده لشال حقه
 دوتصاه ولدان كنه ناه في
 سويلساك باشم غي ضهاه في

صفه زهرا

لغاه يان شويديار خانه وار
 حقه او جني سرآمده برنگار
 ساغ النعمه كسي زرين رباب
 صول النعمه هوش جام شراب
 حقه لكاه قلدي نظار اوله كلفدار
 بيركن مردم في اوليه يزار
 قديمه ايكه بوي جني ايلدي
 اكه عرض حاله زهرا ايلدي
 ويرمه خانه ارم او زح سالم
 ميبدي اين بر بيل زنه عالي مقام
 سازكاه رقا قدير حقه كوه قلان
 تن تنكه بر صفا جاني بيلان
 نفه ضينا كاهل ايدوب سازم
 يان وار ب صون غم مردم رازم
 في كسي زياه في عرض بيلساك
 سينر كونه ننده سويلساك

صفه فلكي چهارم و حاله عروجه

زني بوي اولده زو بقال
 باقده اوله في طالع و كشته حاله
 كورده مردم في شهر بستان
 قلده بيل اوله و كونه عروجه
 ويديك اي اسما في جمع نهاده
 حاطر و كونه عروجه بولم كشم
 شيو اقباله نده سونيكاه مردم
 صفي جانك كونه كونه نيكاه مردم
 فتح باب اولم سنده باكر
 بقلز راه ايندم سرش
 ايلم ساك لطف ايدوب اظهاري كاه
 كال قلوب رايق وجودم ناري كاه

صفه ويجه

ايدريكن بيل عرض مردم سر
 ايلده مردم و عروجه بنجم فتح مردم
 ميبشت و شوكتد جفته ناكاهه
 رست و مستانه كسي بر قهر ماه
 كونه طريفه حاله شال الهم ينف
 اور ستا في طاعنه با نده ينف
 ساعدنه كوستر سريتن سن
 بر كسك باش ايلش اوين سن
 وروب اين اوله اسرو وروجه
 ميبدي اي جاله حقه اشام و
 كرمه كاه ايتكمه مقصوده كسي
 قانه بتر عرض ايدوب بولم كسي
 باش بر الده او كونه كسي بنم
 ناله في ناكوش ايدوب بولم كسي بنم
 مردم سر حاصله قلب زار اولم
 صور متن كاه بيل زار اولم
 سكه نده او كونه يار كيه ماهه
 اين بر ازاجه جانم و ياره
 ايلب ياره سرم كوييل اوله
 شاه و خنده و نكوي ياره اوله
 بيل زنجير ايلكس كاهم
 حاله زاره عرض ايدريكن استاهم

صفه ششم

جفته البني فلكه بر غريز
 اهل ششم حوام و صاحب تميز
 بقده في عرض و ندياري شريف
 بشوي تا بنم كرواري لطف
 حقه نظار قلده اكا اوله و نكاه
 حقه ايدوب قلده طابو بنم
 ميبدي اي سر خلقه اهل شرف
 عركي لو كشم في رولم نكاه
 جوكه اهل بكنر ايتش حق سني
 حاتونه رله بولم سني طالع نكاه
 مردم و كونه ايلم بخر و فليالي
 حوام ايلم اولم سني ايلم سني

شده قصه جاده ایدر و راه بها
 غنچه اولدم بنی شام لیکه
 ای یکن مشترک عرض حال
 میر سنز لفته قلو رکتر قبیل قال

صفحه زحل

اولدی ییگی فلکده فانی باب
 قطب عالم و شید راه خدا
 کورده ای جو کله اولم کله راه
 میده ای شیخ طریقه تمنا
 صومعه طایفه غنچه نفلک
 بود لطفه راه عالم صبیح نوا
 سیر ایدوب بروا خرویه یار بهار
 کورده کیوانده مریخ یوقدره
 پس ضلیل اینی او جاده رحمت
 یوز اورب حقه یکه آه ایلک
 میده یکه ای خالق ارض و سما
 صفر عوکل کیم اولم دله بر
 سنده اولم لایب که این لطف خاص
 اکرم خلقت اولم که دستاه
 غرق طوفانه ده غمکن کاینک

حقه بر نور آیفی سیر و کاس
 طلقه سنه برق اور و نوری خدا
 ناله لایب و ب مرونده قلاده
 بن اسری مستمند در محراب
 ذکر اصنام فلور کوه ملک
 جانم لده ایلسان بر کرم دعا
 تافذ الیم بوجاه زاری بر
 اولم قبولی ایلسان رتبه
 میده ای لا احب الا قلیبن
 و و ای کوکال راه ایلک
 سیر و کوه اهلانه سنن سما
 ازم جا غنچه و شنی یوق خدا
 بنی سنده او نور اصفای ظاهر
 ایلد و کله نمرده که اوده کشته
 نوم اصنام کل بهی و بره یکتا

اک کاندکه اثنالفتنه نظر
 بد سید قضا و اصنام سنک
 قدر کله جلوه ساز و نش جهان
 ایر نطلده ویر سن باغ فر
 وده و سکن بر جوف اور در قضا
 حال عالم کوه کله طایفه
 کاینات افرین عکله در محیط
 هر دو باک سوزی ساز ساک
 و بکر اشتر سنم و رغبت یوق
 حال زارنده و خوش ایدم سکا
 جانم کله غنچه اولوب قضا
 کونن ارتورب اینا یکتا
 کرم اصنام سنه نامی
 اولم بوقه و زاری تمام
 این و عالی این کور شام
 جو کله ارعوم رضا بنده صفا
 جوشه کله رحمتی رب الانام
 شاک مظهر حقه اجاب بر سر
 استجانه او نورضی الجوب

همه سالک قرنی سماه میاونه لقا سزل بره وار کجیل
اولم غنچه و این کله و نیت سحر و اغانی روز و نه
عند راه کله در و و نیت شکر گفتار و کله کیم و یام

دشمن باطنی بطنه او لفظ
 بوالجبه در ریح و عاکل سنک
 عکله در کله و باز و کاینات
 مارده کله خان فده لعل و کله
 طور و سکن کوه طایفه و ب ایدر قرار
 و خ ایدم یوز سیر و تاپو کله
 یوقدره و کله انبار و خلیط
 کاینات یوق نیت یاز کله و
 طلقه سیرنده ایرق سیر یوق
 یوز عکله ایرقش لفظ کله
 یاز کله کور و کله و ایدم بر نظر
 ایلسان تسلیم رکن و یکتا
 قله و بوجاه غنچه سنن لفظ کله

و ز قیومین و نام **عجبگیرین** و **عجب** و **عجب** و **عجب**
فی انهم **ما نسیم** **ما نسیم** **ما نسیم** **ما نسیم**
ایستادن و وضو ایستادن و وضو ایستادن و وضو ایستادن و وضو
پایه های کعبه میوه و موم خوارید
مضمر سلطان کشمیر لوله
برگه را تشنه انده صغی
صحرای بنی سی شاه حبشی
بنی اتش طریقی و صغی خوار
صب کفاند ز کف از نشانی
ایلیت لعل بدخشان مجله
نا و صغی مثالی و مثالی
غمر سی جاله و صغی و صغی
جوه صغی و صغی و صغی
ه کنیز صغی و صغی و صغی
بو بیاند ایستادن شاه از یاب
یاب نطال و صغی و صغی
صغی و صغی و صغی و صغی
لطف و صغی و صغی و صغی
کورده جوه و صغی و صغی

بوفی بند و ناره و ناره
دار و بن و ناره و ناره
کوش ایوب و ناره و ناره
نال سنده و ناره و ناره
صغی و ناره و ناره
اویج و ناره و ناره
ایلیت و ناره و ناره
لطف و ناره و ناره
اه ایوب و ناره و ناره
ایلیت و ناره و ناره
نال و ناره و ناره
جانه و ناره و ناره
شاه و ناره و ناره
و ناره و ناره و ناره
ناره و ناره و ناره
بیل و ناره و ناره
شرب و ناره و ناره
اول و ناره و ناره
قال و ناره و ناره

ویدی عذرا ای قوت اهل جا
 صفتن واریسن عیش نفس
 صورت کار نقشیری خلقه ملک
 رفته برو صبا هتد یوزک
 بنه کاندند بیا اید جوهرک
 دیور ایجن من خوری لقا
 بی کهر در جین اید ویدی سما
 رشبوظا ای سیری قلدر سیر
 قهر و بانق و سر اسریش سی
 و ختری یح بن اسن قلم اعتماد
 سیری کوروم یه اهل کور کور
 ویدی عذرا یوزک طوتر کور
 لیلای صلیله اخ کور عیاد
 بین بید لطف و اصفا اشک کور
 طایوک صی بنیج ویدر مسود
 شام فتنه اوزندر غصه اوز
 ورم و جیر تدر قو اطار ووز
 زام ووزغ اینز کوز یکشیدر
 لطف قود و قهر و لندک لندک
 حسن و خلقه فی ورنس جاذ
 کم بنی اولد له بوم زیاد ورس
 منک سر کشته سی و کوز فکر
 کوهی ووزی اهل هتد سوزک
 قفق عیاده صقید کور هرک
 صوح بلور روح القدس مطلقا
 ای رخ رینه عالج نیما
 روز شب انوک اشیدر مار ویر
 کلب غارت ورمین اندیشه
 و آلد کشتیری ورا به خوش زها
 غصه کوز وده بوم اوزوم وکوز
 قلندر اوزور منظر ای اوزاری صی
 الجود شلومره صیومر کور عیاد
 اولیشین تان جاذ ویر کور باغ کور
 کلشن ویا ایلن کیر مسود
 سویلک یلدر و کوز فقه اوز
 ورم عبرتدر سراسر کار ووز
 کج کار وای اولد ابر بکشد
 حاکم سز شاک قلدر منک

ناه و کتی جلد تار آج ایلد کور
 جوده ووزغ او باهلک هر ووز
 زلفه ارین یاه ایدوب بیکر قور
 بلرز بونده اوزاسن نولیر
 حق یوز بیکر منت و شرو شنا
 اولشیکند جاذ و کور و کور
 باصفا اولد بوم خوه بلبلان کور
 بشیج برر باشنده غصه سن
 یخ یوز وده اولد و غر غصه زار
 راه کشف المار کور و کور
 عالم کشف و طوری لندکارین
 وصله و امقده لشار اولد غر
 و لندیر و کشف حالن تمام
 صلیوب قافه لغاریده اولد کار
 قلدر و بایشین ویدی اوزما
 ورم و کوز کوش اشد غصه طاطاش
 یوزا کوز کور و یا بوم جکیما
 اکلد کرم ووز بوم ستان قهر
 صی کوز سن اشد جانشین کور
 بونوم کلد و کور واریه اوز ایلد کور
 کور کوز طبع کلک ووز ووز
 ایغ یوزی بوم بوشو قیلا
 ورم و غصه بوم فرقا طولیر
 قد قور ایدوب ورم و غصه
 طلق وده قد ابر کور و کور
 سیشین صیدان ایدوب کلک کور
 سویلدر اخ اولد و غصه سن
 ورم و بار بار قلدر تر کور و بار
 غصه اقلینم غار چکد و کور
 لیلای صلیله سیر قاف لندکارین
 یخ کار وده ووز بار اولد غر
 سویلدر برر اوزار و ستام
 یانار بنی کار یده زار و زار
 ای بیا بوم طلق ووز لقا
 ورم و کوز کوش اشد غصه طاطاش
 بوم ووز ووز ووز جکیما
 بوم و کور ووز ووز ووز ووز
 رسمی خیر لده ایدر و ستام کور

ایشو کونده بیلکوز یارم سینه جا نوله غوش برستارم سینه
 ویر سکوز بوم قیاجی ترکه یار اینجیم سیرکل جانده غرم یار
 یازم بریمه یهانه اینجیم کانیانه سنه حوله اینجیم
 ویدیه عزالیه نگاره سروقده باسمن تن کلفدار دلاله
 قالد ایشد برنه یوزد ستر دایه ایشد یوزد ستر دایه
 صنم ایچ بوز قیاسه ویر قهر لنده جسم بر یاه ویر
 انقصارایه ویر کلمه رست ایتمک لولم غافل اولوب فکر ستر
 این لاله اوله ناکاه لاله کات سر جا وز لالا نین شاع
 او جو و فده ایشد ایشو بوم بر سر یه اوله لطف صبر کیم
 اوله کیم کیم اوده سینه بوباله بر لب و غوش کور ورم بن ایشد
 او ورم کیم عن قریب اوله شای یار ایشد صحنه عین بر ایشد وار
 بوباله فده نری افلار لایله کوکلر شنی جا نیر شام لایله
 یس بوا بند اوزن قاکر بیک کوه اوله باله وار نیر زار و ستر کیم
 روز نیت زکساری بوله کوز لیو ورو غنده لادوش قاه اغیلو
 کنده کوکلنده کوز نره صبر کیم قلدیه هرگز تنو جانم تاب
 وایق قنده راه ایشد بر **تتمه لنده ازاده و بویینه**
بی ابا و برکه زار باغ سرکشته نهاده کیم کوه و وایق
و هواه بوا و یس یوزا واروب قیچ قیچ روه وایق
لیله غنده و غوش و لیور لاله صبر و لاله ایشد

91 روز کار له بر غم و یار لاله شومبار بانله
 وایقعت ایدوب طریقه رزم کشتاوه و یو کیم
 اده ساهه اولدوب کشف راز و نهانه قلد و عینده
 شرو اینه سرکشته شنی و ایشد بید یازمش قصص اوله غافل
 اولیچ ازاده ایشد اوجاه یولده شدی ایشد ایدوب واده
 کوه با یوه و ییوب لیل و نهانه قلدیه بریمه کیم کوه قرار
 ساسی اولدوب یار و غم ایشد و لایله ایدوب کوه کیم
 ناله سنده ایشد طاع و کاش مین سنده لادوش قیچ وایق
 قلدوب ایشد علم و غم سر لولمیه شهر یار و بوج ویر
 و غش طریقه ایدوب لافاشه جم و اوور و یس وایق
 کاه اولوب هم صحنه ایشد سکی اولدوب شنه و وایق
 اغلاید سینه جو ش ایشد ویدیه بونین و راغوش ایشد
 طلعه لاده و غوش لکال او کیم اوله سوده کیم لکال
 هر نفس اوله خدایار کیم شکر نیم بکر یار و قیچ کیم
 کاد او بیه صحنه سیر وایق ویر و قاه یا شین ایشد
 و بیدیم قیچ صبر و شکیم خوشیه لوله زکس جاف و قریب
 اک یارب کلدیم کیم ناز و لولیم کیم ایدوب ویر یار
 لکیم قریب یار شرفنده کاه غنیم طوق کیم ایدوب
 لولیم و غش و لایق و وایق و نهانه لولیم و غش و لایق

رشتو اسلوبیله ایگه یی تمام
 لیرمه افر بر بقطر شهن اول
 کورمه کج بر کار باغیر و فاق
 ایلب انلا غنم خوشو آه
 کته یار بر نه کوه بو حاله
 ریلیج بور سیم کشتمه یار
 میدر نزمه یکدر نهنگام شام
 قوندرا اول یوما ارام ایلب
 انی کورمه یار که ارمه ناکه یار
 بری زرم و برینن نوزن یار
 قشم و کبر و کینه یورت کور
 افرنه بر کف اشتری سر دار
 جام چشمی باغ و اصفور یار
 سینه سنگل جوش کور کور کور
 صورتو صوبی کلب و سلهنگ
 ایرمه بر تشویرله اوله ایگل شتر
 که ایدین بر کوشه و اوج نیاده
 کار بانگل قلده فریاده ننی کوش
 مینن اوج کورمه ایگه شرفه
 کورمه یی اجموع کنده صبح و شام
 بولده مهاده سرانقلده نزل
 خوشو غنم کور شمشیر آق
 میلب رازده بیایغ اولیده روزه
 هر بری بر نوز قیل و قالا
 ایرمه بر و افی و جامه یار
 راه و اوج و دورمه ایدر ظاهر
 ایچ این عشق و شام ریلیج
 ازمه یار که ارمه ناکه یار
 تب بکتر تلمز ننی انکس نگاه
 نینجی کور یوزده بر تب کلور
 قطره اولش قیدی مانده یار
 بلکه غنمده می افرله یار
 میلب ادر بر یوزنده ازمه یار
 هر عکر طوله تلمز زنگ یار
 کار بانده قویدی فریاده و نضر
 هر و غنمه ایگه یار که واه
 قلدر بر سر ایله جاتده فروش
 هر بری کفار صحر مانده غنم

صحرایوب و اوج یوزنده قوت
 ایتمه اوله یهوازه بر قیل یار
 کوریکه بو حاله انده کار یار
 باش ادر بر یار یوز سورمه
 و مسکن و اوج یار یار
 ضد غنم خانه و هر غارتار
 اوله بر ازمه حاله صند و غل
 کینج بر کور بر کبی صاحب کمال
 یی ایدوب اوله قوم بجه غنم
 بین قلعه لطف ایدر قضا یار
 میدی و اوج ای جهاده نتر یار
 هر و غنم سر آسرققم نیم
 بیله میلب یوزده قلده ایچ
 باشلیب راز و نهان سو یار
 شمه و لدار یی طلب کارم یار
 ایشوب اوله قوم حضرت ایدر یار
 میدی ایدر یار یار
 بو ذراقل بجه کج ایچ یار
 بر جواتده سر سر کوش انتم
 دعد کبی یوزلب ایرمه یار
 هر بری بر مشتقلدی صحر
 هر بری جهاده اوج ایرمه یار
 نینج شهن و یوزده سورمه
 اوله ناظر خلعت یقوت سن
 مسکن شیر لوله تاکه بیت و ار
 بر اوله شایه نهان صند و غل
 قدر بولم اتمده عرض حاله
 میدی لایه یهوازه نامدار
 ایسکه رازی و یو جانر عباده
 غنم و صند اختر یار
 شرم و اوله شهن و کغم نیم
 و ونه یار باشین قلدر بر راضین
 سر کد شین سر تر شرو ایدر
 روز شب غنم و لفقارم و یار
 غنمه اوله لاشقه مال
 قله جهاده ایچن مقصود که کنار
 بلکه تفصیل روزه بریر حاله
 شمه اکر و کد اوش ایتم

اوله جو انکله امیه کانه شاهیده
بختی بخارده لیدکه بر فراغ
بن همراه اوله ناکه بشی کشی
جلاس یار و یف و یف قدم
هر بر نیکن کوفه یوزی لینه وار
لیکله ابر لکینم مانند ی قمر
لشکای خونینده هر جنبه ی
اوله جواد که بوغی قلعه بیاض
بر کوه انده لیدکه تفتش حاله
میده یار و قلعه بر شهر یار
امیه و امیور و قبت صنعتی
رزم بر من سویلب غلامی زار
کار باذال فسانه ی سازد روز و
کیدر یکنه یو یو بر کوفه رتفاق
بر حصار التینه قوند و شاه کام
زنکله امیش اوله حصار که قوی هر
کار باذال امشال مقابل اوله
قالق اوله بشی یار و در کشف قمر
لندر اوله قوی شوله و کلوه
بکر بهار و خنم ذرات ماهیدر
کور مشیک هند و سنجه یزانی
کاکو مانی اده و اده ایی لشی
جاف اوله ذر و زنب پر و دم
کوه خنده اگر کوه زنده آر
کرتب و بر اش فکر او جند و
شع و شش یا غنچ بقلی آشاک
بر جواد نوحه ایی اوله جواد
اوله قضا و ناله و ایدی سوله
اوله زاده و ایدی شهر و یار
صلی و صا و قد و نور طلعتی
اوله مقید ی سوز و زری لیل و زهار
سویلدر و ایدی ایدی و یلبر
بر کب بند ایدی و یز نفاق
ایلب ارام قلعه و پیش و شام
ایر و طرب تلجاریغ شبر
باله و یرب و فقه قایل اوله
هر بر یی بر یی یی یی یی
لندر اوله قوی شوله و کلوه

جو کله اوله زنکی را ایدی یی
بولدی اوله کیمی تو ارا ایدی
شده بدم بو قدر بن صیانه
شک مکی ادمکن و لا مقدر سکر
قصدی یی سویلدر اوله و
جود ناله کله اوله بقله یی
میده ای طوطی لینی شکر بیاض
مرو و یی بلده ن حاجتده مکی
اوله حصار بر باله و ورنه
وار امینم ک بولام و لدر ساغ
بور اده و میده ای شهر یار
لیکله غایت بر مها کدر یو یی
بین اوله یی طریق استیقم
میده و امیور ایلکوز نه قزین
عوفه صا ایدی و بقله اوله یو یی
کار باذال امشال قلم و لده معا
کار و زری لیلی و رشده کیدر
قانع و غم لست و شکر بیاض
یو یی ملیل اوله شب ارام اندر
اوله بخر و ده و فی هر تر امه
اوله یی باقی کار باذال سر و جلدت
انار و کل مطلق یی سنن و کمانه
کج قوت قضا و لا مقدر سکر
یام و یر و صبر و یی شهر یار
بر ناله و ده قلعه و یی یی
هم کله یی زهر و یی تر یی کاه
ریم و لدر و یی یی صاحب غما
تاکه غم یار لیدم بن جاده فقه
لورم اوله تو یی کار کاهیه و غ
بیازید یی منار لدر حصار
ازهر و و یی و یی یی یی
لیکله طوطی لانی و لیدی یی
بن غریب اوله یو یی و غم اندر یی
ایلیع و لدر و کله جلال حاک
مستکیر که میده و لدر و لدر
باشن یی یی و رشده کیدر
برخ و زرم لست و شکر بیاض
یو یی لدر و یی یی شام اندر

لهر نهار ايليت ب قد هله كه
 اتدي زه ناله اوله اقلع باكه
 ناهن اوله هله در بند ووح
 ايدو لا بيدو كچه زنگنه
 قوندلر چا بكا من ۹۰ =
 ميدر غفلت كركز نوم ۱۱
 لير شب بر كچه قوم هله هله =
 كار باه قصه ايدر رده كاه
 ميه واهن فارغ اولب يانار
 قل ايدكه قابو پراغ يانار =
 جانم لده مقصدا همك كن
 رفيع ايدم عوه صوح ايدوب شمع
 لب ايدوب بولر ستمالته سرور
 ايلدي لوله قوم سزاسر منصور
 جوك افر اولدي روزايشه
 كسرت شكس ميس بوالهي
 روي زنگي كچه اولدي غ فوش
 رجه يوز طوتدي فلكه مده سرول
 بينه طوغده داغ شبنه بصيب
 بيفر كچ هر برى در خوشاب
 بون مطاه يدم كولون زنگي شام
 مشاده كوستروي بر بصله فام
 كار باينه سله هله لوب خبر
 جوش ايدوب اوچ اوردي كوشور
 لوله فلكل ساه قلعه ايدو زولج
 زب و غارت قصه ايدو ايدو
 صاه نيتسافه لجن يكسره شده او
 طو تشب طوتدي جهها في اجنجه
 بر كين كا من ايدوب واهن نياه
 لصب رفاه كه ايلدي نگاه
 كورميك طاشوب كلور سياله
 واروي طوفاه باله مده غده
 اوله كمينده صحراب طنده كاه
 اوله مكنده مكنده كوره هله
 من شهابي اوتيفو برق وار
 ايلدي تيريل اوله مكلو هله
 كنده كنده كنده مكندي صحن حاك

اوله بيداه قلمايچوخ شاره بار
 مكندي اوله قوم اوزع خشن روق
 كونه كچه مكندي بر افش بار بيق
 طاعينه و ب زنگي كچه هله
 سرتر بروم اتدي قابو
 زنگي مده قوتدي فرامد و نغير
 كند و لجه اولدي لاله جان صو
 هله هله كورميك باشنه اشده
 اسم و زاله اوله قوتدي تقرير
 اكه بلده كه طور فر و بيل
 قنق من موبن هصار اوله نابكار
 قلم سينا اير شب قلده كمين
 جومر كه زنگي اوله شوي بار
 قافده چنگلن قلدردي باش
 موندو بيداه شيشر سركوبل
 قلعه لوزن طغه فوشه شاه
 اوله هصار كل سله ايدوب يايوي
 نوردي قابو اوزع كركراه
 قافه اورسكي نونه التور توري
 اوب اوله كركراهي شهل بار
 ايلدي قابو يركز ايلد قرت
 ايشير سر همام مدي هله هله
 وارده اندردي عذراي هله
 مكندي مكندي مكندي هله
 مكندي اوله قوم اوزع خشن روق
 طاعينه و ب زنگي كچه هله
 سرتر بروم اتدي قابو
 زنگي مده قوتدي فرامد و نغير
 كند و لجه اولدي لاله جان صو
 هله هله كورميك باشنه اشده
 اسم و زاله اوله قوتدي تقرير
 اكه بلده كه طور فر و بيل
 قنق من موبن هصار اوله نابكار
 قلم سينا اير شب قلده كمين
 جومر كه زنگي اوله شوي بار
 قافده چنگلن قلدردي باش
 موندو بيداه شيشر سركوبل
 قلعه لوزن طغه فوشه شاه
 اوله هصار كل سله ايدوب يايوي
 نوردي قابو اوزع كركراه
 قافه اورسكي نونه التور توري
 اوب اوله كركراهي شهل بار
 ايلدي قابو يركز ايلد قرت
 ايشير سر همام مدي هله هله
 وارده اندردي عذراي هله
 مكندي مكندي مكندي هله

کرده کور و ز صبا ضحاک غم
خفته بختی و جلال کسوت قایم
کن و نام جلال بند و لکه در
سن گذشته بود در مقصود جا
سربست عای جنان بکده بنی
قوی سن بیکجی اوچ ره نور
و آرو بن و لدار بر داف کورم
ز غوغای ایلیم خاک کوزه
دلیل و من انا مال شایسته
لا اله الا انت کفار و جود شاه اندیش
هر نه کور و لکه رو افرازه سنوکه
پس کور لکه بدست و در بر افراغ
خوبد بر شوق اولب قلمی سفر
خاضع صور صفا ایتکز لاف
نکته و رکال ایلیم بزم و لکه
و این بلکن و پیر و دایم و همایه سعادتی **ای بر طوس**
بروز ایدوب سلطان بکار یار و حیدر کشای **ای بر ایتیمبال**
اندکیده و این و بلکن دی فی غنچه و **ای بر ایلیم**
مرد لیا و تبار جام خوشنوار **ای بر ایلیم**

۹۹
ایله جود ضرور بین غم طوس
شاهار سجنی بیدریه که
بر نه کم لاین شاهید تمام
قله یار ناز و غنچه را این طی
بصد بار جو کنگ و یار و طوس با
قله استقباله اکایک روز اه
کور یکجی سلطان طوس شهر یار
دانش خبک جهان کور و شاه
شوق و دودنه قنایب جوش اندک
شوق قدر شاه ایله کور و نثار
قوم کس بیقرار اولب و ترک
ای شب لره بخیر بلکن او پیکر
بلکن کور و کور شاهن نیکن نام
اکل ارون و بی همایه سر فرار
میدید و این ای شهر کور و غنچه
اول قدر تو لقله ایتیمبال
خلق حنی عشق که اولم نیا
شده فی اکرام ایدوب بهر کما
ای شب الفقه پیر و لایم

یکدی یا نخی هما سنجای کوس
قاله جلاله مهر و ماه و نه نکل
ارده ترتیب اوز و اوله سرو غم
کس لرحو اد کور و دشت و دی
ضر و طوس ایشوب سرو و صفا
نیلیم بدر اولجی فرشته ماه
لا اله الا انت مودنه و رو نیا دار
جود و کور و سرور دنده
بر رة جانده و راغوش لند
کنج کور و لوله زنگ و نثار
لا اله الا یار یوزی بر یکم و نثار
جود و توافیق قلده اوله و و دیار
ایله حیدر و بروه اکرام و نام
لا اله الا شاهن مستن باغ و نثار
صلوات کس قیزیدر بول و نثار
جله و نثار من سی یوز و نثار
حور و ش لطف و مقور و بوماه
ماید حنین سیر ایدوب قلده
سرو و یوز و اولب کاله قدم

او دین برنج آد آب موی که
 د این قوت در موی قوی فاضله
 مکره باین اجب شاهین جهاد
 کوسری شاهین قوت و میده سبیل
 وز صراجه طوطی و مذهب
 شمع کافور هزار اوجیم نبال
 نطو اسقف فلک و شش زرنگار
 ضد رگ موده کبی زرین طناب
 سایبان جوی فاطمه بلند
 جاده لری که بو که کمر در شمار
 خوب اندر سیم ایریزین او یاف
 بنیوز در موی غلغله و خوب و
 موم که شرط و و در تمام
 کور بوب بارین و بی شاه کوزین
 اند کور موی که مایا بلبل کبی
 صائب بیکر در بوغ و ناز که
 دین و لیدر و کلند آرد
 هر بر نیکی سوده در موی و غ
 کور بیکر در موی شاد و اختیار

شهر کلد به قلب سیر و سلوک
 ازین اوله صام و کاک افاده
 شوله قدر لطف اندک المیزبایه
 و بر بیده نزل و نهی به پیش
 نقلیه بزم الهی یا قوت نایب
 جوهر که فانی سار کرده فیال
 هر انور شمس در رخ زار
 قصه و قوامی نجوم و انقباب
 کاکل خور اکبر اشکین کند
 سیم و زر قنطار و قنطار قطار
 کیم تماشایند طوبی انس و جاده
 جاذ و بر و مینه قویا غصه
 به قصور اندک شهر فرخنده قام
 بول و ترکی و ارد کشد کوزین
 طوبی و مسد نکاری کلک کبی
 بروز و اولوب کار اغوز ناز که
 و آید و آید کیر اولمش سایه
 ایلمشده ماه نو مانند کیم
 جو یون در موی یزیده برو و آرد

ایرتیب بونی بهدی ل غلیو
 کور و موی بدریکن او باه اولمش کاله
 ز غفوره ایتمش کلندر تهرانش
 یاشده مکنه شاهین سر فرکز
 ایرتیب ارد بنی انوک و لیدر
 کور بیکر اوله مایه مده ناتوره
 او لیدر او ترمی برمان یانه
 هر نکا و لده اشکارا و نهاده
 کاه سار و که شکار به آید یار
 یور و یوب لطفیل بول شاهین سر
 مذهب لیدر و شاه و راده مزیاده
 هر طلعه ساقیافه و لغوز
 هر بری طوبی در فرغانه کوز
 پس اشارت اولدی که مایه قوت
 دست او رب بزم و طرب بنیام نه
 صفت ساعد لری بر فراغ
 به کیم دور ایلیو جام شراب
 ایلیو غلغله جکرده بلبل
 سر تشره لده ایدوب جانلوش

صورت او مده جاکر طفلیو
 ایلمش فانی کبی و و راده فیال
 مایه و غلغله زنگار روی لایوش
 الده کنت او کینه کلدی بنی یاز
 باش او رب کسندر او کسندر او لیدر
 جوی نوازش ایلدی شاهین جهاد
 باشد یار و موی و غ و مستانه
 سر کز شبنم هر بری قلدی عیاف
 حاله مایه مده صلیب آید یار
 موی به ای شاهین سر روشن ضمیر
 دیر بیتی سیر و بر موی رواف
 ز بهر عشرت بطریقه ساز و سوز
 او و لری کیم کرب سلطان یوز
 او و مایه شاهین او کسندر یوز
 هر بری به کارین الده یانه
 بزمه باشد نه طبعی ساقیایاغ
 جوی لری اولدی صفاه و انقباب
 نفیر تعلیم اندک بلبل
 ایلدی لری لیس ایچین بر خروش

بنام و که به جاده دور کنن قابل
 گرم ایوب طویلی این سویلین
 فدا و که به کسین یا نب سینه
 ماه روز و جوفه کرمی مهر دار
 با صبر و اولشای و بر کورده
 با نفلندی سر سرتاق و فلک
 اشوا اسلوبیل اوده نوز و رجب
 پنج کز و عوهر اندی سز با
 ایلیم جانیه عشرت کسری
 بلدی بو قدر نطام ذغدی کار
 جان و لده عشقه اولشای غلام
 شیل قلمش هر برده وینار ستر
 دست یوسیدی اولو جی ناری
 گر کیم به قدایه شور و نهیب
 میز باقی بنی قلمش به بحال
 طوس جیم رو بساط طین و غطا
 و ماه ایدیت سر جلال اوله قمری
 بهن زاده استر رسی کیم
 بویکا و این مدتی لیل و نهار
 عیسوی و بار و بر ب مطرب
 عالم بلبلان کس اکلندی
 اوله یو بو طوطیا و که ایندی
 صر صلب بر کوهی و از و بار
 و فخر و لعل و ایر کورده
 و جن کلمدی حور و رفوز و ملک
 ایلد یار عشرتو عیش و طرب
 کج اکل و صفی قاصد و بیایه
 امتیاز قلدی اوله عاشق کیم
 با کلمه بر یو لاری لیل و نهار
 ایلشای نفس نافر جام راح
 ارز و جامی شر و لعل شکست
 عیش و نوشی بهن مختار کیم
 بر کمالید و جی صنوا و ب
 یوزار و که پیونده ایلامی ضیاء
 این و من اولم جانده اتمام
 کیم کوندن این ر عشرت ناری
 هر کیم مقصود جانده این
 کر و عشرت بر لیدی کار

جاقی آتش قلب مهری
 بلزم حالتی ندر خافه اکتی
 وقتد کیم این وز غم و یار
 با و میکنو که روی یایی
 اند و که کو کمن جو بر غ ایلد
 چونکه بنده و لاری سر حود اده
 حاکم اولوب صوفه عذر حاقی ایل
 بیلر اوله و مع امیری طوس بار
 نوله اوله لفا ایدر سرور
 لیکه و لدار که در امین بلزم
 اوله فی ایلدی فکر و الدین
 و لیدر و که و افی مقصود و ندر
 و سیدی بهن ای شمل فخر کیم
 او ایدر کس بن کسین جین
 همت شهده و و عار ایلیم
 این و الب اجازت غم جین
 و لبر و که فایز و صایدر رضا
 کوندرب غنیمت بیکی نامه
 شاه غنیمت تسلیم و کرد
 ایلد یه روز شب فکر و سفر
 الهی جانغ شو و سلطانه اکتی
 خافه او کمن جهرم ایدم حاکم
 کله ایدیم حاکم صفت ساینی
 عاف اولوب بهرم جهرم ایلد
 ایلم عالم بجز بیرم اوده
 او دم کج و دفع رفات ایلیم
 لطفی خود کج قنور اکل شمار
 بخت قافه شرم و انصاف و آف
 بخود زکری و نهاده بلزم
 بیز رایج اوله هر و تفقین
 جاده بر تابش کی اوده ندر
 لطف و لفا او بی اندک تمام
 شاه طوس او کمن اوس حاکم
 عذر ایدوب بی حد نادر ایل
 بیز ایدک بر عاقل و پیر ایل
 ایل شایع هر نه ایسم اقساک
 وین و حال نکا ر بنده ضر
 صب و حال بلس اولور کو کل خاک

شکله کاه و رخ ایدرسن شاهال
 نام و ویرید بیکی ر لاهال
 غم اید بکال یو طر و رخشوا
 ایریکال سرقت ای شاه جهاده
 خوش و سن نره شیر اده شیر
 بو خوشون السوه اجازت و لیدر
 لید و کج عیاضوه شیرین و
 شاه شیده جانود لده بن و
 بو و رین بن کال راجی عین
 باقیین یار که بولطایه چین
 بکمالی راین ایدوب و آوی سفید
 میده فاکل کبیر ریکال بلند
 قلدر اول کج بورای از بزم
 لوده اهل طرب اشعار غم
 بو قرار اوسته آرام اندیار
 صلی اولی عشر نو شام اندیار
 و اوی به قرار بکالی نامداره
 میزبانه تا بعد از ویند
 و باز زیارت اجازت طلب ایتمک
 بقدر بقدر اید
 ار سال اند و کید میزبانه
 دفع کاه فانت روز
 اول مقدمات معارضه و کاه
 شدت بره سکا و حد
 و مشتاید بنا قند ابراز اید
 عرس اوس
 طوس مشایخ کورج
 عیاضوه اند و کید
 چونکه مشرقده کتورده
 کونش اوردی فرح کوه
 تاج و کونش
 جاکه اید و ج طلب
 لباسی لهر کیده
 نارنجی قبا اکند و بهر
 خوابده و اوی و فری قلدر
 مکر کوه کبی ویردی
 هاید و بهر فر
 او قویب و لده غریبت
 ناهن اوزنب تا جنی کیده
 جاکه سن
 ایلیم بکالی و جی قولی
 یام طور و میرنده
 غریب بر لاشاک

خردی طو سکی ایری فابوسنه
 کبودی دستور اونی طا بوسنه
 اندی حد تمل قلب قدنی لام
 ایلده و اوی زبانه سالم
 التماس شاهن بربر سولیدر
 جانود له بقصودنی شرو کیده
 میزبانه جوده لوله بیایه
 قلدرش عیشکر ساز ایدکن
 جنکی کرم رای شاه تر شو
 طور فرم بر بودر کج
 روزگار بر نفاق کج
 باور بونده کید بکال
 نول حال بر بودر کج
 ایردی هنگام شتا
 بقلید بر فده یو لاک
 تمام اغلقده عین عالمه
 سفید فعال یولادی
 ایدر حاکم اب شویلا
 برف ایکنس پنهاندر
 زمین اف غمدر هنگال
 ابر برف یار اولد و یغیوه
 خیس شمع ماه و خور
 بو صوقده دست و یا افکنس
 کوله کوکر شد کنش
 رزین قاق بر برف
 لچ کر کنش زمین
 حال دور انده در سر
 کوبام کونش قالی
 بو شعری غرای تمام

کلمات و وصف شتا



روز شب را بدر میوب کوز نیر و بار آشتا
 کورید که کوه ز منید شسوار خرو اثر
 بونو تابیل که اولدی شیخو ریزین و فلک
 از منن قید بند لیدوب ز نیکار و پونی
 اغلقه قلده بفقون فلک جستن فیض
 کوهی سیمین صمکوز بیر کورین طفالیه
 یوق مطامیرم فلک غنقاسی کوه قانی و ش
 اوص یا قورتن بر دم اغار اوروش
 بره اوص کورک هر که چشمه سنی طده کج
 عالمی انشیرست اندی سلمانی مد
 نه سوار بر وقو ایله نه سنجاب فلک
 یلبه اکفاله طوله نه طاکه تابون ۹۹
 یکف ابدی کوش عالم یورنی روز کار
 لامی انش کنا رین قوم الدفه هر نفس

صدامین تن فلکن کردان عیاشنا

یکای یوق طقوزوزنم بره کنت خانک
 نکته اند ضرور و راه اهداشکو اقلیر
 عرض اعلی ص عبودت در جو شمع عرض
 اوج و غامدین بهار این و مید صبح
 غ بیابانم اولسا کل طایه شنا
 بوجوح سوز لر بهر ایتیه شنا
 اوله بهار جود اوکنم اجماع شنا
 لاله و کهر و به ایده کجه در شنا

عاجده کت اورنب کید که قاقار
 هر تقیر و بوست بوس و هر امیر نقیر
 و هر میامه حق سوغ و شکله بوشتن
 او قوسوه خلصا که بزنگم طلقا کیو
 کنت ز آره لکلی سر سوزالین مبدم
 تان طوسوه یو باغ دکل بر جگر
 این رویر و کج او دوه تان بشنا

میر باه جوه وصف حال سید
 ویده سنا حال جوه معلوم اهد
 رای تدبیری بود برین جا کرک
 سن شهر خاقان ایر ساله ایلم
 شهر یار که و ایغی اتون ناه سن
 سرکد شقی جمل تقریر این سن
 غریب سلطانینه صالحه ایلی
 اده ای ایلم اعلم و حال
 اده شریه بیرو ایر ساله ایلم
 هر بر سینه کیدوب صبر و قرار
 هر بره اید بخم تشریف و دیار
 مهر و قمر ابر کوه بر زینر اولور
 شوق بی سنا بی قره اوج و خرو
 اولدوغی روبره سنا بلیکانه شنا
 ایلیموز اشجار و وراره کبی و باه
 کاه انشار و بهار و ماه دیوانه شنا
 خلصه برن اولدوغی و بهی راضا شنا
 شوق بی سنا بی قره اوج و خرو
 ناه یازب و ص احواله ایلم
 کم ایدوب و وقصه نکی شکا سن
 بونع عرض اولماغی تدبیر این سن
 طوسه دعوت ایلم عیاشانی
 دایه قوم کافیر ایدر قیال و قاک
 سحر ایدوب ناز که کج حال ایلم
 جاده اتون غم این لری اختیار
 ایر شر لطیفه دورا جی بهار
 حاله شکین باد غیر زینر اولور

تنه از قلمش شاه اوله قه جا
 کوندر بن شاه بن شاه شاه
 شاکر کور که یوز که شاه
 قه از ویر اگر بیک صداع
 کریم تقریب صفر غصه مر
 قویا تفصیل اجمال این لوم
 کوه قاف از و نهم دار و بر تمام
 نزه اولد زنده باغ لرم
 به عدم از نوا طهور
 این زارنده ضایع ستره و
 سنی سن بطمانه جا یازق ضور
 لاله زار که کج خود روید
 نوبهاره تا ابد کور و خرافه
 اسکی و غیره در سراسر طریقی
 بهما شد از این باده ام
 اولفن را اینم انکه کوه نار
 طوطی و دیو تالار و نهم
 چونکه جسته بدله اوله تمام
 بار و عویدر قمر منظر لکله

بنی و نیکان اوله سوه انجوا
 بیده اقلی تمام ایتکه طواف
 شاکر کمال طاکل حاصله قرام
 لطف ایدوب بره شاتر شام
 برغ و در و باده و رقصه از
 مکتوبه شاعران احوال این لم
 لکاکام الحیات ایدری نام
 صوری که کور بهو این شاکر و نهم
 نفی و رکله ایتکه رقص این خور
 شه و شاکر سبه اولی قن
 کلاکینک صوغده شافی ضور
 کلشنی جنبه کبی خوش بوید
 از نهم عیشی و در راه و زله
 جانوده ایتکه هر سیرتی
 کشت فلش کریم جوقه عالی
 پنجم ام بود و بار ایتکه گذار
 دیو و در و نهم غنی نهم
 این طلق بر یکا رسد تمام
 بر عجب عفو شد شاکر شام

غار و وز و کبی یوز جانم نور
 پنجه یوز بیک نتر اسکینه تمام
 قهر باقی قافدر اوله بد کلام
 کاه و سوز و پیا ستره و کوه روی
 شکر و زور و در و نهم اوله
 جشمیکر ای زهار اولی افر
 عرصه سی اولمش بر بهار و نور
 باره اژده و در و نهم خوارید
 بویله شده ناکه هاه سو و قفا
 بزم ایدر کن لاجمانی فری
 عورتو عیش ایا یکم شاه هاه
 غفلتله رزم چمنکام ایدر
 اولدی بزمه بریز جان کر
 پنجه کز لشکر میرن سلطانه قفا
 بولدی هر جیک اندک انوار
 عاف و لوب بتره صله طاوله
 صغیر کمن شاهده قوتی نور
 اغلقده کوزری اولدی رمد
 اینو بود و نتر و ندر طیکان

این طالع طاشی کج اولدی نور
 روز بیداره بر بری مانند سام
 قور قورنده جلد جفی و کور
 جگر جوی و بی لاه و تند و خور
 عرصه سی اولمش غنی و کج شکر
 کلشنی باده اولدی کبی بفر
 کلاکینک قاعا ش بکزن نور
 حاکم بر خوار ایدر بر خارید
 کما اذا جاء القضا صاق القضا
 بفلش کمن و وزیر می قوم بری
 ایرت ناکه اولدی کوه قهر هاه
 مسکن اوله ایکی شاه و ام ایدر
 سور و کوا و صوف ابر بال ویر
 ایلدی اوله قهر مایل مصاف
 لشاکر قافانک اش اولدی تمام
 کله و کوش یوز و سیر و قایل
 لطف و احصاه اوله او غللی
 حاکم نایکده اولدی شکر
 کاه و نهم و نهم و نهم

جاذبون جاننده پیرایه الصلوات
 جاذبون اولد میو کوثر لیلی ظلم
 قالمده بار و عقاربده رشر
 مین زده رفو اولوب خوان ضیاله
 مولری و جو هوایی معتدل
 پس پیرایه یکه ایدوب اقی
 ساغیش هم لایه نیل فری
 بام صرصر کسی فی الحاله اسدر
 انیب سزاقدم هشت و دوری
 یدیه قه بر اذم را بختی اقی دور
 هیکل سزاقدم مانند و و
 کوروب انی اولد پیرایه اولد لاله
 انی کور و یکه ایردی شهریار
 انوک ارمینو ایرشده شام قاف
 اندر و وای جو سیراه ایلدی
 یدیه شاه ای شهریار کالمار
 محروم بوازم جای صفه سر
 بو طلسی اسم اعظم فتم لیدر
 جوه غرایم و اندیه لوله شهریار
 طولده تکبر ایلد کبرش جهات
 طولده عالم صحنی نورانی علم
 حسب ظلم و بواش اولد شور شر
 کوره اولد صحنی صفت شال
 قلم یلار سطر طویمر جانوم له
 بلند یار تفتیش ایدوب بونی نقین
 شاه لقا ایلوب قوی بری
 بر دم ایلچ و مین یوتلار کسیدار
 بولد بر صحنه اسکندر
 یروزه ضحک فکر شصاه دور
 صابر اغننده جهنم کبی اود
 قلد رخصتال زار و بی قباله
 عتوج و کعبه هم را کاب و کعبه یار
 جهنم و تم و مین ربوش کینه صاف
 و غجابه رن طیراه ایلدی
 اتم لطف ایدوب تهور بر کار
 بوک سکر و امین اولم کار کرد
 صند بونی سام و رستم فتم ایدر
 اسم اعظم و روم و لیل و کنار

میرو ب برگزین یدیه هو
 بر سن اولدیه اولد اذم بر عتد
 و خندان و انی ایدوب قایوبند
 باب جنبر کسی اوردی اکره سح
 و خد فتم اولد قح و انی ایدیه
 صفه هر یکا شد ایدیه تنال
 سیمه بر کعبه اوردلش بر کار
 بو و بولامه لقا زلش انوک
 همه اک کمن سیر انو جاده
 شام صحن باشم بیکل بی زواله
 یانه و بکعبه عده عالمی
 بر عبر و حاله عالم بر عبر
 کعبه طموس شصاه قرا
 ارمین عالم او قورم و یوبند
 عسکر کعبه ایدیه بی عده
 بختی صندم کعبه و روم و عده
 حسب و نور غفلتیش جنشیم
 بن غریب رحمتل یام ایدو که
 عین عبرت بر لاله عالم سیر ایدیه
 سحرش سر قباله باطله اولدیه او
 یدیه قه تا بیلا صحن من اسد
 قالدیه خیر اده بر ناله با یوسینه
 سیر جلدی قوی بر اولد یکه
 کور و کورم و کور و کور و کور
 طر بر نقش بقده ایدیه حیا له
 یقین کعبه کعبه بر تاج زار
 وصف حاله بیلا یازلش انوک
 اولد و او او و در شاهی جهاه
 هم ازلد ریح ایدور لایزاله
 انوم صلدی عبرت کعبه ایدیه
 عین عبرت بر لاله عالم بر عتد
 اولدیشم حاله کعبه جهاه
 ایلدیه و بواجه صوک و مین
 ایدیه و قح اجمال سیر ایدیه
 قنیر صفه صغیر کعبه عالم
 شمدیه فضاه حقه قلش راسیم
 لطفکار و ده جانلی و شام ایدو که
 ال اجب بر دم و عالم خیر ایدیه

او قه که اول قتل ضحک شهریار
 بر ناله قافه اعلیای اندک این
 پس وین اطراف بقدر شهریار
 بیهوده سخته بر لب زار کهور
 کوش ایوب اول ناله و ایوب
 اول اورب قفله ویرم که کوشمال
 فتح ایوب اول قاپوین اول ساول
 پس نظر صله و کوردی شهریار
 طو لب زنجیر از در کبی
 ایر شب و این همانم اورده
 هر برسی اقدب و جانیه پیش
 هر بره و این میخی ایوب کنار
 صور در احوال غوره دیدگاه
 رویدر شاکه اینی بعد از اذ
 حقه نیت کوردم سیر صاغ
 سنج کوه کبی بر نور ایلدم
 حوه مراد اوله تمام او شاکه
 ایلد یار اوله بقای جسته و جو
 هر بره بر کتور که شزاراه
 او ایوب و مده و مرونده اوله
 ویدر و مده و مرونده اوله
 کوردی بر بر بابار و ار استوار
 کلد بدم کوش این صیرت اور
 اوله قیومه باکم فی الحاله ابد حاه
 ای تار از نهانده کشف حال
 صید حاه ایار کبی قلده ملول
 اوله اک جان بتر بند او زار
 هر برسی بفتو شری نهر کبی
 هر بر نیلک هلا بنده قلده حال
 شهر بار که اور در یانیه پیش
 قلدر است سرور دی جو یار
 اوله لقیه بنی اوله و غز نیا
 میدی جانده شاد او و شاکه
 قومعه درم و کوز بفرین یاغ
 بودله ویرا خیمور ایلدم
 یایلب اوله ملکه سزاسر سپاه
 بولد بر بری سر و لاله رور
 قد لیک سر و فانی از اها

جوی و ش قافه نیا که ایوب رده
 هر بر نیلک قیتی ملکه حاه
 انم ایوبه لفسر یوشاکه سم
 تاجی خوانک لباسی لاله
 شاه طوس کفیلجه شهر یار
 سیارین یفا بیورم ی عکس
 مهر و ماه اوله و لسه ویرکس
 هر نه جانک نفین بند اوله
 اخون سر مایسیر بزل جوم
 یاشه بو که کل اولور فریاد رس
 اهل حکمت و صور بر کمتند
 بو ایله کوهار که نینلر
 شهر یار حقه الناج اولمقا
 قنفیس تا بن دور روشن اید
 مینش اوله بر صفا ایوب خوش
 کلد بولنده شرافت کوهرین
 رنجیا کل بن کسبه انس حاه
 جسته اوله قیوسن اجن اوله
 نیکر بنت که بوفضه و الجاله
 تنفره بند باله اولش ناله
 کم بها پترس لولز انو حاه
 هم سیاوش سوره می جانم
 بنی یوز بیک یاد کار یه عالم
 انارو که بر قاضی ایتد اختار
 خوب اقلد ایلد اوله کسوت
 حاکم راه اولم کرکیم و زرک
 عالم خلقن کو کله قولا اید
 سلطنت بر اید سید بند جوم
 سیدی احاده اینی صید کس
 مینش ای صاحب نمز وارچند
 کم شاعت بر بری سیر سنا
 خلق عالم که قضا و اولمقا
 جانی علی و مکه کلشن اید
 باک طوت بر دم صدق و ش کوش
 درم سر قلز شجاعت افرین
 بیرو کو که لکن سید هر نه
 بر اوه غریب ایلد قاض اوله
 صون سلطان ویرم بر کمال

و بر سر دنیا بکنن بر قو اینم
 کوه کوه ریشه رسیدن اکا
 دله سلیمان در سخا و رخا علی
 ای سلیمان قو بگو و برو که
 التفات کده در رکوبای لای
 یخه او که صیدر مدینه شاه
 هر نه کله حاکم که دفا اید
 و این جهاد دار لاهجاده و فری و عسکری پیری اید
 دیار شاه قافه کلوب اینم بر قو کوه عیش و عشرت
 اندک ایدر بهزاره ترتیب شاهی و رین پادشاه
 بر لهر طوس عرس یخه غنیمت اید و کیدر
 چونکه و این ایدله غوری تمام
 یخه کوه اوله دیار قله کوه
 شاه و خند لایله اوله شزاق
 او کار نه م جکب سلطان قاف
 ایلین سخته عبور بکرو
 بر ای که کوه اینم آرام لند
 بعض مقصود اصالی فکر ایدوب
 قله بر سر جه اوله یوزده هزار
 ضیاع کوه من ترقه و بولینه
 طوس ملک بیدی ایلین نولا
 بنم قلعه هزاره قاف
 لای و سکنی واره در ک
 ضیاع عالم ایچ بر و الی
 بخ و خیرت و بیوی با اختیار
 حقه قبول کن کیمیا این زر
 کده طلوع رولده عالم ناباکه
 بعد از اده رده بر لای طیر
 فیه و بنده و ایده از اده
 زهر و با قله یار و هر که طوفان
 گنجه این قافه قله یار
 عیش و روز مهت و شام اند
 نیش سلطان طوس کوه فکر ایدوب
 عشرت کوه اینم رطوبی ایدر

و سنا هشتاد و هشت اینم
 این و صلی افه فریه و لاهجاده
 اشیو نیت روزن شاهی ملک تاق
 الدیه نامر کوه رقه و برو
 هر بری بر یار کاه و هر بیدی
 جو عیش و بزم یک اسمی
 او قله کوه بینه کله نیت
 هر بری صرصر صفه رفاه
 جهل سن شزاقا رکن لند
 بنده بر سر لایله و اینم
 بر اجب بر نیت و غنما کیم
 شاه طوس انا رده الدیه خبر
 ایلده قوین سر تا سر نند
 بقدر هر اید استقبال این
 کوه رده و یوزده طغش بری
 باد را ایشاه قار شمش کهور
 صانسن ایلال زین اولش کعب
 نیت بر و هر کعب از دور این
 دیر در اوستن مهر و کر و وار
 لایله ریلین فیه
 بلید سر تا سر اینم و جاده
 هشتاد و هشت ایلین صاف
 کور و هر رده قافه غنما و قنق
 غیرت کوه و باه و هر بیدی
 کاه کوه لعل و لول و قشیمی
 جاکه رولده کوه هشتاد و هشت
 ایدر بکر کله و واره
 طوس جاده غم ایدر فیش اند
 غم مضبوط اده اوله شل و
 بر و یار و بول و و قاکه
 کایر و بر یار شاه بکرو
 هر کیم و ار عسک و هر و کدا
 جهل شاه بر لایله و قاف این
 مهر و با کاک قلاش نوز و فری
 جنیر اده بار شمش کهور
 یار جانایه ملقه سرب
 جهل سن کجش کهور مهر لای
 طافه با شمش اندر یار

بیکر کن کرده و بن بیکر کنش
 میزبان کور و کن ایضا قاله لاله
 جوده هواده ایلده و این نظر
 ایلاکن هر یکا سیر و نگاه
 بلده کاشور و استقباله ای
 او اولدی سرترتری له
 شهره یاری میزبان قشولدی
 ایلاک و کنش جوکی جوش ایتدی
 بعد از اده سلطانه قاف و لاله
 دیدی و این ای شهره اعد اشکر
 لاله اندر اوله قمر طلعه جوده
 انکه اردو بنی کورین و در فری
 هر برده معلوم اید نلب میزبان
 هر کنیم این شاهید تمام
 صولده یار یولده یار و دل
 قوندر بیری یار کاشور
 عود مسخر و غیره یار بخور
 شهر او جنن شاه طوساکن بهتر
 قوندر سلطان قاف این هم

ندر السق خیراه سایه و ش
 اولده خیر نده ایکنر کنه
 کورده و حواله اولش اقام سرکر
 میزبان عسکر ایکن کورده
 طایر ایلده غرت اچاله ای
 شام و خنده اندر کور کورده
 کوز بینه یولده اوله صولدی
 بر برده جانده در اغوش اندر
 میزبانده باکم اولدیار واده
 اوله غافلی قاف شاهید کلز
 جوده مینع خلقه کانون لطف خاه
 ر سکن رضوانه غرت خور و غیره
 غرت و تفیطم قلده یار کورده
 ایلده یار بر برینه و القاهم
 مسخر و غیره هم اولدی کورده
 مار ماهوش حشید و روشنای
 بولده انابش قلیله جانده حضور
 وارده یار یار جنت و شکر
 دیدن سن شاه ایکنر بولم

۱۱۲
 شوق ایدوب به ایانش و ض
 حد و وصفن کاتور انکه بیاده
 تنقیر الماسده خوشید تاب
 ز سیر کورده کی ایلده زار
 نگاه و کورده مرتضی تاجار
 بیکر و بری هم ایدر سر خنده
 بونع بوجاله اوله یار خورنده
 اوله مکر الوب قد و ننده خبر
 کورده ایرنده یار جوج جوج
 یاری استقباله یار جوج یار
 بر ننده کورده یک اوله هم تمام
 کورده یار عذر اله طه تان شوق
 جونا یار کورده یار روشن کورده
 دامتند طه حکم و لیدیر
 پس اینب اوله بامده بر شوق خور
 بر بری قورده جانوشن کی
 اندر افغانه کویا قهر غم
 دور ایدوب جام طرکه کورده ناله
 اولمه بر ایکن جام اوزنانه نوش

طولدی حواله بکش شده طوله عرض
 میت مزجم و اوله اهل جاده
 هر بریکل قصه سی باقوت ناب
 دور ایکن هر بری کورده اندر
 جوفه اهلش و شکر میا جال
 بیکر بیره یار و لطفه ستر
 قمر طاق اوزن جوشن نیکار
 کوز میکر کورده و ایلده نظر
 کورده کی طولدی در و نی تاب شوق
 او جوج استرده و اورش سورعین
 ایردی خورده و کورده بر شاه
 طولدی نرکس و ارضین اب شوق
 طامده بر تان قصه انده اوزین
 دیدی هم ایکن کنده ایکن و شکر
 قوندر ایدوب حایله و اوطوح
 هم اولدی کورده کورده کورده
 شام و حرم قلده بر بنیام غم
 حاله بافنده اولدی قبال و قاله
 اوقیب بوشهره عذر طایر جوش



و تیع از زیاده غذا

ای نفقه چشم سارده ای قوت کلشن
 کتفه فاه شده سیاه صبر و صنی
 اولش کن و صلیکله نانه جاده ویز
 لبار و که جا بیله عرو جاده ویز
 کوه یوز کرده لبار که جانی ویش
 سام و رستم اندی اوله اش کس لیکه
 بیزم غاصه جشی فانی شده کیرد
 زشک مهر و ماد ایدم و رانی شده کیرد
 بر در قریه اید رسم جانم بو شکر اینه
 و رنو سوم اوله و ششیکه و لمه و بوانه
 صقه ننه ننه شام صاغ اسن کور و منی
 کرم اولوب بو شمع قلدره کی طابو
 ویرده بویوز و جاده اوله کام

و تیع از زیاده وای

ای صاصه بونهاره وک لقاقت کلشن
 کل یوز کرده ریم و راتمنش و رانی
 طلقش خارده چشمه کلر جاده
 غنچه کس ایلمش بونی و ریه جاده
 صرته و لعل لیکه کلشید جاده لب
 برنق و نیافه سنز نیارم جانی
 صقه بوز بیک شکر و ننه صاغ اسن کور
 و بیدم بلیله این فریاده اید و ب عار جاده
 صقه بوز بیک
 صلیکله جشی بانی غی جاده تیه

کلیدره که کونم بر بوز و سکارو
 و رده و کتفه اش یاقوت تنم کاله تین
 و سیه و زاده باشی سر بند و قرا لیکه
 بنی کر قلده سروه جاده قهینی و ریه
 اولش کن و رخی لجم کوزاجب صرا
 سردار شقوه اردو شکر و سیه سالار غنچه بن غنچه
 تاسی بهایکدر شهر صوب کلعب وای و بیز یافه
 فقره و بیز و غنچه لایله مایه قات اندکار بیز
 بیه ایده ابشور شاه قصه
 ویش ایار کن شای چین بکشور
 ویدر ای شاه چین ابرشیه پیر
 بیز جاده قیوه آلمش و ورر
 ویر که استقبال اولش و ریه
 شاه چین کورم کیم پیری شام
 جلد بر ارباب تازه جوخ رنگ
 و وندی مهر و زر کابن مایه وار
 و رده و کوه یوزده طنده غیار
 و لیلدر کوهه اچین صرنا و کوس
 جوه یقین کله طوره کی ایک قول
 بیلدیزش افایه و ب غنچه
 قویده بر کوه شهر طوس کلشن
 جاده ایت سر و کلشن ار صحر
 شاه چین بنسونه بویوز و سور
 روشن طبیب پیر اکا اولش شیر
 اوله اوله اوله اوله اوله
 و قه سیه رده مهر و دیانق و کل
 اوله اوله اوله اوله اوله
 شفا اچش علم مهر و بار
 ادم اولش سر تر صحر و طوس
 بوکر شعبه سر حنکار ایدر و یول

قشودنه شامی کور کمال ارشد شیر
 پیش لورب رویشی قلعه پایمال
 پس اشارت قلعه اولدم جبین
 ایلب اگر آم و غارت بی شکار
 اولک تفتیشی اولدی قفق
 شهر طوس کوندر برب بریاند
 ایله جابنده صد ایاجی قیاس
 ه لیزیر لولب بویا کاشامه
 ایرشیت اویدیه این بوز شرم
 ه خترینی چونکه کورده ارشد
 شهر یارکله لطف دملقین و لیزیر
 بن سی اولدی موی جاده تمام
 اکده کم بر سر ایردی سیام
 یلن طتیه عالی جوش و خوش
 جلد کونا کوفه علمای حوض سر
 بیل استقبال مقیدی ارشد
 شرمه و ابقا ققدی میزبان
 ویرریده شاه غنیمت در کلن
 خنرا باد اید که صلی صحرای طوس
 صیوب انتذه انده اولدی
 عدلایدوب کوسارم بد قضا
 بوکشت ایرشیه حاجی جبین
 ارشد شیر یلن قلعه یار سوار
 یوریت لکسار حمله یه سو سو
 بشله یار عیش و نوش ارکانه
 ویرلپ رولدی کایا و سیاس
 اتس قونجه جاده اتدی بهما
 حاطره سورده کی پنداره دزما
 عمر و سرمدیه ایرشیه خن بشر
 اوله قدرش و ایلدکم ارشد
 روز شب خنن قالدک افهام
 ایردی مویوشاه غنیمت شام کام
 اولدی سیرجوه فلک جشم و کوش
 اجدرا و ج بولک یا که ویر
 لوس و مرزا رفویر دیار نفیر
 اولشیده صلح عالم بیک زبانه
 حوض زینت ماه ویر وین کلن
 صور اسرافیلیه مرزا و کوس

چونکه بر نزل اولدی سیر راه
 ظاهر اولدی قشودنه بحید علم
 غنیمت شاهین یلدر کایر وین
 بهر یهاده بک شب جا و شکر
 او نو بکله شوین شاه کینه
 جانور لده ایدر که مد و ثنا
 بعضی سر ضحاک اولب اشیر
 آنکلی ارشد بخ ایرشیه میزبان
 بهر ایسه اولده امان ملوک
 کله زره کشتا اوتوم بیس
 غنیمت شاهین اوله ارامه قوندر
 نزل و تقیال حمله یه کراف
 حوض ضیافت خنیمت اولدی تمام
 ادم کلدی حوض و غار یل
 کوهری بیک و انسن کورده کوش
 ایردی عذار شاه قشودنه
 ایلب اوله سرو کشته افکنار
 کلن یوزینه بزانه سرمدیه بوز
 یان شب و سینه الدیه باینه
 شوکت و تزیینل با نند ماه
 نور طلعت یلدر سی سرتاقم
 ایلدر صفای تزیین همین
 طولده جوی این شاهاده کوشار
 نوک ایچم نلکم ماه اولک
 افعه و ابقا قلعه ارشد
 ایلر و کلدی کورشدیه ارشد
 مدیده خوش کلدی ابا شاه
 پس یوریت ایدر که سیر و کوه
 یل جایی حننه خنرت وین
 هر طوفانه بش کشر کوندر
 غنیمت اولدی سرتا بر حماه
 و ایلر کورده وارن شاه کام
 بیلر سرور و فرصت و بیک ناز
 حوض و کورده کورنده کاه
 کال کس با بینه اورده یوسر
 قلعه خنرت یلش عیش و جوی
 اویدی اوله زکس کس ایل کوزه
 حوض ایدیه جاده قلعه جابینه

مایه که بیکد المشیه خبر
 به یکد کچمشیه حال روزگار
 کاکه غرق غرق ایدب صفا
 سویله به به به تلطفیه
 لطف و خلق و اعتصام و خستمان
 شاه ایدوب به سگار خالقه
 کیم و قاروه ایلیم شکارانه
 کیم لر عیش ایلیم کندز شکار
 کراجلدی که و کلیدی خوه و کار
چین ماقاه طموسن هم اقتدار عسکر اچتم بخار و ملکر
 تیزین و شاهانه انواع شوکت و این رلم سرحد طوس
چینی اوغلی و این صاحب قراة سطا قاف و لاهیة
و شاه خنواة شهریار غزنه میزبان برکوه کوتور و زیبا
صلح بیوس خانه اکرام و اجاله و تقیم و سفاه اندک طریقه
 طوس خوه بهار کلب قلعه و دار
 یوله صالدر مشه و این بیکار
 تالاب خانن قدومنه پیام
صفه نوز و عطا
 بر سحر کیم جهاه بیرو زیدی
 وقع و تم ساعت نوز و زایدی

برکه تر لر جالبین صویر که کف
 سالیانه اولمشیه شاج هر وقت
 جو به ملکشن اولوب شوبیم حال
 جگمشیه که به کم زنجیر باد
 سوریت زنجیره اصافه کلبه
 سبن لر صحن پر اولوب ایلار
 باد اورن کللا لکر کده و می
 سرو و شکار صلیب ناز له
 برکه کلکوه ایدی جانی هم
 او و اید که کال سجنده کلین لکر
 بزار اوله او و ایلیم جانی عود
 کوشن او زمار بلبلکر فریاد نه
 و کلینار فرنیکن او ازیلی
 کلن یکن جا که ایدوب ستانه وار
 میز که اچتم قالب چشم لر
 یوزیه پر زینده از قمار له
 دفعه کرمشیه اچهر هر یکه
 قلعه کلنار انش با ن لوق
 مسکن بو نغی رده انش جاده
 بلبله ایر لری طوبت کللا و من
 قوراشیده سبز بر بیرون کت
 یوز اورون صحرار و جنت ناله
 لیکه به پروا د یار فارغ نهام
 کلبا لکر کف کزده کسبو
 من منور ج ضیه متهیا باک
 اجمشیه روی و چشم و عالمی
 به او قوروی فرغار او ایلار
 ایلریدی لاله رومو علی
 جانم بلبلار کباب اتش جاکر
 باغده و ترش بنفشه شک و عود
 جام کلکوه نوش ایدرمی یاده
 زین کل کوشن اتلریدی سازینی
 با قین قلمشیه نرکس زرد و ار
 خضر صوبین اقدردی اشملر
 نیت کج صحنی فکر انوار له
 غنم لر اوزین اجه قلمشیه
 استریدی یارده و سارلق
 راه چینده نوز لر اندک شمشاد

کورم را یووی صبار فزار لر
 یام شام یوز سر ب کلار کبی
 مید یار ای شهر یارده یچ تها
 جاده اتقا میدار کجوه خا خا انالی
 میرا یووب روز و شبی خا راه کبی
 بو نویدی ایشووب شاه جها
 خرقه کاخ ویردی تا و و کیتی
 صله ادم میر و بانو بکال
 با ای هو ی او کریم کجوه بلبل
 بنده استیقاله کجوه سلطان قش
 یاصیدی غریب شاهی و افسیاه
 ایللیب ترتیب عالی افسشیر
 یچو ایدوب یکسر سبانه منیرا
 قلعه کمال ایچ بر قدرت جناب
 از مقام اول رسیده شده عالم
 عرس عیش و لوب صحر او طاع
 ادم ایدو هر اغا جاکش
 زین ایدوب زکین علمه هر اچین
 بازار ایشا ییدی عالم

سونقه طوطی و سن شکر نصار لر
 شاقید یار سوزده بلبل لر کبی
 کجوه کند اوله و عالم شام
 شام و خنده ارمی او شخا
 شوق هر کمال لای تا با کبی
 طوره یی بر تده سرور بلبل
 قلعه یچا جلد بر کجوه رختی
 یچ شام یار اولندی عکس
 باغ عالم طوله یی یکسر غلفا
 راه خا و عکس و منیرا
 چو ارب توز طله کجوه واه
 زینت ایدو عکس اوله بنی
 قایلده روی زینتی انی و جاده
 جلد جاده این جقدی بنی و شخا
 قالمیت بر تده ادم ایدو
 بر ایاغ او ستم ایدو بیکر ایاغ
 انو فله شده یی ایش
 ایشی یی زکین شام جین
 شام و خنده اوله سورده کجوه

۱۱۶
 لاله اسکنو کوز لاله کوفه کبی
 صالار جوخه اوزن ایدوب کبی
 کوکن سرینی قلب اوله مین صید
 لر بو ترتیب اوزن او کجوه سرور
 مود و شخا ایشی نکلده یی
 میدر بو کمال و شخا کین عیار
 ظاهر اولده کیده کجوه علم
 هر بری بر سر و قد و کله دار
 هر بری بر تاجداره کمال
 هر بری تلمش نهاله سد و شخا
 هر بری اجب بلبل و شخا بر و بال
 و تیر یی بر جلد خا خا او کتده
 بقتلار سیدی قیل او ستم کتده
 من سیدی جوخه اوزن غش بو
 تا و اولد کتده بر جتده کجوه
 اک المشی جوخه اطلال سا با با
 بر اجب جتده یی با یو و او کتده
 یی یی خا خا او کجوه یوزید
 هر بری که او ستم بر التوه شخا

ان شام طوطی کوفه کبی
 قافزار خوشه هوش طبل باز
 کجوه مانند اندر فتر که قید
 خوشه و توز در بلورده کجوه
 توتیا لاله بلبل کجوه
 عکس کجوه چنگل لر ای شهر یار
 نون استغفر قوس ستم
 شام رنگ ای باغ و نوبهار
 هر بری بر شمسوار کمال
 حله سنی نوزده تا جین کتده
 کتده بر و مین یی و نوضیاله
 سایه صله کجوه خا او کتده
 او تور خا خا جین و نیک کجوه
 سد مده جی ییال و بر و یی شخا
 نور کجوه و سایه ستم نابید
 شیمی و رنم خیرا انی و جاده
 منصف اصخش باه کجوه کتده
 هر بری او جاده طور بر بلبل
 من فله کجوه کجوه باه و خور

هر بری کم بر فلک تصور بیدر
 سمره و خینه ماه اولش نفال
 فراید تو بر خیز زاده نشاف
 زینین خلد که خود را تنه یام
 و کیور مکیس سیمین کوسار
 با صفا انواع ترین بر لطف
 کوریکان خاقان و این بدو زنگ
 اینین رختند او و ده خاندن
 خافه و این او غلر کورب دخت
 سمن شوق او و کربان ایلر
 ایکل مرت جاذب ایردی مین
 و وندی بو یاینه لوندی دین
 بی تو کمال اولوب اولدم بیاف
 قلدر بر یوز اورب دست یوس
 خانه بش او و قی هر شاه دیار
 و بر دی هر بریکل کم اولد و غنر
 هر برنی خوش کورب طموس خاف
 خلقه لطف ایدوب و ککی هر لک
 بلدی او غلیر سلیمان اولد و غنر

من بکاش تیغ و انلش تیردر
 وقع سیرافه یوزده ایار مهاله
 بر بخوم اولش جواهر برله ضاف
 بر جواهر هر بر که کرده نهاده
 یوز اور رکن کبی زر طاوسار
 جوتار یرده قلدر جبرافه انغاف
 صواب اولد شیرمانندی پلندر
 صحر صحنی حاکم اشکند کهر
 کندی ملده صبر و جاننده توار
 کندی کند و بی برتاب ابلد کسر
 اغلب هر مندی قوسه بر برین
 ایدی بوم ستم چشم ستم اولد
 خانه فر شو بیل اورب بالا اتفاق
 طر اباد اولدی من صحر اوطوس
 مدح و تعریف ایدردی شهر یار
 نجم استحقاق تالیم اولد و غنر
 اندک یوز قدر نیمه عشرت دگراف
 ننی دیرین غلب کلدی الکاف
 دیو بری بن فزاف اولد و غنر

دیدی بوفضال خداور و امانت
 پس او تو کسای میرلوب بالتمام
 الدنوه لده کهر بقدر و کهر
 او تو بنی او کجی یا بنی ز واده
 ایلیم سر هفتکای میری و روم
 می بکنی و صرت و جان بنی نهاده
 اول ایگاه شد و بروی خیم گشته زین
 او غلش یا بنی کور و بنی نهاده
 اغلیب طور و سال و دی و بنی سن
 و بروی بارب خیال می بو حال
 صو نیشکن بجوای جام نهاده
 او لزم بن بقه و رسم میریدر
 اشو یوزده ابارید که فاده کاهم
 چونکه طوس سارده و صواسینه
 کور و طو تیشی عامل زرین خیام
 کور و عکس خیابید که خیاب
 و می کونلک صلب طالی هما
 خافه بکوه قور و رشید که بنی زاده
 برهما یوزده جترک عاظم کاش

شماره بعد از آنکه لطف و خالق
ایلیت حاکمان یوزبک احترام
یله حاکمان یوزبک احترام
عازم طوس اولدو رشاد کلاه
نوسار نایار اقبال و سرور
و اهل الدرمه کت اوکنه فاه
هید بار بود قرافه یزین
شکر قلعه یله و کرافه
وقتق بلزیده نسیم سن
خوابیده رنج بود وصال
ویرده و صلیت ساقیسی جام
جایین شکاران ویرسم بیردر
هر طرفه سیرایدرد فاضل
بانه حاکمان جبرنگ و ریخته
نوکهار ایلیت بین صاه ویش نظام
هر جابیده ویکروده صاب
بین کیدریش شرف تاجین سما
بیرستوه الستم بانده جراه
زاریده وورنم و کوف ساون

ظاهر کرده صفه با اندام باطنی شمال ارم فوات الهام
 قوز برب فاقانیه انرا میزبان یوز سورت صفه اندکی بیکرانه
 هر یک رسم شهادت اندکی باش اورب سرجه بیکرانه
 تونده عکس طنده غفلت و هر چنان تالده تنها او غل بر شاه چین
 یوس و یروب کال یوز و بدیم سوبلدره و کالنی سترافتم
 و این و عذرا و دایه فی شهر یار طوس کنز بصله الهام
 صیده افاد او نمانع و صیاف سرو از اسک اوله صفه
 نهاله جفته او ووب با و سراقلمنا حق مقصود اندک کارید
 شهر یاره صوس و حق اوله صفه حق جانند صفت بعبیر
 سطا فی مقبوه و ترتیب اسباب مقبوه رولید و عینه
 چونکه اولدی انتظاری اری تمام بولدی بیکرانه او ب سکر نظام
 عشرن اباد اولدی شهر تصاه طوس کورم و دس اسبابی سطا طوس
 شوق شاه ی رل طولدی شهر کند عزم عیش اندکی فقر و لار جند
 او قیب عشرن سروده انی و جاده بر تو اولدی زین و اسما
 لیکه سرخیال بیری رویا و بیما ایلیم عرض ماله و رانیا
 اوله بزم اجلزیدیه کال کس ولده ایلادی انیش بلیک
 باه او طمشه اکافون جکر استکی ایدی مملکتی شام و سحر
 سوبلدره کر جاک و رده عیانه لیکر عزم ایلادی اوله نهاله
 حاطری غدا الیوه ایلادی عیش قلمشده و رده و غم نوشینی نیش

بر بودر که اتی مجوس سیدی زندگاینده ابد با یوس سیدی
 شاه طوسی بر بودر که کورمکن اولد ایشید عیش جانیه لیل یول
 غیرت ایدوب طالر ایلادی نهاله هر زاده سربسته بیکرانه بر جاده
 عشق اگر چه بهر و رور هر نفس مال را عالمه لیلی او نور جوس
 لیکه عیش بهر ساز او لیل که جانوده لده دنیاز او لیل کر که
 اکالشیه حالن اوله جانک لکار بلشده اولد و غم و رور و یار زار
 دایه افسونه نیاله ایشیده خبر طوبیشده و لیدی کما و رور
 بهر او ووب بر یکدی پروین و شوق اوله ماله سوبلدره اجب یوس
 مدیدر کوه کونده اولدی نهاله استی و رده و عشق میزبان
 هیچ انوکه احوالنی یاه ایتروز حاطری و کندن شاه ایتروز
 کند و عیش نوشتم روز و شب ایلار و رور سورت عیش طرب
 خار غمده بیکرانه اولدی کال کال روزله و رده ایشیده و رور
 لطف و لقا ایدوب قافون بولجه حق حدیق اولدی مخ
 ویده عذرا ایلیم بن بیکرانه دایه افسونه نیاله ایشیده و رور
 قوز برب زلف کبی ایشیده نعل شاک و کلدر عیش بر طمش لعل
 حوه کورم مینی ایا اولد و رفته قاله خیراته منشیافه کاف توه
 این و ایل بر لاده شورع بهر ایش ایلر تکمل شورع
 این و رازیه اکام افی عیانه اولد و ایشیده روم اید و خیراته
 بوند و شاه طوس و ایدی جوضه سر این قدر و یاییدی

بکرمی سر جلدن ابد و بقیه
 کما انما تشرق حیوانه الشید
 هم بکرمی عشقن اشراق ریم
 جو کرمی مقصود روزی هر شاه اول
 بوقراة العظمی ابد و بقیه
 ویدیه بورای ابد و بقیه
 وای بی پیشه ارشاد اندر
 وای دارم شاه او کرمی ابد و بقیه
 جگر که اول کرمی ابد و بقیه
 یوز اورب سلطان خوابه قایم
 بر ایام سوز سبک ابد و بقیه
 ویدیه وای جو که کرمی ابد و بقیه
 پس صفی انده اصب اول بر کار
 سوزیدیه سر جلد اسرار که تمام
 جان و مده شاه ابد و بقیه
 فکرم ابدیه روز شب حقه بود
 هر که بخود منور هم نگاه
 ابدیه ای وای ویدیه وای
 بوطر فده کو سروب بحد ثبات

ویدیه منت غدر جانده یایه
 شت لسانه انما انشاء الشید
 اوقیه افقوه وای بتراب این
 بوقرا انما کرمی بر سر اوله ابد
 این هر قره ای تاریک جهاد
 فاکرمی کرمی در کار و کرمی
 جان و مده عرض احوال اندر
 ویدیه ای عزم و نور و روشن
 طالعک فکرمی یوسف و بقیه
 کرمی بن خاکه یایه طالع
 او ایدر سر و بقیه ای عزم و بقیه
 سوزیدیه طالع کرمی ای شکر بیا
 فکرم اسرار هم ویدیه خبر
 ویدیه سوزیه شاکر بزم کلام
 ویدیه الهام ابد و بقیه
 لیک و کرمی بوا انده قولای
 زلف کرمی اولش ابد و بقیه
 شاه طوس نور اورب یوازین
 این سن جاده عالیه کشف راز

اوزی صوبی یو کرمی یایه
 جگر بکرمی کور ویدیه حاکم
 جاده کرمی کرمی یایه وار کرمی
 جو فکرمی قمر ای بزم کرمی
 ویدیه ابد و بقیه
 طالعک ابد و بقیه
 ویدیه وای ای شکر کرمی
 سایه کرمی حاکم یایه یوزم
 وای عزم ابد و بقیه
 ابد و بقیه ابد و بقیه
 به مصور ز صیب مالک لند انوک
 کرمی بزم کرمی یوزم ابد و بقیه
 کرمی او بکرمی غباره مهر و ماه
 جاده عالمه بکرمی اوله نازنین
 کرمی یوزم کرمی ابد و بقیه
 صاب کرمی قدر یایه بکرمی
 طور بزم بزم بزم طالع
 لعل و جاده سر نه ایا کشف راز
 اوقر اوله خاتم فکر و بقیه

اوزی صوبی یو کرمی یایه
 جگر بکرمی کور ویدیه حاکم
 جاده کرمی کرمی یایه وار کرمی
 جو فکرمی قمر ای بزم کرمی
 ویدیه ابد و بقیه
 طالعک ابد و بقیه
 ویدیه وای ای شکر کرمی
 سایه کرمی حاکم یایه یوزم
 وای عزم ابد و بقیه
 ابد و بقیه ابد و بقیه
 به مصور ز صیب مالک لند انوک
 کرمی بزم کرمی یوزم ابد و بقیه
 کرمی او بکرمی غباره مهر و ماه
 جاده عالمه بکرمی اوله نازنین
 کرمی یوزم کرمی ابد و بقیه
 صاب کرمی قدر یایه بکرمی
 طور بزم بزم بزم طالع
 لعل و جاده سر نه ایا کشف راز
 اوقر اوله خاتم فکر و بقیه

منکر و انصیر باد خور ز لیس و بواند سی با د ی سحر
 صبح بر آتش ایلبلده و پیر نقدی غنچه بفری انهل و مین
 یوق کرمه غیر بر تو جوشن باین استین دور واریه او پیش این
 سحر و ش ایلاس اوله قائم قیام میبهر یکه اتصلوع و التلاوم
 بیز باه جوه بوفو قلیه کوش اتش ملحق جانن الله رفوش
 کلمه اوله جاده اید یگی و شوی سنن سیر ایتشیدی شاه طوس
 اولمشیده سیاه اید بر کشته حال غارت ایتشیده و لزل اوله رفطاله
 غیرت لسیه بفری رازر جانم ایدی پیرنو وارسوز کوز
 وایه ده جوه بوفو قلیه کوش فی کلس یا نبه در دنده اکلیده
 میده اید وایه تیر الله که فوه ایتد بتریکه کاولده بخیر که زووه
 بهله ده غفوی بکوه لوله که شیرانی از امد و بنی قلده که لیسیر
 باش جاده اوزح یکم و ارماتی با که اوله ایه مفرد و فریاد وری
 اوینریم وینو سر جلد که ماله کلمه بونفوه بر غم مکهال
 که بهله که اتیکان نبی مصوم یسه سین عالمی زیانم سو یسه
 وایه جونی که کورده کرم اولده تیز ایتد ناه یزکلی خیال ز دفنور
 میده ایه شاهی قوم و لاله اتد رام جاده عالمین بر شمر سا که غم
 نقطه یغ غین عقل غین اولور جبر سزوی جاده و ولده شین اولور
 قوللقد رفیقه وورد و بکر قصد که ازح سیر اید بر کوش فکر
 جوه رضا و کینه و رجوی قضا یسه و ر بوانی طاکبده رضا

و کلمه نبی اشدر بتیا کلمه بولکن جاده ترکه ایتیا
 اوله مهوتابا سکر قده که سما یان شرع قایه جفت اوله سما
 کهر که لایق بود و رای تمام ضم افعه طابکله سکر انتظام
 بر کمال افعه قرانات شرف طول انوار سعادت مرطوف
 او شاه بر لبین اولدم راقه کلمه غنچه راقانه اولوب بشیر
 بیله صیب اویدیه اولدم وایه سیر سیر ایتد قیده کورای شاه جفا
 صبه صایه سیده بر بر تمام اولدر ما نو کو کلمه شاه کلام
 شهر یار چینه وارده یه ازاره اکرم افری قصه و ایتدیه بیاه
 جلد بکهر اولمشیدی انم جمیع بو شارت افری اندکرم سمیع
 هر بهک طبله و شارت جلدی هم میامده لطف کافیه الکر
 بر ناه مده کورده یکه بهله ایه بنده الماس کلمه شاه و کناه
 جوه اجازت بر له کلمه ی ایلرو انجلیب جوینی او روی سحر و
 خاطره لکجه بهمان شهر یار اکرم قد ایتدیه قدر و اعتبار
 بو تر لب ایتدیه زنگی غ طوتد رفوشید این جام و جم
 ذکر ماضیه بر اینه اولدر نکر استقبال له خوش حال اولدر
 ایدوب اوله کوه اوله کیم بکوشم ایلد یار مهر و ماهین بر جام
 میز باه عرس بکوه پیرا و کورب طرایه طوس خیام
 زریق شایه و حیرات قات کرد و جفا اید یزین
 قلوب نوازم کلام افری و بهایه نایه اوزح و لا

و نیز ترتیب روبرو اینکیز و نیز ترتیب اینکیز و نیز ترتیب اینکیز

چون برونه طور می سطر بر سر	اچدی خنای قیوس کسر
عالم شوله مکلوزر قلده شکار	بر زر اولدی صحنی غیر اوج دار
چهره افایه اسرور لایله	هر اچین عسرتال بر سور لایله
دو لفر بسل ایله زیر سطر	بر یوزین طله نورانی سطر
خنش اولوب خوانی کرم هر بریکه	اولده و عشق طر و ستر اسر ماله
یس بونده قلفین سلطانه طوس	چین سحرده اندرب بیکر صقیق کوس
بید او غرور زخمه اورده یار کما	دولدی کوفه بر دیال عالم پر صفا
سکادوب شوق و صفا عالم لاب	صور لر اتدی قیامت و بار
یا قدسی صبح و شب کمال قلده خاک	بلبله انده دلده اوه و دره
رقص کرده سرور عرو و وار	بر شماع اولده صفاده هر مایه
بینه او ایدوب شوق طوس اوله	اچدی بر برنج یوزین کین و زر
نیم کین زکهر حفره کوس	عوم و غیر شکر و ترخ ناره
کینین انوله و یفا اندر	یعنی خلوص اچدی یفا اندیار
چونکه شاه اتده بویوزده یمنی	اولده یقین بر کشتن خدی یمنی
قلده مهر لر برنده یس قیام	بر سر سحر ایه طوس اولده خیم
اوله قیامت عرصه سی کین زمین	اولده یکسر سحری خلد برین
اوله قدر اتده طهار از فحاشام	اولده ابر شمع رسد از غم دام
نوع افسانین ک یقین قاور	توش و شیرینک صابر من بود

کم صوبات ایدر و ایمنه	واریده هر نوع و حبس لطمه
میزلب زرین صحرای صاب	بر یوزین سراسر لایله افاب
سیم تبسیر مالتابا بنا ل	قلندری صحنی و زهر و بال
بدن چینی کاسه کرم و ده کبی	نیم کرده علقه صفوه کبی
بریکه شکر موده کوزه انشاه	دوله بیکر قاص اولوب زانگاه
ایلیوب فتن زینتی نقش چین	بر قلب و سبیل ایلام هر اچین
طوسک اولده کرمده عالم مرصه	خضر اباد و قیامت عرصه
زین جنت کین اولده کلمه شانه	بسن زار و لاله زار و برستانه
صحرای من ملک کوه خال الذره	مهر و ماهکین یس وید یار نوره
زر نهایی لاله و شنده زنگار	خواب و اس صافش سیر و بلبله
غوت و صدر یل بولوب انهار	سینه کوه و تنگ لایه و ار
قورم در طموس ایلوه برکت زر	سر تر کرده کیمه فرق بکار
هر برینک یوزده اورده هر لاف	کوکب و زهره یس رفقا نوصا
نیم کین زر سطرلاب جهانه	ایمن ضم ابوش رسوم نطاف
رفعت یوز یایا کرمه فزوده زفر	عالمک عقیده نقشی رهنومه
قورم بر ساغین اوج عایر کر	سیم و مالصده قروش ستر
جلد کمال یا قوت افر زینتی	عصا صفحه بر و تدر قیامت
اوج سیریه صول نقین آدر	صدر کاهن برقی توین اندر
وصور زینتی قوناک عاصه	نظم یکسر اطلس و دیبا جده

صندیل ایک قولہ الجیم صاب
 ہر بری برکوشی ذات البرو؟
 کمی صندل کمی عوم و ابنوس
 اوکر نزا الجیم فوسندہ فوہ
 عقال زیو کہ کن کارہ کنند
 فہ رندہ برک سطح فلک
 قنف و صنف ایدم اولہ بزہک
 جوہ قنوتی تب وزین اولدی تلم
 الدہ واروی میروار کاہ قنو
 صد ہزارہ عزت و تقطیم
 بیش روکلی ایلب اقبالہ وار
 الدہ کلہ اولہ فکر این یں
 کدہ زرکت اوزن قاقہ اولد
 یں محال بلشہ و برو ب یمن
 ایلہ یار ضروری قافہ یار
 لاہجہ اولد و و و و و و یانہ
 کائن اولدی لاہجہ بنی خنایہ
 شاہ و بنی اولدی شاہ قافہ یار
 ہر شہک بیری تقصین ایتد

اوکر در لہی بر تو ماہ صندیل
 یا فلک رخسہ بونہ سرو؟
 ہر اکا زرن طلہ ہستدوس
 طویلا اقلہ کہ ایلہ سرنیکونہ
 فضا سی ایلہ فوم ایلہ تنہ
 صفا لوصندہ سبع الوریہ
 کانہ خیر اللہی عقال انی جاہ
 نیلہ کور مینر باذ و کتہ و نام
 شاہ جینہ صور دی رکاضہ رو
 بد نہایت ہر تو تکر عیال
 جہل شہتہ شہم ایدوب خاکسار
 تاہجای کونہ کمی زینت وینہ
 بزہی بر نور ایلدی ہانتہ بدہ
 الدہ صاغ یانہ او غلہ شاہ چین
 مہن و بروی اولد و زود یار
 نولہ علق کلہ علق یانہ
 و لکلی لا بد و و و یارہ کافہ
 اکہ ہم ار و شیر شہوار
 بیدہ کوفہ کمی تیر تیر اندر

بیدہ گتہ بیدہ شاہ ایتدہ قراد
 ہر ہلہ نہ قلہ لرت شو ماہ بیر
 ایکہ یا کا باقی اعیانہ وہ یار
 یں کلون ہر و سپاہی جوق جوق
 شاہ چنیکل ماہ طلعت قوتلارہ
 کوفہ لہی التونہ بنش جہلان
 طوبین الماسدہ تیغ و ستر
 البین شاہک قفاسن قات قات
 این فریدی اولہ رجا اوم
 اشہو اسو بیار ہر شاہاں غلام
 ہر بری بر سرو قد و لکش کوزلہ
 مہر و مہکین قفاوارہ اولب
 بزہ برو جہلہ و بر شاہ کوزلہ
 انی و جندہ طور دی برو کوکلیار
 میر ایدرکن اولہ قیامت عاتلی
 بیدہ جوہ طور ہن او تور اشہارہ
 تور و لڑا یار کلب جاننا زلہ
 مہر و بنیین ایدر زریو
 ایلہ یار ایلہ مہر و ہاہل ستر

بیدہ جوہ او کتن بیدہ کلہ وار
 شاہ کاہی صاغہ وصولن بیر
 صندیلہ اوزنہ قلہ یار قرار
 ہر بری اندیار بر طوش سوفا
 ہر بری شوکتہ مہر و خاویہ
 ہاہل بکڑہ ہر بری بر سیمون
 بیدہ سی تیغ و ستر خوشید و فر
 ایلہ سیرکہ عقلم ایدر زریو
 بیدہ کوکدہ ہلکار ایلدہ
 پنج بیکل فرین کر و چی عالم
 اور و بن سون صفت خوشیدالہ
 باشی او کتن ہووارہ اولب
 کوکلی چارہ قلہ شہی ماہ خور
 نور شہی سیر ایدلہ ہاہلار
 بیدر دی این کتہ بن امین
 ایلہ ایلہ طرب جنبہ سیر
 ایلہ یار و نغ و شہ پروازلہ
 طولہ ایلہ سیر و صحنہ شہا
 قلہ یار جوہل تر از و شہ



کسوف افلاک که بنده شمار
 چارمین اول لب عاصم قلندر زار
 بهلوانا طوطی را باش باش کورش
 جوضه جقدی سیرجوه ایگ کنش
 گاه یشتی باده او نور کنی که طبع
 طویله دورا که کبی اخو ایج
 بر یکاه دور اول لب کاه باز
 اولد نر کاه لوده نفه ساز
 و ندرت نوجو جی بر بر با غیل
 او نیت خورشیدی که لا غویا
 لیلدن الققه هر برنا هو و ر
 نیجوزمه انم اظهاری هنر
 می طاعت او زبانه خوا خالار
 جاشن کیراه و نسا بار لر
 هر بری و مستنم زین پیش کیر
 دور ایدر کین جنبه صحنه اب
 با هساب انوز و صلی بنیر
 اندر زین سماطی شاه و راه
 یا فلک زین نوری افتاب
 یو تله نصیحت استند قلدر یار
 تا که نقیصه قالد عرض سیاه
 یشتی لاندی زین مانه
 فرض مهر و باجده سه قلدر یار
 بقدره جوج اولده هماده خایر
 کوریت جکدره قاشقار کبی
 یو روغن غرق و یردی عالمی
 باشد اشده طندی او جی اخره
 ارید یار ساحلیه نفه تناک
 و من و طوطی عالم اولده صاه
 ضیا ایلخ اده اولده صاه
 یو یار اولده زین زلای
 حاکم یار اولده شاکر کلاسی
 هر یکس بشتی و شده بر سماط
 سفیر لثوله صقلده اینساط
 الیدی بونیده غذا خور و ملکر
 طویله سیری بر چشمه فلک
 یخ شربت کالدر و کسیر
 اولده جیوه کبی شربتار سیله

ینده اجلده م عالم قلدر یار
 قرص مهر و باجده سه قلدر یار
 میر با کیم سلطان غلام و حو
 فین کرم و رسم لک کاه غنا
 عی و وارزم این یار شاهی
 اوزن کیم الله خیا فخر
 ایدوب و بری شرم و تقوی
 و نور زین یار
 لوبازده بره قصه
 جوه یلب اولده طعام ازی تمام
 ایرده دور جام ایرشد و شام
 ریلپ افلاک که اتش باز لوح
 قلدر کوبلر له جنم انداز لوح
 اسماه بنار اتب بر سر سحاب
 عالم و یردی کاه افسانار لایب
 مایه الجنم لایدج بزم ساز
 ربور کسره جوقه حق باز
 یس یقب فر آشلی بیدج و اغ
 بولدی و یردی لجن و غنچه و اغ
 یاشاره طور فر اتر عاشق کبی
 یکد یو کبی رو تو صامق کبی
 های فلک در و زوی مشرعه
 زلفی شکیند هر یاز قلدر یار
 یاند جملر جکرده و رده
 صولدی یار بزم لجن باورده
 بزمه ساقی کلب پیش اورده
 قاو شرب الایاغی طورده
 زهره ایلر مزلده و لیس
 عکس لجن و شده صقل کوه کبی
 میده اطرافن جوبه جا یار
 ایکی تولده سرو سیم اندام لر
 قلمی و ریلپ کوه کبی
 لولب التوقد جا کوه کبی
 عالمه قلبن منور قلدر یار
 زهره ایند منظر قلدر یار
 ماه رولر صونده یا قوت فر این
 جهرن کوه کبی اولدی لایب

هر که روزه تریاک جانده نوش
 قنبر قافه جگرده قلده خوش
 بزم ساقی پی افشود بیایور
 طاشی لعل طریقی التوه قنور
 منکر باقتد منقوش در می
 مفعولید بر من یوزیلانوی
 صوب بود جاده بزمین قنبر
 قفل افغان کلیدی میاید
 بایر جاندر حکم اصله اول
 نوریزم اندر بقافه قولی اول
 مین زرمش اوج خفا نادر
 صمیم وش مطلق انوار در
 اولفین فوق و حیاتی علی
 روی نایه میر میسی اشلی
 شمع روینده اور نورده فکر
 جام مع ایلین اسکندر
 اب صرا و قنم امین روا
 کلم بود راواض و صحن روا
 ناکلی جو ده ایدر پیری صوا
 صتی بی ساف ایلر و طبع روا
 بفری فایده صراچی و فکر
 اب و رویه صفای عالم
 تان زمر که نهانی جو کیم
 ملدی اوج کال جو و روکی
 باصفا ساقی ایدر بزم ساز
 اولده مجلس ایچی بر سوز و کاز
 بلبل بزم ایچی طودی گفتوگو
 بس کلر مطرب او رمی سرود
 هم جکب دله سراغ از اندر
 نفرا و جنم پرواز اندر
 طوبین راهی مجاز بزمه
 قلدر سیر غراف و اصفهاده
 نیار که جایشی بر مود ایدیلر
 نفوذ عود که یقب اوده اندیلر
 جوده ربانی قلدر قانونی یار
 سیند رمق کبی اولده بر گزار
 ملقار جو فکر می جو فوش
 طوده مفاکر کم اولب که کنش

خوبلر بیل رقص اتده فلک
 کوکده ایلر ایلده خور ملاک
 اشو اسلوب بیل ایلر و شب
 ایلدی لکرتوزم و طرب
 یلنر بوجا بن عذر او فزی
 هجو ایدن ایلر صفه و کور
 بار ایلنر و لندیر و ایدری
 هم بهاشای هم میایوده لایری
 نی کبی دله قلوب جوش و فوش
 یکم لندیر ایلدی عیش و نوش
 قمر او لشدی حال لایزین
 پیریز که کرده کبی اختر لایزین
 روضه و جنت کبی باغ جهانه
 زین اولب قلندر جاده انوار
 صانعوه ادم بوتصویر حال
 ایتنوه افسانه و مویضال
 میمنوه اولر نو اسلوب سور
 کمتنوه بوقه تمیلن سور
مد و اصف صفت بیما ناله ابراهیم با شایسته با ناله
 اصف ضاعب قو اکل بر نظر
 سوره تربیتی سیر اندکس کر
 قصه اکل نشده خفته در
 سوز دروم بیور و کوفه قلم
 اوتوبیر صفا اکل بویاده
 صدق و کریم شاهی اهل عیاف
 نوله اولم منتر لک اصف بکنر
 اشد بونده بیکر کز افزوده کوفه
 بنی مقبوله صمد در تمام
 اشکیر سبح کابی خاص عام
 فکر و رای کشور که معارید
 عوده حو بهر اشم و کوفه یارید
 بن قلمند سخا سی عالمی
 نیمه خاتم جلال اهل عالمی
 حامد مین و خانی ملر و اوله
 اوله سیده لایق ملر و اوله
 کوکده اندی نام ابراهیم اکا
 یف و شمشک قلم هر کیم اکا

شماره ایلات و یرب صفه اندر
 بی تو بکار و ینب بالاتفاق
 عقد ایشی افرا و یوب بولد نظام
 بی خواتین جهانه مانند شمع
 ایلبه شطاط لوی باغی مثاله
 اولین خیراته جایز ایلبه
 صله ده جوه عکسی رفی و ازاناب
 ویده یز ایله ایکی اولده باله
 زیر و بالا یرو کوله طولی باله

صفه و حرمه مشاهیر و

کودم ایروسی خیال و سیم کار
 سرفروم ایدوب حیامه قلندر
 بیقر اسنده یکلده دایمی
 و شفی رلفی کبی اویده یانی
 نوره جانت تشاره تورمش کاه
 صونده یاینن ماه توکلی بیما

صفه سر کشته

توکلی ایتک و مرکز سر وار
 و سیمب شمشیر قوروی سزار
 غمخ سی شمشینه جکده او و توکل
 خیر تنده ایلبه ایشکن نیل

صفه خانه زده

شانه ساجینه اورم و رکن ای
 یوریکال زلفی صرشدی می
 صله ده غده بوباله و این جاف
 اده اسکینه از و پاک این جاف

صفه خاک رده

جولک ضامه انقش اولده سز
 اولده غده بنجه و جاکه شتر
 صفه کفی طوبی رنگین رتم
 سیم الف اولده زرین قلم
 ۹۰۰ اتب بلده و قدین فایه
 کال لیب یوققلدی بغه ناه
 خوه عاشقده و بواتیده خیاله
 یجلیجی باجه ده خلقه اده
 صوندیه مستین بکی ضایه
 اولده سببه قلده یوققلدی قبه

صفه کلک و کرده

نور و ینده اب کلکن رنگ
 کال کبی و یرو روی کوه رنگ
 سر و رولده یحالیته شفق
 یانده او و اولده یحواله ده
 فلج

صفه سفید

صده جوه مهره تنور ایله
 جاده سفید اجه بصر ایله
 بلده تنوی یوققلدی رقیبا
 نیر اسفید اجه کافور یل اجه

صفه نوشوار

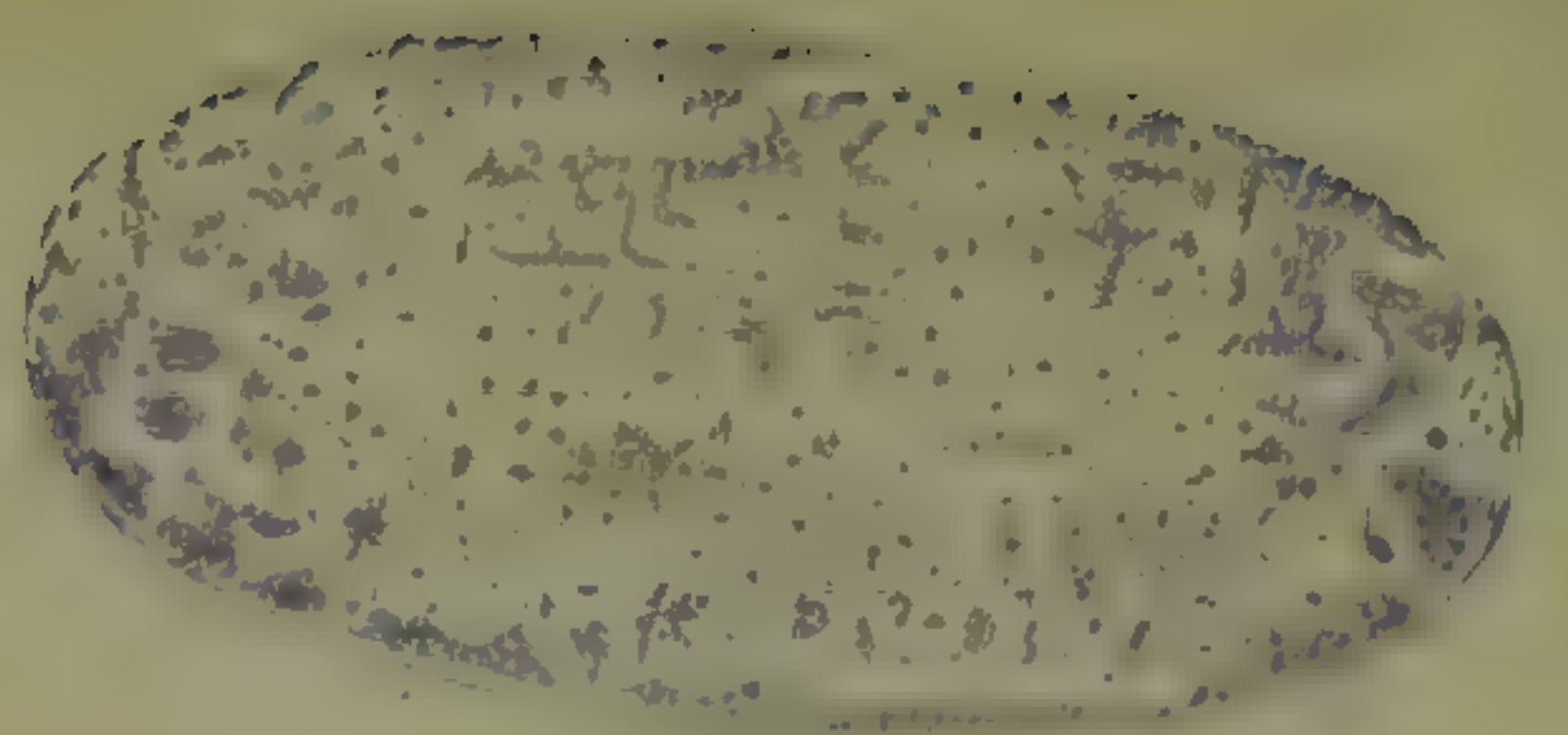
اولده صدق نوشین کور بعل او
 سینسی و لده و تره شاه وار
 بواشه حیراته قلب یوققلدی برین
 هام و یروین کوهده ایدی نفون

صفه کرده اذ بند

اولده کرده بندی خوه سلک
 قلده عکسی یجی نور و فر
 عوض اولده کهر زنا کاه
 و بر رایدی بند اده اتش و اده

صفه زخیر و زور

صبرده اولده سینه صاف کار
 بر نوی خوشنیده یخیز و زور



صفت
 جو کز او بدی و سستی انگیزه / صوندی فیروزه نیکین و غیر
 صاف صاف لاله لاله زین ایلک / کال نهالین لاله لر زین ایلک

صفت و تاج و پیک
 کوزه کبی جوه اور در پشته تاج / ایدی میده باج و اختیافه خاج
 کیده اوله خوری جو نوز کمال / ایرده یرو خور خور اید افسان
 نرویه صفرا قلده خورش / کیده نارنجی قبا اولدی کوش
 جبین جوه کال کبی ال ایلک / طوف بند انده عجب ال ایلک

صفت و میانو کمر
 رشته عی جاندر بای او طائفه / زر قشایر قلده لر کوه لر خور

صفت و نون پوشیده
 کال کبی جوه نون کیده اوله کمال / ایلده سرو ایا غنی لاله زار
 شایه و جاده انده عاب و جلال / لعل خور اولدی قشایر جلال
 صف اوله لعل طودا غنی رنگیدر / کال کبی رنگین بکای رنگیدر
 قلده بیک نیاز یار برنده قیام / سرو و کوب کبی کتوه خوام
 شایه سنده باغ خاله اولدی بهین / سیح طوبالاک و دی جو خیرین
 جفده جوه صوب کبی قشایر واه / سرو یار یار یوز رانی و جاده
 قلدر لر را صنی روه بیاه چاین / اولدی جنت گلشن صنی بهین
 و این کال کبی جبین اید و این کرد / ایلده کال کشر باغ ترزو

صفت
 یوریدی لطیف بر ایلک قدم / نوزی بیرونده و کده جوقه اوزن

صفت
 یکدر بر اسماء یس باه ایا / کیم طیفوری طریقه صبا
 جلد اندای فلک ترزیندیر / ماه و مهر لک جام و زنبیر
 عن سنده نوز لوروی صمیم / طر سنده شام او لوروی شکیم
 اولو خاتون هر کابز طوتدر / نوزده باهیک نقابن طوتدر
 یوز بیکل اغاز ایا قلدر یار سوار / صند کرمه اوزن مهر تابدار

صفت و توج پستین
 ایلدی جوقه اطله توج / کاه اولدی مهر و ماه نوزنده توج
 نوز عین عالمیدی جوه او جاده / بهه ساز اولوب اوزده قلدر نهاده
 صیحه دمه جاده لکی کرکده اول / تا اکا چشم صوبه لیا یول
 صنی شوق یلخن ماه اولدی نهاده / لعل کز ابراج یا خور مهر جاده
 شهر الجنده غم صو اقلدی یار / بر نفی کلکشر و حفا قلدر یار

صفت
 بوه صغیر رصلن بنیاد ایده / قصه شهرستانن آباد ایده
 بویل یاز شکیم سسایه ی قاف / ایتدرب جاده قومینه مهری طواف
 حشر زینا کتور صوب کوه کبی / فقر رینا و ایدوب کرمه کبی
 یابین اولدی بهه اوج عایمه / وصله آباد او روی او اهل و یاه
 طوس صحران قلب جنت نهاله / بخشیدی نوبیک ناز که ضیالک

و ابو ایخوة الله تعین بیرونی
 لایها بنو برین ام ایله
 جلدنگه اب و هولسی جاذفاه
 ایرشب القصة اول قوم کرام
 بغلیب قول قول الایال طورور
 بوزله ترشولایب خاقانه چین
 اولدی عذر ادر و کوهی لیم غوغ
 حاکم یای اولغین شکر حفظا
 یس نکارسی طوبی اغرازایل
 اولدی بنی خاقانه تسلیم ایتدی
 جوة او غوره قلدی یوققره
 شاه مودیاة و هم و افی نهاده
 ولیدری و اچ بو اینیله
 اولدی یقین قهر الوب کلدیله
 یلده قهری سیرافه بویکه
 هر بره هوش ایدوب برچین
 اولدی این عوسسی قهر
 مهر شتر کس و اوج و عذر انک بر بر صبح قره و یاه
 یاقوت مانند بر در صبح القتره اندکای قره و یاه

جو کله بود هر جهاده لر لینه
 بر شمع ایدوب فکر کاغذینسن
 کل کله قلده شفقت ال طوائ
 اولغا کونلک کبی خوش شایه
 یس اولو بکار اولوب برین
 و انی بیک شرت و نفی طمیل
 شاد قهار برک الو بکلدی
 اچوبن جنبه سر انلی قاپوسن
 ایلیم یایله کوهی بر نشار
 مندی بکار قلده نهها ان شاه
 ایلیم صلیون سر ایه یان خوش
 میدیله شایا بیور و لاله شام
 شه و فی یوز لطیفه و بیک اکرامل
 اولدی سر ایه حاصه جنکم بصیه یاه
 طولدی کلکلیکله فر و سی برین
 صکر ایدوه منزل بلقیصم
 ترشولایب شاه اولدی سردخام
 اویده شاهکوست کوهار خیل
 آتش شوقیل جوة طوشده لر
 مندی ترتیب و وسی لر لینه
 و وزده قوشده یاه کده کلخان
 لاله وار لیتدی سهری بر جواغ
 و زر بر زرین جنبه اسما
 قلدر کولک کبی سهری سهر
 صد هزار لاله غن و شکر پیل
 کوه یوزنده جوخه بر توصلدی
 قلده خوریله او شاکه طابون
 اولدی رراهنده جانده مالکار
 اولدی حوریلر او کچی بیک راه
 اویدیلر این یوز اورب سایه
 سور جهاده طور و فی و رانده و ل
 شوق و جده سرور و تاهل
 جاغب کولده ملکار و حبا
 دقصر کوه یار مقامه حورین
 هر اوینه بصیه یاه عیسی دم
 لطفار قلده الف قدیس لام
 قلده تسلیم اکر کوهار بارنی
 یاهوانر کس ال طوشده یاه

شماره خال لبه لبه کام جاده
 بهر شب آید نهاده کمال کبی

صفحه یوسکاره

بر بری لعلند خال لب لبوس در
 قلدر اول نمکده چاشنی
 اول نمکده حاصل آید بهر جاده
 اول در شهید و شکرده کار واره
 او شرب اگر طوفه کلاله
 قلدر اشفه ده سنبله
 قلدر انداره مشکلی به قدر اندر
 ملک و مروت و جود غدر اندر

صفحه دس با نده

لیرون اول نهجا جیلر بتاه
 اوله بازه ایلیم دور اف کبی
 انده اول نازیل کمال کبی قرار
 ایلدی سرکشکل اوله ایلو کبی
 یاه کو یاه رفقه بر جوش اندر
 شیره او اولین ایلو زبوه
 اورده در سب و زنج و ناره
 شاه سرور اکلر جو کاه کبی
 دوتدی بویوار رفیقین شایه دار
 سور و پوپای سر و صو کبی
 جاده خانی عین منقوش اندر
 قویون سرکشکل و یرم بر سینه

صفحه عربانی

پس اورب و این و خال نهاده
 جقه سر و نه ده جو کال بر این
 شمعن قمر که سر اسر قلدر نهاده
 قلدر بر بر جاده رفقه فی صر
 بر تو اورده کوفه کبی نازک تی
 قلدر خال ده کو کور خور و قلم ان

و ایشکل اول بر تو الوب وین
 دیده بونور بصورده
 کم افقه بوکل وین افده بده
 شیلر مکش نازک در زین
 کو ستر جاده صورتن ایلنه فام
 تن مکال ده عده ده بوبده
 شت ایجنه فی صافی مثال
 بلده برین ساعتین سن
 بو که طاقه این بیور می بر
 حل اطلوش پیر هندروالده
 صاف ظلم سیمه زینیلر
 کورده هم در می بو سکن جام
 ریکل ده ایجنه زکین رسته ده
 خونده اول کسره نازک خیال

صفحه بتاه

اوله ایلر بتاه جوه قلدر نظر
 دیده یارب بو ایله سیمین حبیب
 بکرز ایله ماهیبه خوشید فر
 بر نهاله او کتنه ایله غنیه
 صانده جاده فشمید اوله ایله کلاله
 عالمک عینین بنوه ایله خراب
 اب شریفه عفرش طشره
 بهرینه تشبیه ایلم بوزالده

صفحه آشف

نافی کورمه کلر قلدر و نکال لاله
 هند کم نقاه سلطانیه اوله
 دیده یارب بو کو بی حلاوه
 صحنه اب او ستنه ای کالدر مگر
 بر نازه کال کبی اورده آرادو
 صلح صبر و تنق قالمادی حال
 یانه کلاله سلیمانیه اوله
 کوکل بتمش سارگی ایلوا مده
 کوردر نیاو فری خوشید فر
 پس نظر کس لین قلدر کو

صفحه فی سرجیه

کیم لکش کورده جاہ نقد تمام
 ایلمش اوله کنی نهانه با سباه
 وید و این کیم صاجب قواف
 کوردم بونکال کیم وور طلسم
 بویلمه یلب قلدیه اقدام اوله ایلمش
 ایلمش بقلب قلم قلم ختام
 خلق اوله ایلمش بشو بر یالقه
 و فخر فخر اتشمه بکر افه
 فتح شکل رکه بقا و بر بوا سم
 بولم و یلب قلدیه اقدام اوله ایلمش

صفه مایه عشرت

اوله اورب صوبده کافن غمناک
 روشن اندی عالمی نوزده فلاح
 نقد جاہ اولده نهانکن غیاہ
 کورده بر عدله قد صد نفورده
 اب صیواہ چشم سید بکر اوله
 سر و ایزه خون بکر بکر نور
 باب سرور حسن صینہ جوہ و
 بقیه و انتقاد و یدم اکرام
 برکه کلمه تر شفقه و یرم و
 نایه و ر قوش و کال انکشا کا
 و بر و سیمین و نیندر کاہ و
 کوه بکر شافرا و اندر نوزده
 با صمد کورکم ایزه شاه استر

کال کیم بندینی جوزه و بونکال
 کوه یوزنده صد کتر لده شفق
 عقلمن یقالده شاهک سیمه
 استر او نور یلکله بر دم سیرایه
 جوه جنت اشیم سید بکر اوله
 جنت الجیریند بکر و و فصور
 لکله انده اوله ملکه و صلا یوله
 اوله عنقا بقیه سی اینی نام
 ابد و روشن کننده کر ابد
 ایرمشمه انش و جند و اشکا
 قفال الماس و کلیدی لعال و تر
 یا بکشتل حوضدر بلتورده
 و بیلده کاوه اکا متانده

تشنه کلمه نوش این اب حیات
 اوله نذر لطف تکین ایلمش
 بندیر کشکله ایدب اوله سرو باز
 قدرین کیم تیر ایدب کاهن کماہ
 عاقبت اولوب لاه اولدی این
 جوه بویوزده قلدیه طالع فتح نای
 اوله سرایه خاصه بهما ده قدم
 اوله علم بر ل شمشا صی جهاہ
 جونا کجا نوزده و ادمه و یرم و
 اوله شاه صفر و اولدم بیا
 صحن کازار اچره و کده بر ناله
 صفی یاقوت و جاہ اشک
 جم کیم طاقندی لعال و انکشر
 لصدی مقصود اوله و یویول
 یاز بقیه وصال الینه نایم
 خاہ جوه نیساہ و ش اولدی قفل
 بولدی بو اکیره جوه عذرا و صوله
 بلدی کا و لدی یوت بر سیمایه نای
 قینب جوه ایلدی قوق زید

پنج سی اب و زن اب حیات
 فوق ایدوب کقصه تکین ایلمش
 که دعوت انده کاه اندی نیاز
 قلمه فکین ایلدی یل بر ناله
 قلم و سلطان طبر و یلمین
 پس یور دیوب ضرورده و کماہ
 قلمه اوزن کوه کیم و کده علم
 بره جوزه ابر صحن قلدیه عیاہ
 حاطر سیکل عقق سنی قلدیه حتر
 اب صیواہ چشم سنده کا و افه
 باغبانده و یرم قلدیه و ش و لاله
 صمد و و الله کیم جاہ اشک
 بولدی کرم و و کیم یاقوت تکین
 قلدیه بیلین اب سنن سی اوک
 اوله و و ات سیمه تیدی خاندی
 ایلدی جاہ باغنی بر بر کو بار
 نیندی سر ایلکال اوله بر او صوله
 ط و زرنی انده کا و لا انکشا
 لعال احر اولدی یلمین رسد

سرخ رو و لوت حاصل اید چاره طلب اولدی عذر انک جای افتاد
 پس نمایانند اید بن شوق لوتی بنده چمن این جنت کلان
 لب بلب جوینم ویرلدی عیش و باغ و مزوج و جاندار اولدی
 بر و بر و دست فتن عالمک باشد افندی حوۀ جاری بود
 بقلدی سیر و نظر را بهنی خواب قائدی خوابی جاده شمعین
 بر برده جانده و راغوش الیب جام غفلت شیرین نوش الیب
 جانور لده اولدی سر سبز و جلالت که کج باش کتور و افتاد
 بر لنده طور و بار خوشید وار میں سر سبز و جاندار زکار
 جانور لده شکار زنده اندر بهی ز کل کی خند زده اندر
 بز لجه و صد هد این اجدد کج قار و و و ش و فاین اجدد
 شوق قدر بال اندر زلف و ندا نوبه لجنوله نو غده ویدی هر کدا
 قالمای شمعین اولدی عاده نشانه وار سه المند را لجن زرفشاه
 او فی اسرافان اور شکار سخا عشرتجوۀ نفس ویر شکار خا
 و بعد تاراه ایدر عیش و طرب اهل و له خو و جگر سیر و شیر
 اولدی کو هر بنی بینراه و ش و کل باره جکسر کرک سن و کلک
 لایع شمع زبایندر زبانه میں صدق و شویوم شکانه و خاه
 عارف حکمت سیر و کو هر بتر انکال سیم و روه ز روی ز ریز
 عقد منت سنن و افروز بولار اهل و له خو کی اور نمر بولار
 زت و کلوک و ده یوقدر هاک شاه و راه ایشکیده ملتی که

فطر انتر سالی و کز ایلر عطا اولدی کرم بایند و جو و ری صطا
 قصه و انعام ایدوب قمر غنایاز اید کنایت سوز رنده احتراز
 عورت و عیش و فاق تمام و لب و خی آیام و با و پینه
 محبت و عاشق و متوله و عیش قصه و غنایاز
 آخر اولدی جو کله کار عقد و حال اور شاهنشاه چمن مقصود
 لایع و بهمن اولدی بر و راه جانور لده عقص ز بولدی شام
 نیمه کونار ایلدی عیش و نوش طو تده افاق ایچنی خوش خوش
 کاه عشرت قلدی یار کاهن شکار کاه فراغ و کاه سیر و فرزار
 بو کوه اولدی کلشنم پرواز اندر نیلای قونش لده ساز اندر
 باره اولدی بز مکاد اولدی شیار کوه کله و و راهی جام خوشنوار
 کلدی یار کلدی یار اجدد ر ملای یار و کلب شاه جلد ر
 شیر شکار کج قار شدیم ر که مور لده یار کله یار شدیم ر
 لاله کج که طو تب جام شراب کاه ترکس و ار اولدی است و فاب
 سرور شاهین پیرا و ایدندر سبز در صحن طراف ایدندر
 ایلدی سیر و نظم و خراب طوطیه او کرتدی یار شیرین کاه
 صقلین و کدر و ریللار که بولدی سکین شاه چمن شیلار که
 که کال افشاه اولدی از بار که که ترنم قلدی یار انشاه ر
 که اورب ان حال با نندی صبا کاه کج جاکه ایلدی بر بر قبا
 اندر رخصه اچ و بر تاب و زرافه میں صید یار کو کله یلد ز رنر

ماهی کبی قلدر کاهه شناه
 طوغدر طوغدر لند یار هاند هاه
 برینه صوبت اچنم بشاله
 ایلد یار صو زب اشفته حاله
 لیدر صومده صوبت جوه جابه
 ویرد کوکود و تابه و مهر فر
 دور و زناه رباب و جنگه
 ایلد یار زهین سازه شکسته
 مهر و ماهی بزهر قاق اندر
 کاهه بزیم و عیام و کاهه خاص اندر
 کیم کوندر البویوزده باحصار
 ایلد رعیش و نوش و بی سده
 پس و رونده زوراید و جی وطن
 رولدی رعیش لیلی هوا طرده
 میدر رولدی شری طوس دزیر
 سیریدر کاهه و زعزم و دیار
 یام شهر لکتر و بر مصر
 عیش صومده کب رولور شور
 خفته ایکنر فتنه لرید اولور
 خلق بوکیه صحنه و نیام دار اولور
 یاه شاه جو باه رعینه ره
 کریکین غفلت کرکر بومه
 ایلد یار بوجده صومده اعتذار
 پس شو غزمینه کور و یلیراغ
 هینر باند و الد و عزم اوز بار
 ناله لور و راه اولق قطار
 سار بانا جکه اطوبت مهار
 صوبت ایلاغ اوکنت کلدی افس جاده
 طولدی غفلده زین و اسماه
 یز باه سرحد و کهر خور
 کوندر صوبت ایلد بخت خور
 اوده ای و ب تو یار و سیاه
 هر بره ملکته قلدی عزم راه

صف اقله و روزگار

بوبله و حایه جانکده هر زاده
 انفالده و دستن و کوه و بگاه

کوندر یوزده طفه کلس مهر
 برقرار اوز و کله بوسه
 بریشاند و قو جمعیت
 هر زاده عزم و خود ندی
 لطف و قهره توده هاند و زور
 کاهه و و عذر ایشی کاطب
 هر عمارت کم اساس اولور
 تیزاید ربار فنا اذ خوابه
 جایز اولور ایه حکم استناه
 عاقله اولور بوکه ایترا اعتقاد
 نیمه عای قدس و سنده و نور
 یتمع جان شکسته اندر بولور
 بیکه خورید و نک و زین هر ایلده
 شام کن صیاحه و خورده ایلدی
 زاله و و راه جوه او قورافچور
 ستم و ساینر قلور بفرنی دم
 نیمه سروه ایلد و سوزیکوه
 نیمه شامه قلدر صوبت اولور
 حاکم ایلد و نیمه بیکر سیمین تینی
 جهر سن مهر و ک بو عذر زوایه
 بوبله و اکلده بلبلر ره
 بوقار ایلده و ج ایلد بودر
 مهر و ماهی و مهر صفا نورعین
 عمر اگر هفتام اگر هشتام الله
 جان خلا صوبله فایندر بو عمر
 مهر خوشبو جانکده مفتوح ایلد
 و و ایست الدنم بوی زکلسن
 برقرار اوز و کله بوسه
 هر زاده عزم و خود ندی
 لطف و قهره توده هاند و زور
 کاهه و و عذر ایشی کاطب
 هر عمارت کم اساس اولور
 تیزاید ربار فنا اذ خوابه
 جایز اولور ایه حکم استناه
 عاقله اولور بوکه ایترا اعتقاد
 نیمه عای قدس و سنده و نور
 یتمع جان شکسته اندر بولور
 بیکه خورید و نک و زین هر ایلده
 شام کن صیاحه و خورده ایلدی
 زاله و و راه جوه او قورافچور
 ستم و ساینر قلور بفرنی دم
 نیمه سروه ایلد و سوزیکوه
 نیمه شامه قلدر صوبت اولور
 حاکم ایلد و نیمه بیکر سیمین تینی
 جهر سن مهر و ک بو عذر زوایه
 بوبله و اکلده بلبلر ره
 بوقار ایلده و ج ایلد بودر
 مهر و ماهی و مهر صفا نورعین
 عمر اگر هفتام اگر هشتام الله
 جان خلا صوبله فایندر بو عمر
 مهر خوشبو جانکده مفتوح ایلد
 و و ایست الدنم بوی زکلسن

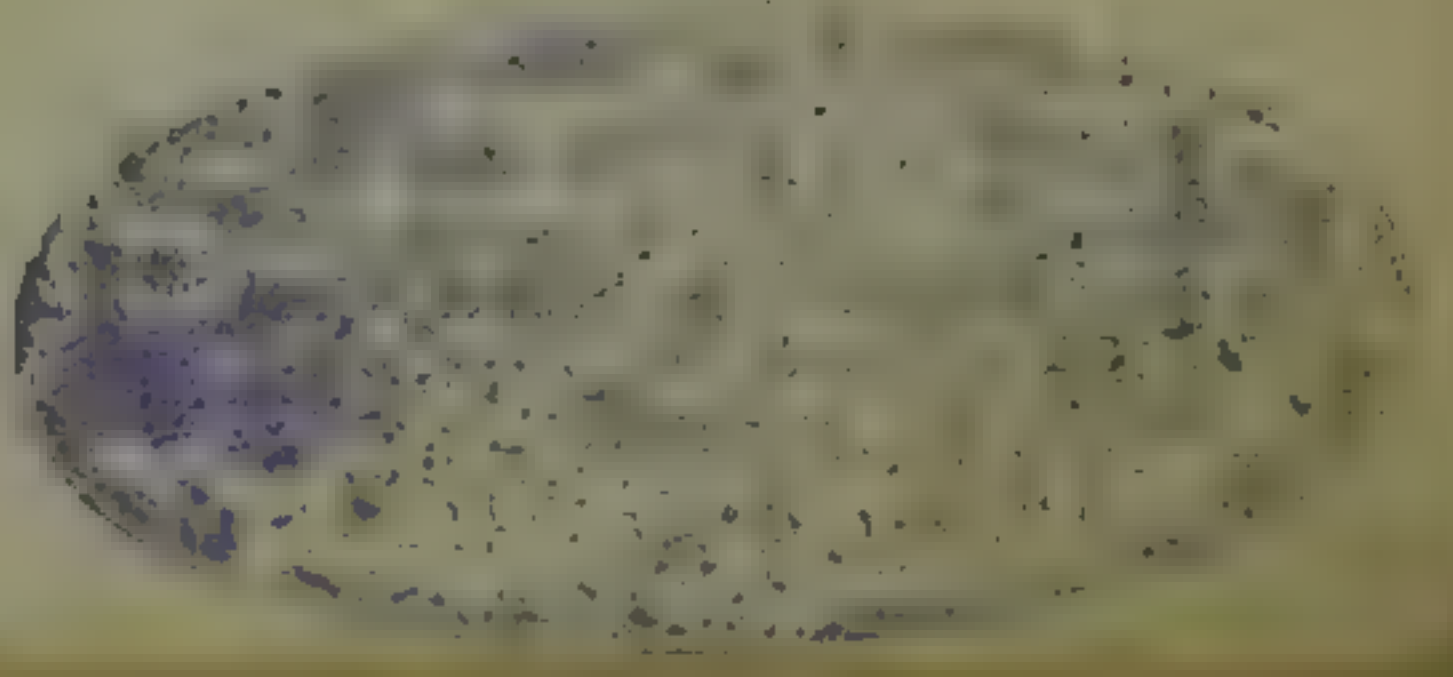
اسبابی استخواند ریزد بود / او کوه و دینر بگویند و راه
 بولد و غنای ایل بوازده باندا / برور یا شرف سلطانه و کدا
 کعبه هرگز وفا اتمش و کمال / هیچ خونده اجتماعتش و کمال
 جانکه بستم شمع افروز ایدر / بخت عشق نده بر خوه ایدر
 دولتش او در رو یغنی پاک / صوفی خود لست و در حلقه حلقه
 منحنی کینه صفای بر کدر / عاتق کس سوکوسن و لده کدر
 که باطله یان و لامی جهانه / لیکن مقدر قبله کاهین و جانه
 و اریوریه بوقلمونه بیچ اندیش / سور یوز که در کاهه اقیه قنای
 با سواهی عقد ایل قلبی پاک / تا افعه ایدیه جانه تابا که
 نوز و حدتده یقب بر کن شمع / اول سن قف بقاسی بر لایع
 کشف اول کوه کلب اطوان و جود / جانک غرق این انوار شریف
 لامی کفزار صنایع بویو لایع / عزم یار اید قافیه بملدی
 ایللب بویولع عشق اتن یراغ / قدس کار از نه که کور کمال یراغ
 باله و بر اجب پوری شهباز و ار / لا یحکاه ملکنه پرواز ایلوار
 و ید ابقه و شمشیر قلم پیو / کم و دتر و شمشیر که دست پیو
 لنگ و لوکه و خفته شمشیر ایدر / سوی او یخیزد او در لایع
 خاتم و کتاب شکین عتاس **مکتب** **یوز** **یوز** **یوز** / **یوز** **یوز** **یوز** **یوز**
 عند ساریع اییب ختم کتابی **مدح صاحب قریح** / **مدح** **صاحب** **قریح** **قریح**
 به تمام ایدر **کاه** **کاه** **کاه** **کاه** / **کاه** **کاه** **کاه** **کاه**

شکر کج کمال کلبی بوز نکین کاهم / بولدیه کمال و در نوح مهری اضم
 کاه کلبی روین ایدر و خشن بو / اتی لای یلجنم بولدیه و شمر و
 بقلنبه او را قینه شیرا بی / کیده مهده عسکانه اندان
 و شین مهر و باد اندی / سوز دینی و در جاده لندی
 خامه و مقل اولوب انکشت خور / مشکای غنروه طویل اوراق نور
 یام کار و مهر قلعه لطف حق / کلاته نه ال بلبلا سبوع
 با نه مهری طلقی زنگ او کرم / مشکای غنر بوی نیرنگ او کرم
 اووم خواب اینه و شمشیر / اشنامه یام اینه و شمشیر
 که حکم قدم قرا طیر ایدر / همه شایعید جهرم ایدر
 جوه شری و و راه اشاعت ایدر / جانه قدسیر بنارت ایدر
 بومده اوج حیوانه اندی خوش / صدف القینین خام قلندر خوش
 ایدر فیض و مهری سیران ایدر / بر توم افاقی پیرناب ایدر
 صنم رنگین مهر و رفته و بنوکه / و سیدی ابروس و عقد و بنوکه
 سر و چشم غباری راه حق / رخساره ابروس رنگین شفق
 نوش جاندر لیل قندی بونک / سکن خوه و میده بند بونک
 طرح یکسو سی کرده بند خور / مهر نور و طلقنده فیض نور
 دینم میده غباری یوق بونک / رب و صافید غباری یوق بونک
 خار سزا اولوب کلماته جهانه / یا اولاشا کسر اب و روه
 اوله یوز بیکر عجب اجنح بر سر / رول هنر و منتظر اهل نظر

بغی کور و دین حق بین ابه	با طلع عین هنر ایا رید
نقله صفت روز شرب اولد رجام	یوز سرو و درگاه بود رجام
بو جاک فایله بلسن کلوک	یغن بنویه یان سن بلسک
نافوش بر عطر و قه قه کوسون	هر چاره بر حقیقت کوسون
قیس اوز اولد و غن کوه کوز	بر تونده روشن اوهه جاده کوز
عطر جان اولد شان بر قاله	در اچین شبنم برور قاله
ایلیب بن بنم و خیر یل یام	دیدر و یولف اولد شام
سیر ایند نار بوی شرب یان اچنی	اولبار کلشنه خار حین
نخل و ارب الی کلشنه نویشی	باله عین این و سر یوشی
عین اور توب و اینی امانل	صاحبین یام این غفرانل
بن ایسک لایق قل بن وار	جاده و لوله جو بیکین اعتدار
بقوه و برکت سنی نایب شیم	بام زکین سخی و ده اور دم
دیر کی اولو و فکر حق نفیس	بورر عالم بال اصل الاصول
بن و عایه شاهد باقی کالهم	بوتده ارتق سوز صبار و السلام
سوز مهره و عایه خاد قالی	سوز اوز و ندر قق کیم کوتا و قالی
موتک کال و ور بن خیم اند که سوز	کال کلشنه ستر که جاده یوز کی

ایلیب افو کنا بک کال روف
 شه عین اوجی بلسک شرب لطف
 نعم یغور الله الکمل لوبک

در ۱۹۱۹
 ۱۴۱۱
 ۱۴۱۲



مژده بخش اولد رحمانه بین اید باده	فبض لطف کمر دکار عالم اندیش
بارک الله حافظ دین مبین اهدر	ناظم احوال دولت خسر و صاحب وقار
سرف و ۶۰ سروران نامک جو صالدر لوله	سایه عه لکدر راحت اوزره طفل اختیار
بدر در دایر جو دیر کوه کان کسم	فنده وار بر بوبله اوج مشرب عالی تیار
ایلدک شخیر ملک چهرنی مفه ایدوب	یک حص استوار سن ایلدک هم خاک ر
بارک ذات پاک خیره ساعی دانی	هر اموره دستگیر که اولد رب کمر دکار
کمر بر خزون دوستی دائم سعادته	حضرت خونکار رخا زیر مردم اوستون
کمر یغور کیم اخو شهنشاه جهان	ملکم او مشر خدا دن ایرینه بر کارزار
اصفا جوق خد شنگ کیم مبین اوده	ناظم احوال دولت خسر و صاحب وقار
بن نه خالم ذاکم و صف الیم زیر اسک	خلق اچینه سطوره کال شمش و سطرها
بوخ و مدر منتظر احسانک محزون کول	برنگه بد دل و بران با یک خوش زوار
بود حاجر بند که لطف قدم اوستون شها	وقتیدر بخدیده احسان ایلدک زار نمدار
باد صر شوید اندر خانه قلیه خراب	زره لطف کله یا یک بوخه اولم اوستوار
داعیا اید دعاش مدحنی ایند ختم	جوق سخن مقبول کیم اولد در شهابوار
حضرت بار بر وجود پاکنه ختم دیره	صدر رشائیده مع اولد دولت بایدار

[illegible]

۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷
 ۴۷۸
 ۴۷۹
 ۴۸۰
 ۴۸۱
 ۴۸۲
 ۴۸۳
 ۴۸۴
 ۴۸۵
 ۴۸۶
 ۴۸۷
 ۴۸۸
 ۴۸۹
 ۴۹۰
 ۴۹۱
 ۴۹۲
 ۴۹۳
 ۴۹۴
 ۴۹۵
 ۴۹۶
 ۴۹۷
 ۴۹۸
 ۴۹۹
 ۵۰۰
 ۵۰۱
 ۵۰۲
 ۵۰۳
 ۵۰۴
 ۵۰۵
 ۵۰۶

بسم الله الرحمن الرحيم
 هر آنکس که خواهد فال محف بگیرد با طهارت باشد و در بقعه بنشیند نیت بکند و بگوید
 و سه بار سه بار بخواند و سه بار لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و سه بار بگوید
 اللهم صل علی ابی محمد و آل محمد و سلم علیه و این است بخواند و بعد از فراغ الغیب لا یعلمها الا الله
 و یعلم ما فی البر و البحر و ما فی فطن و رقة الا یعلمها و لا حجة فی ظلمات الارض و لا رطب
 و لا یابس الا فی کتب مبین و این دعا یکی از آنکه اندک الله فی توکل علیک و تقاوت
 بکت بک فارنی سائر المکتوب فی سرک المکنون فی غیبک یا ذا الجلال و الاکرام بر جبهه
 یا ارحم الراحمین و بعد از آن محف بکشد و در هفت ورق بنویسد و در سطر هفتم ملاحظه
 نماید اگر آیت رحمت بر آید بر آن کمال غایب و اگر آیت ظلمت بر آید از اجتناب غایب و بالله توفیقو العالی

انواع فالها در دل خود گوید در احوال هر روز الفایده چنانچه گفتن همگی و هست عیدست و نور
 الفایده است با دایره جان چراغ جنت و در هر روز اگر باشد الف نیکو است گارت ازینست گشت دولت گشت سار
 بفالت برادر یا برادر نهال که دشمن با در آمد چه صبا دولت است این حال که فالت با نیت با بر آمد
 زحرفی بی حدیثی دارم که آن قولم بغایت باورم الا ایرانکه با در فالت آمد تراخت سعادت یا و آمد
 الا ایرانکه در تنی فال دارم توانی تو بکن که بهوشیار که چوالت آمد تا نیت نیست که بر که دیر که بنود استوار
 که تو بکنی بر دوست بهتر بگوشت جان منو که در کار بر ترا تو به بنمودند درین فال خلاصی بابی از اندوه زار
 جوش آمد بفالت برادر شود و دشمن هم کار سر است تا امانت به نیکو فاخته کرد سخن کونا شد و الله که
 چو حرفت بفالت برادر سعادت یا رخت گشت در این فال و در نیت این بی بر حال و نیت برادر

چو جیم آمد بفالت برادر جان که من من الله دایم نور خوان که نام نیکویت شود و فکر که تا از حضرت خدیجه یا بی ایمان
 نور شد و نور صبح پیش آید که تا در خوش خوش بی ایمان غالب جهان جیم آمد ازینست جوان شور تو خندان
 جوی آمد ترا جت را شد هم کارت ضا اندر ضا شد جوی آمد بر افتد هم رخ هم در نور نیک را شد
 ز دشمن هیچ نتوانم که گویم چه جبهه گفتن او عرق بلا شد اگر غایب کسی دار زجایر شود نشان دولت گفتن فراموش
 بفالت فراموشی دردم نباشد مال ملک نیست کم جزا آمد ضا که کم کردی دست که تا بنود تراخ و ضا خشم
 جوی آمد ز خوشی نیست خالی که آن فتنه نه سودا نه حرم جوی آمد بکار بر دشمن زو که آن دست ترا کرد مسلم
 جودال آمد دل اندرین فال منو که در تر کارت بهر حال جودال آمد دل میگذران که امشب بود بهتر ز سال
 بصبا بدینی که در مصعب که اخرون که در دهام جاه هم مل برو با نیکم در مشورت کن که تا مسعود که در بر توانی فال

چو زال آمد بفالت برادر بی خیال باشد نیکو بکنه جواز آمد ز مال گشت تو دل خود غم اندوه سیر
 که کار که خواهی تو بکن زود بکن نچیل و کار خود بدیر که حرف زال باشد بسیار ازینست زحرف خوش برادر
 چو را آمد و از انداخت زود که پیش و ن که گام مسعود چو را آمد و از کن سبب نبار قدم در نه که در دور بر نمود
 سعادت یا دولت هم مصاحب زهر فر خنده فال و نیت مسعود
 چو آمد ز فال تو زبان نیست و بکن هیچ سود در میان نیکوم ازینست خیر کن و نیت بکن کردن بی نیت
 مکن نچیل ز نهان درین کار شنو بنده این و که گوشه که نیست که آن خفتد و نیت که در
 جوی آمد سعادت یا بر کرد شنو دخت تو بدید که در جوی آمد مکن تو خفتد که آن خفتد و نیت که در
 مکن با هیچ کسی از دل خویش که تا در دست تیار که در جوی آمد مسعود که در زبیا که در دور

Handwritten text in Arabic script, likely a list or account, spanning the top half of the left page. The text is faint and mostly illegible due to fading and bleed-through from the reverse side.

Handwritten text in Arabic script, located in the bottom right corner of the right page. It appears to be a signature or a short note.

لامعی هلی = محمود بن عثمان بروسی

بروسه نه در اختیار او لایه بوزات ادبای عثمانیه نه در کینه
و ستای نقیبه نه عرفانده اولوب ۹۲۸ تاریخچه ارجای ایدوب
بروسه حاضر نه ادر تایارار قریبه عهدی تقاضیه علی مسجدی طریقه نه
رفعه اولونته . نشری نظمده اقواد . وامده عنفرا و حجه انارنده